

صنعت و کار آفرینی

نشریه خبری آموزشی و تحلیلی

دی / بهمن / اسفند ماه ۱۳۹۵





HUTCHINSON
WORLDWIDE
&
PART LASTIC
GROUP

We make it possible



بزرگترین تولیدکننده قطعات صنعتی لاستیکی در ایران خودرو (سایکو)، سایپا (سازه گستر)، رنو پارس، کرمان خودرو و... در استان خراسان دارای گواهینامه های بین المللی استاندارد ISO TS 16949:2009 و استاندارد ISO 9001:2008 و دارای گرید A سایکو شریک تجاری شرکت هاجینسون فرانسه



دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر، خیابان فتحی شافقی، میدان سلماس، جنب بانک ملت، شماره ۴
تلفن: ۰۲۱-۸۸۰۱۹۵۴-۵، شماره: ۰۲۱-۸۸۰۲۳۴۷۱
www.partlasticgroup.com

- Power Conversion Systems
- Telecommunications Power Supplies
- Renewable Energies
- Power Quality
- Industrial Batteries
- Engineering Services



بزرگترین طراح و تولیدکننده مبدل های انرژی Power Conversion Systems

مبدل های تامین انرژی و منابع تغذیه تجهیزات ICT
مشاور و مجری پروژه های EPC و TURNKEY در تجهیزات POWER
کانورتر توان بالای نیروگاه های بادی / اینورتر سلول خورشیدی

CUSTOM DESIGN PRODUCTS

طراحی محصولات بر طبق خواسته مشتری



www.nianelectronic.com

تلفن: ۰۵۱-۳۵۴ ۱۴ ۱۱۱



**made
in
Germany**

www.faraz-compressor.com

تهران، پارک فن آوری پردیس، نوآوری هشتم، پلاک ۸۸

تلفن: ۰۲۱-۷۶۲۵۰۸۵۰ (خط ۱۰)

۰۹۱۲۸۴۹۹۹۰۱-۴



O₂ & N₂ Generators

- Maximum purity up to 99.9999 %
- Capacity up to 10,000 N m³/h
- Turnkey solutions for oil and gas projects



Screw and Oil free Compressors

- Direct drive 1:1 - soft start
- Intelligent controller, fast response with full digital monitoring
- High-quality workmanship



Compressed Air Treatment

- High Energy saving and maximum quality guaranteed
- Reduction of the operating costs, enhanced profitability during operation
- Longer service lives and a the best quality compressed air



Mayamay

تولید کننده محصولات شوینده میامی



شرکت کفساز شرق

www.kafsazco.com

kafsazco@gmail.com

05135422453-5

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



ماهنامه صنعت و کارآفرینی
نشریه خبری و آموزشی و تحلیلی

شماره ۸۸ - اسفند ۱۳۹۵

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

هیات تحریریه: امیر مهدی مرادی / فرامرز عسکری / اشرف بهنام پور
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: احمد اثنی عشری
شورای سیاستگذاری:

رضا حمیدی - حمید طیبی - حسین متین راد
عبدالله یزدانبخش - فرامرز مرادی - جلیل افشارتژاد

محمد علی چمنیان - مهدی نعیمی پور
ویراستاری: فرامرز عسکری

طراح و صفحه آرا: بهار

مدیر روابط عمومی: فرامرز عسکری

انتخاب عکس: فرامرز عسکری - وحید محبی فرد

ناشر: انجمن مدیران صنایع شعبه خراسان

نشانی دفتر ماهنامه:

مشهد- بلوار شهید منتظری - نبش شهید منتظری ۷ - مجتمع ساپکو و قطعه سازان - طبقه ۲

انجمن مدیران صنایع شعبه خراسان

تلفن: ۱۴ - ۲۸۴۴۴۲۱۱ / فاکس: ۲۸۴۴۴۲۱۷ (۰۵۱)

وب سایت انجمن مدیران صنایع خراسان:

www.imakh.ir Email: info@imakh.ir

نشریه صنعت و کارآفرینی آماده دریافت مقالات، ترجمه و گزارش‌های متخصصین و همکاران گرامی می‌باشد.

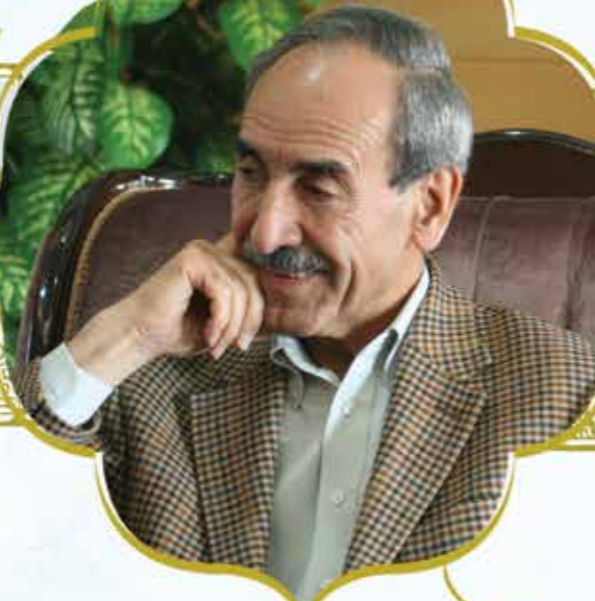
• مسئولیت مطالب بر عهده نویسندگان است.

• هیات تحریریه در انتخاب و ویرایش مقالات آزاد است.

• استفاده از مطالب نشریه با ذکر مأخذ بلامانع است.

فهرست

- پیام تبریک ریاست محترم انجمن مدیران صنایع خراسان
- سخن نخست
- پیام دبیر اجرایی انجمن مدیران صنایع خراسان
- نقش صنعت خودرو در توسعه اقتصادی ایران
- چکیده ای از جلسه هم اندیشی قانون مالیات های مستقیم
- چکیده ای از جلسه هم اندیشی قوانین تامین اجتماعی
- آیا امکان افزایش نرخ رشد اقتصادی در سال ۹۶ وجود دارد؟
- علت ورود دوباره بازنشستگان به بازار کار
- بانک های ایرانی در لبه ی پرتگاه طوفان اقتصاد ایران را در می‌نوردند؟
- خشونت / لاله محمدی
- ماهیت رکود اقتصادی امروزه جهان چیست؟
- بخش‌خصوصی در سودای بهبود فضای کسب‌وکار
- بزرگترین اقتصادهای بیمار در سال ۲۰۱۶ را بشناسید
- تجارب موفق ترکیه در اقتصاد
- تیم های موفق اقتصادی
- چرا برندی در مقیاس جهانی نداریم؟
- محسن خلیلی عراقی تشریح کرد گشایش‌های برجام برای صنعت ایران
- رابطه افزایش درآمدهای نفتی و شرایط اقتصادی در ایران
- کمر درد
- زنان کارآفرین پرچمدار کسب و کار نوین
- سرمایه گذاری بعد از ترامپ
- سه قصد چین از تجارت با ایران
- سیاست، بدهی خود را با اقتصاد تسویه کند
- ۱۰ دلیل مهم مخالفت با صندوق بین‌المللی پول
- گردش نخبگان در اقتصاد بازار
- دردس های بازنشستگی در مشاغل سخت
- گفت و گو با دستفروش آبادانی که شهرتش جهانی شد؛
- محدودیت ابزارهای توسعه تجارت فرامرزی
- مهم‌ترین رویدادهای اثرگذار بر موفقیت کسب‌وکارها در سال ۲۰۱۷
- راه توسعه صادرات غیرنفتی از صنایع تبدیلی می‌گذرد
- مهمترین مسائل اقتصادی سال ۲۰۱۷ از نگاه فوربس
- پیش‌بینی آینده قدرت صنعتی ایران و جهان
- نوآوری شاه کلید ورود به اقتصاد مدرن است
- آینده عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی در دوران ترامپ



صنعتگران خستگی ناپذیر و همراهان گرامی

خداوند را شاکریم یک سال دیگر به ما فرصت داد تا در سخت ترین شرایط کنار یکدیگر برای اعتلای صنعت کشور عزیزمان تلاش نماییم.

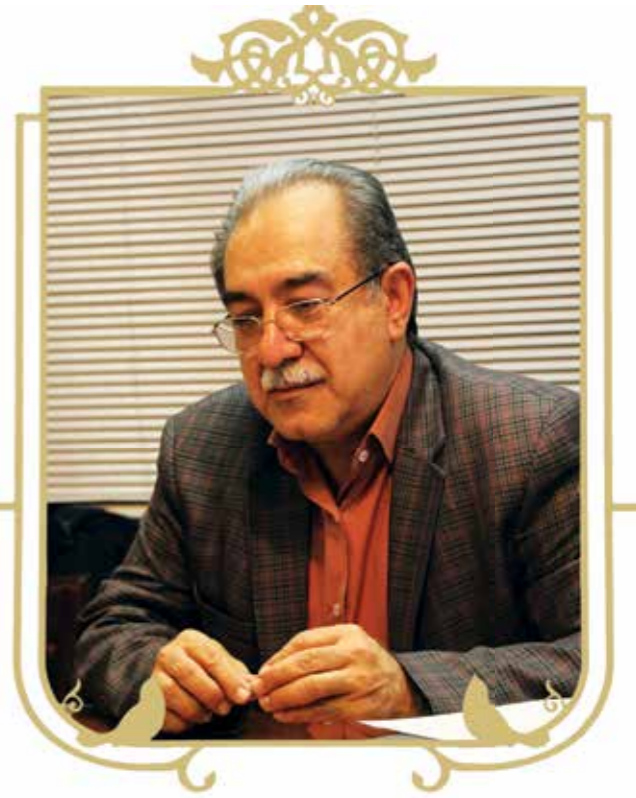
امیدوارم با الطاف و اقدامات ثمربخش دولتمردان در سال آینده ، چهره زیباتری از صنعت، تلاش و تولید را پیشکش همه هموطنان عزیزمان نموده و شاهد استقبال بیشتر هموطنان از تولیدات و محصولات با کیفیت ایرانی باشیم .

با اغتنام از فرصت، از تلاش های ارزنده یکایک عزیزان در سنگر تولید در سالی که گذشت سپاسگزاری نموده و سال نو را به شما، خانواده و تمامی همکاران پرتلاششان تبریک عرض می نمایم.

امیدوارم در راه اهداف مشترکمان که همانا ایجاد فضای آرامش، همدلی، نشاط و تعالی اقتصاد ایران عزیز و توسعه کشور محبوبمان است، همواره سربلند و پر افتخار بدرخشیم.

رضا حمیدی

رییس هیئت ریسه انجمن مدیران صنایع خراسان



این نیز بگذرد اما چگونه !!!

– سومین مشکل واحدهای تولیدی ناکارآمدی و فساد گسترده ای است که در نهاد های دولتی و حاکمیتی تسری یافته و امکان فعالیت سالم اقتصادی را کاهش می دهد.

– چهارمین مشکل اقتصاد ما نبود فضای سیاسی مناسب در کشور است. هر چند در سال گذشته برجام کام ها را شیرین نمود، اما اقدام نیروهای خود سر در حمله به سفارت عربستان، اجماع منطقه ای را علیه ما دامن زد و سرعت اربابه کندرو اقتصاد را باز هم کاهش داد. بنگاه های اقتصادی به تنهایی نمی توانند این شرایط ناعادلانه را با توانایی اندک خود بهبود بخشند و وظیفه حاکمیت است که با نگاه منطقی به اقتصاد، بستر توسعه کارآفرینی و توسعه اقتصادی را فراهم نماید.

– پنجمین مشکل واحدهای اقتصادی، تولید و بهره برداری با کمتر از یک سوم ظرفیت بنگاه اقتصادی است. قطعاً تولید با کمتر از ظرفیت اسمی باعث گران تمام شدن هزینه تولید می شود و رقابت پذیری را کاهش می دهد و این وظیفه دولت است که برای حفظ سرمایه های ملی، در هدایت سرمایه گذاری ها نقش موثرتری ایفا کند و مدیران بنگاه های اقتصادی نیز با ترکیب و ادغام و تنوع بخشی تولیدات خود برای استفاده بیشتر از ظرفیت، تمهیدات مناسب ببینند.

– ششمین مشکل ما فرسودگی تکنولوژی و هفتمین آنها تحریم های اقتصادی و اگر بخواهم ادامه دهم به تعداد روزهای سال، باید مشکل ها را فهرست کنم.

تاکنون هیچ گاه سعی نکرده ام امید را از صنعتگران دریغ نمایم و همواره عزیزان را به روزهای بهتر نوید داده ام. این بدان معنی نیست که نمی شود کاری انجام داد. اما مسیر تحقق آن، شایستگی های مدیریتی کارآفرینان است. شما که در طول سالیان قابلیت ها و شایستگی های خود را به منصفه ظهور گذارده و برای کشور افتخار آفریدید، بدانید بیش از گذشته باید متکی به خود باشیم و بند ناف خود را از شبکه بانکی و حمایت های دولتی جدا کنیم و بدانید شما می توانید و به این توانستن اعتماد داشته باشید.

در سال پیش رو مدیران باید شایستگی های خود را توسعه داده و با بهره گیری از دانش مدیریت روز در دستیابی به مزیت های برتر تلاش کنند.

سالی سرشار از توفیق و به روزی برایتان آرزو دارم

احمد اثنی عشری
مدیر مسئول

به پایان آمد این دفتر ، حکایت همچنان باقی ...

سال ۱۳۹۵ علی رغم گشایش هایی که در حوزه بین المللی برای کشور رقم خورد به دلیل مشکلات حاصل از رکود و تلاش دولت برای تامین هزینه های مالی خود از محل مالیات، سالی دشوار برای صنعت و فعالان اقتصادی بود. چالش تامین مالی بنگاه های اقتصادی علی رغم تلاش مجدانه مسئولان بویژه در استان در برخی موارد به دلیل قوانین دست و پاگیر و بخشنامه های داخلی بانک ها راه به جایی نبرد و بانک های بزرگ کشور به دلیل ارائه زیان سنگین در حساب های خود از هرگونه پذیرش ریسک در تامین مالی واحدها اجتناب نمودند. سایر روش های تامین مالی نیز همچنان کارایی لازم را در کشور نداشت و فعالان اقتصادی منحصر به روش قدیمی تامین مالی از طریق بانک ها بودند.

انباشت سرمایه های سرگردان در بانک ها و توسعه سوده های کاغذی سبب افزایش وحشتناک نقدینگی کشور شده است. در عمل این نقدینگی وجود فیزیکی ندارد و با کوچکترین تحریک بازار امکان روشن شدن ورشکستگی بانک ها و هجوم سرمایه ها به بازارهای غیر مولد از جمله ارز، طلا و ملک وجود دارد. رکود بی سابقه حوزه صنعت ساختمان، تثبیت نرخ ارز و عدم پذیرش تقویت نرخ دلار در مقابل سایر ارزها، بمب ساعتی تورم دیگر را به لحظه انفجار نزدیک می کند. وضعیت خطرناک درآمد های بیمه تامین اجتماعی در کنار هجوم فارغ التحصیلان جویای کار و نرخ بیکاری کشور بسیار نگران کننده است و کشور را با چالش اساسی مواجه خواهد ساخت. بدهی های دولت در حوزه تامین اجتماعی در کنار بدهی به سایر حوزه ها بسیار چشم گیر است و به دلیل بزرگی دولت، بخش عمده ای از درآمدها صرف هزینه های جاری حقوق و دستمزد می گردد. عملاً در سال ۹۵ نیز توفیق قابل توجهی در توسعه پروژه های عمرانی نداشتیم و همچنان بخش بزرگی از بدهی های دولت به بخش پیمانکاری باقی مانده است. با عنایت به آنکه دولت همواره به عنوان بزرگترین کارفرمای کشور مطرح بوده و می باشد، این موضوع خود به یکی از ترمزهای بزرگ اقتصادی برای خروج از رکود مبدل شده است. فشارهای همه جانبه امور مالیاتی بر فعالان اقتصادی، بویژه واحدهایی که عملکرد شفاف داشته اند، شرایط را برای سرمایه گریزی و فرار سرمایه از بخش های مولد به واسطه گری و فعالیت های سوداگرانه تشویق می کند و عدم برنامه ریزی لازم برای تعیین نقطه بهینه میان اخذ مالیات و ادامه فعالیت واحدهای تولیدی موضوع نگران کننده این روزهای واحدهای تولیدی است.

در شرایط نگران کننده اقتصادی، اجتماعی داخلی که شرح مختصر آن ذکر شد، انتخاب آقای ترامپ به عنوان رئیس جمهور آمریکا ممکن است به چالش نه چندان دور کشور منتهی گردد. پس از انعقاد برجام بلافاصله خیل هیات های خارجی به کشور گسیل گردیدند و پیش نویس قراردادهای بزرگ تجاری میان طرفین مبادله گردید لکن با توجه به انتخاب آقای ترامپ و شعارهای پیش از انتخابات ایشان، اغلب شرکتهای خارجی،



امضای قراردادهای را به سه تا چهار ماه آینده موکول نموده اند تا سیاست آمریکا در مقابل ایران روشن شود. در سه ماه آینده زمان تمدید تفاهم های برجام فرا خواهد رسید و با توجه به عملکرد تحسین برانگیز کشور در این حوزه رویکرد آتی آمریکا در قبال ایران مشخص می گردد. از سوی دیگر انتخابات ریاست جمهوری کشور نیز نقشی تعیین کننده در به ثمر رساندن نتایج برجام خواهد داشت و امیدواریم با انتخاب مدیران مردم شاهد تسلط عقلانیت و ادامه فرایند حضور تاثیر گذار کشور در مجامع بین المللی باشیم تا حقوق ملت به بهترین نحو در دنیا صیانت گردد.

اگرچه گذار از دوران بحرانی کنونی دشوارتر از دوران جنگ تحمیلی و پس از آن به نظر نمی رسد چشم انداز روشنی نیز برای فعالان اقتصادی فراهم نمی آورد و چرخ اقتصاد در پایان سال ۹۵ همچنان چشم انتظار وقایع نیمه نخست سال ۱۳۹۶ خواهد بود.

آن خبیری که نشد غافل ز کار
آن گرامی پادشاه و کزدگار
گر بسوزد باغت، انگورت دهد
در میان ماتمی، سورت دهد
چون که بی آتش مرا گرمی رسد
راضی ام گر آتشش ما را کشد
آن که بیند او مسبب را عیان
کی نهد دل بر سبب های جهان
از مسبب هر که نابینا بود
بسته اسباب این دنیا بود

ضمن تبریک سال نو، برای تمام فعالان اقتصادی سالی سرشار از امید و موفقیت آرزومندم.

حدیث آرزومندی که در این نامه ثبت افتاد
همانا بی غلط باشد که حافظ داد تلقینم

امیر مهدی مرادی
دبیر اجرایی

نقش صنعت خودرو در توسعه اقتصادی ایران



عبداله یزدانبخش

قائم مقام و رئیس هیئت مدیره گروه صنعتی پارت لاستیک و عضو هیئت رئیسه انجمن مدیران صنایع خراسان

نقش صنعت خودرو در توسعه اقتصادی ایران

اقتصاد جهان بر پایه صنعت استوار است. دولتها در برنامه های کلان خود، توسعه صنعتی را به عنوان راهبرد اساسی مورد توجه قرار می دهند. تجربه کشورهای پیشرفته نشان می دهد از ابزارهای موثر در تکمیل زنجیره توسعه صنعتی، شکل گیری سازمان های توسعه گر است. آنها نهادهایی دارند که نقش تسهیل کننده ارتباطات و عملیات در صنعت را برعهده می گیرند. در صنعت و اقتصاد ایران نیز سازمان های توسعه گر عملکرد چشمگیری دارند؛ به ویژه صنعت خودرو که از آن به عنوان مادر صنایع یاد می شود، نقش مهم دستیابی به رتبه های برتر منطقه و جهان را در چشم انداز دارد. چشم انداز صنعت خودرو ایران دستیابی به جایگاه نخست در منطقه، رتبه ۵ آسیا و رتبه ۱۱ جهان، از طرق رقابت پذیری مبتنی بر توسعه فناوری است. برای دستیابی به این اهداف به پشتیبانی هدفمند و مدت دار دولت نیاز است. این امر با بستر سازی مناسب در جهت اجرای برنامه های توسعه اقتصادی، تسهیل جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی و سرمایه گذاری مشترک، با هدف انتقال فناوری های نوین استفاده از شبکه فروش و صادراتی و بهبود محیط کسب و کار ممکن می شود.

در پایان...

امیدوارم فرصت عاشقانه خدمت کردن به ایران بزرگ و اسلامی را داشته باشیم و در کنار تمام صنعتگران و کارآفرینان سخت کوش، با تفکر، تحمل، تلاش و با همدلی و همراهی آنچه وظیفه ملی ما در خدمتگزاری است را به نتیجه شایسته برسانیم.

با امید موفقیت همه تلاشگران عرصه صنعت کشور به ویژه صنعت خودرو و قطعه سازی

اشتغالزایی صنعت خودرو

صنعت خودرو به عنوان عظیم ترین زنجیره ارزش اشتغالزا در میان صنایع معرفی شده است.

(یک شبکه کاملاً یکپارچه تخصصی و سراسر اشتغالزا با حجم عظیم سرمایه در گردش در طول زنجیره ارزش)

در طول چند دهه گذشته شاهد تغییر و تحولات بسیاری در صنعت خودرو بوده ایم. در ایران بالغ بر ۵۰۰۰ میلیارد تومان در شرکتهای خودروسازی و بیش از ۲۰۰ شرکت قطعه سازی، سرمایه گذاری شده است؛ ضمن آنکه تا به حال حدود ۴۱۰۰ شرکت قطعه سازی در کشور شناسایی شده اند که در ارتباط مستقیم با صنعت خودرو قرار دارند.

در این میان می توان نگاهی به آخرین آمار بازار کار داشت که بر اساس آن در ۴ سال گذشته رقم بیکاری کشور ۲/۵۰۰۰۰۰ نفر بوده است که ۵۰ درصد از این افراد بیکار تحصیلات دانشگاهی دارند که این تعداد نشان می دهد ۲۲۵۰ میلیارد تومان هزینه فقط بابت تحصیل افراد شده است. بنابراین اگر این تعداد افراد از بازار کار خارج شوند و بیکار بمانند اتفاق های دیگری رخ می دهد که به طور حتم تبعات اجتماعی دارد. در همین راستا تحلیل گران اعتقاد دارند باید صنعت خودرو با کیفی سازی به سمت تحرک بیشتری گام بردارد. لذا بدهی است که با بکارگیری نیروهای متخصص و دانش آموخته در صنعت خودرو و قطعه سازی، به اهداف عالی ارتقا کیفیت، رضایتمندی مصرف کنندگان و اشتغالزایی در کشور خواهیم رسید.

سخنم را با نام و یاد خداوندی آغاز می کنم که اندیشه را به عنوان بزرگ ترین موهبت، ارزانی انسان داشت تا اشرف مخلوقات باشد. با عرض سلام خدمت تمامی خوانندگان عزیز و بزرگواران همراه و با تشکر از فرصتی که فراهم نمودید که در این نشریه فرهیخته و دانش پژوه مطلبی داشته باشم.

رویکرد ما باید در صنعت توجه به تغییرات و پیشرفت و تنوع خودرو در جهان باشد.

آینده صنعت خودرو در ایران بسیار روشن و پشوانه ای در کنار صنعت نفت و گاز در اقتصاد مقاومتی و اقتدار ملی خواهد بود. وابستگی به صنعت نفت و گاز نمی تواند در اقتصاد مقاومتی، پشوانه محکم باشد.

بجز سرمایه گذاری در صنایعی چون خودرو سازی که ارزش افزوده و اشتغالزایی بالایی را به همراه دارد، توجه به نیرو و بازار کار و سرمایه های انسانی جاری آینده را نیز نیاز دارد.

ابزار لازم، مهم و اساسی پیشرفت در این صنعت، ایجاد مراکز آموزشی و تخصصی خودرو، قطعه سازی و تکنولوژی های مرتبط است.

بر اساس آمار در سال جاری تعداد ۱۰۱۳۰۰۰۰ خودرو در انواع مختلف از شرکت خودرو سازی ایران خودرو، رنو، سایپا، مدیران خودرو و کرمان خودرو تولید گردیده است.

بر اساس پیش بینی خودروسازان، تعداد ۱/۵۰۰/۰۰۰ خودرو در سال آتی تولید می گردد که خودرو های نسل جدید از قبیل پژو ۳۰۱، پژو ۲۰۰۸، پژو ۳۰۱، سئوئن C4، داستر و سیمبول... وارد بازار خودرو ایران خواهد شد. مجموعاً طی پیش بینی های صورت گرفته در ۵ سال آینده مجموع تولید خودرو های جدید و فعلی به تعداد ۸۰۰۰۰۰۰ دستگاه خواهد رسید که این مقدار یقیناً نقش بسزایی در توسعه صنایع قطعه سازی و به موازات آن حوزه اشتغال زایی خواهد داشت.



سیر پیشرفت صنعت خودرو در اروپا از سال ۱۸۹۴ - ۲۰۲۰ به بعد

سیر تحول صنعت خودرو در ایران از سال ۱۳۴۵ - ۱۳۹۵ به بعد



گذری بر جلسه پرسش و پاسخ قانون مالیات های مستقیم

وی در امر مشکلات خرید از مرکزی که فاکتور ارائه نمی نماید گفت: در زمان خرید کالا که اشخاص به هر دلیل فاکتور ارائه نمی دهند، بهتر است به طور کلی صورت حساب غیر ضمیمه اسناد مالی نگردد که در این حالت ۱٪ جریمه عدم ارائه فاکتور خواهیم داشت که قابلیت و امکان بخشودگی برای آن متصور خواهد بود. همچنین عدم ارائه فاکتور خرید، الزاماً به معنای برگشت هزینه آن خرید نخواهد بود و امکان اثبات معامله از طریق رسید پرداخت وجه، بارنامه، رسید انبار و ... متصور و قابل اثبات می باشد.

دکتر علی حسین پور

در رابطه با فاکتور فروش عنوان نمودند که شماره سریال فاکتور فروش الزاماً باید به طور چاپ شده و یا ماشینی باشد تا اصالت فاکتور، مورد تایید سازمان قرار گیرد. همچنین در برگشت از فروش، هر چند صراحت قانون در مورد چاپی بودن سریال فاکتور، وجود ندارد، اما بهتر است شماره سریال آن هم به صورت چاپی و یا ماشینی صورت پذیرد.

وی همچنین به اهمیت آیین نامه های تبصره ۳ ماده ۱۶۹ و تبصره ۵ ماده ۱۶۹ مکرر اشاره و نکات مهم آن را بیان نمود و خواستار بررسی و مطالعه دقیقتر آن توسط جامعه حرفه ای مالی استان بخصوص با توجه به تبصره ماده ۱۰ آیین نامه اجرایی تبصره ۵ ماده ۱۶۹ مکرر قانون که مسئولیت صحت و اصالت و اعتبار اطلاعات را با دارنده اطلاعات است شد.

سید مصطفی شامل

در بیان معافیت های ماده ۱۳۲ قانون مالیات های مستقیم، به صراحت به اعمال معافیت واحد های تولیدی و معدنی اشخاص حقوقی غیر دولتی اشاره و مدت آن را برای مناطق کمتر توسعه یافته ۱۰ سال و برای سایر مناطق ۵ سال مشمول مالیات به نرخ صفر می باشد و همچنین به استناد اینکه درآمد ابرازی ناشی از فعالیت های تولیدی و معدنی، معافیت دارند، لذا فروش ضایعات، ناشی از فعالیت تولیدی و معدنی را از مشمول معافیت دانسته اند.

ایشان به معافیت های دیگری که در این ماده پیش بینی شده از قبیل معافیت واحدهای تولیدی فناوری اطلاعات، افزایش نیروی کار شاغل، سرمایه گذاری مجدد، واحدهای حمل و نقل، بیمارستانها، هتلها و مراکز اقامتی و گردشگری اشاره نمود و در خصوص معافیت ماده ۱۳۸ مکرر قانون مالیات های مستقیم اعلام نموده اند، هر چند ماده قانونی صراحت دارد اما راهکار اجرایی آن شفاف نمی باشد.

قانون اصلاح قانون مالیات های مستقیم مصوب ۱۳۹۴/۰۴/۳۱ از ابتدای سال ۱۳۹۵ در سراسر کشور اجرا گردید. با توجه به تغییرات گسترده قانون مذکور و همچنین صدور بخشنامه ها و آئین نامه های متعدد از سوی سازمان امور مالیاتی کشور در طول سال جاری و ضرورت آگاهی بخشی به مودیان مالیاتی از تکالیفی که قانونگذار از ابتدای سال ۱۳۹۵ برای آنان در نظر گرفته، کارگروه مالی و مالیاتی انجمن مدیران صنایع خراسان به همت جناب آقای مهرازمیرشد عضو کارگروه، اقدام به تشکیل کارگاه آموزشی با هدف شفاف سازی بخشنامه ها و آئین نامه های صادره و همچنین ارتقاء اطلاعات تخصصی مالیاتی مدیران مالی و کارشناسان مالی و از همه مهمتر پاسخ به سئوالات و ابهامات ذینفعان نمود که در همین راستا ضمن دعوت از آقای افشین محمودیان رئیس امور مالیاتی اداره کل امور مالیاتی خراسان رضوی و آقای دکتر علی حسین پور رئیس گروه مالیاتی اداره کل امور مالیاتی خراسان رضوی، کارگاه آموزشی فوق با حضور جمعی از مدیران مالی، حسابداران و کارشناسان مالی در محل دبیرخانه انجمن تشکیل گردید. در ادامه به برخی از مهمترین مطالب اشاره شده در جلسه فوق اشاره می کنیم.

افشین محمودیان

عزم سازمان مالیاتی به شفافیت و بهبود فضای مالیاتی است. صدور بخشنامه های مالیاتی جهت رفع سوء تفاهم فی مابین سازمان مالیاتی و مودیان از طریق حسابرس مالیاتی صورت می پذیرد. وی در تعریف فرایند حسابرسی مالیاتی عنوان نمود مجموعه اقدامات جستجو گرایانه سازمان امور مالیاتی با اهداف تعیین درآمد مشمول مالیات و وصول مالیات تعیین شده به عنوان اجزایی از حسابرسی مالیاتی می باشد.

وی در ادامه اشاره می کند: بررسی ها در عملکرد سال ۱۳۹۵ تحلیلی خواهد بود و هر کجا اهداف سوء مالیاتی وجود داشته باشد، قطعاً سازمان مالیاتی با آن برخورد خواهد نمود. سازمان مالیاتی به دنبال اهداف شکلی در قانون جدید مالیاتی نخواهد بود.

افشین محمودیان افزود: در فرایند صادرات الزامی به ارائه صدور پروانه خروجی به نام شخص حقیقی یا حقوقی نمی باشد و خروج کالا از مبادی کشور، خود کفایت می کند؛ لذا در صورت اثبات شدن خروج کالا، موضوع "صادرات" به عنوان شرط لازم برای پذیرش معافیت، کافی می باشد.

نگاهی بر جلسه پرسش و پاسخ قوانین و مقررات تامین اجتماعی

در تاریخ پانزدهم دی ماه جلسه پرسش و پاسخ با حضور آقایان عبدالله ابراهیمی، رییس اداره درآمد سازمان تامین اجتماعی استان خراسان رضوی / علی بهشتی، مدیر حسابرسی بیمه ای سازمان تامین اجتماعی استان خراسان رضوی / رضا غفاریان، سرپرست گروه های حسابرسی بیمه ای سازمان تامین اجتماعی استان خراسان رضوی / مصطفی شامل / دبیر کارگروه مالی و مالیاتی انجمن مدیران صنایع خراسان و مهرازمیرشد عضو کارگروه مالی و مالیاتی و جمع کثیری از مدیران عامل، مدیران مالی و کارشناسان حوزه تامین اجتماعی در سالن اجتماعات انجمن مدیران صنایع خراسان تشکیل گردید. در ابتدای جلسه مهرازمیرشد عضو کارگروه مالی و مالیاتی انجمن مدیران صنایع خراسان به طرح سئوالات کارگروه پرداخت و سپس سایر مدعوین نسبت به طرح سئوالات خود اقدام نمودند.

از نکات برجسته ای که در این جلسه از سوی جناب آقای ابراهیمی و آقای بهشتی مطرح گردید می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- ابلاغ و تمدید بخشودگی جرایم و شرط خوش حسابی، از ۱۶ ماه به ۴ ماه تعدیل یافته است و تاریخ شروع آن از ۲۰/۱۰/۹۵ الی ۲۰/۱۰/۹۶ پیش بینی می گردد و در این راستا مقرر شده است تا پیمانکاران و شرکت های خدماتی نیز، شامل این بخشودگی شوند.

۲- وثایق برای تقسیط بدهی ها می تواند شامل اموال غیر منقول و در صورت امکان چک یا سفته باشد.

۳- تشکیل کمیسیون تجدید نظر دوم در مشهد با توجه به پیگیری های NGO های استان و حمایت های جناب آقای قوامی مدیر کل سازمان تامین اجتماعی مشهد قطعی گردید.

۴- قابل طرح بودن اعتراض به نحوه ابلاغ در کمیسیون ۳۵۵۶ سازمان تامین اجتماعی استان.

۵- در مواردی که کار به صورت سفارش انجام می شود، اعم از آنکه فاکتور داشته باشد یا خیر، به عنوان مشمول بیمه شناسایی می گردد.

۶- عدم ابلاغ بخشنامه ۳/۱۱ سازمان تامین اجتماعی به موسسات حسابرسی سازمان که از جمله نکاتی ایرادات موسسه حسابرسی به بخشنامه فوق را می توان عدم وجود تاریخ اجرای این بخشنامه نام برد.

۷- تایید فرم تعهد الکترونیکی برای کارفرمایان الزامی نیست و این موضوع بر اساس ماده ۴۳ قانون تامین اجتماعی که باید ابلاغ به شخص قانونی و واقعی صورت پذیرد، تفاوت دارد. (غیر اجباری بودن آن توسط نمایندگان سازمان نیز تایید شده است و محرومیت از یک سری خدمات سازمان تامین اجتماعی ممنوع می باشد)

۸- با توجه به نگرش مثبت هیئت های حل اختلاف و قدرت قانونی و مرجع بودن و همچنین حضور نمایندگان غیر شاغل در سازمانی لذا هیئت های مذکور میتواند کمک شایانی به کارفرمایان انجام دهد.

۹- آرای هیئت تجدید نظر به عنوان قرینه در هیئت های بدوی قابل استناد خواهد بود.

۱۰- در احتساب سوابق افراد که در حسابرسی های سازمان استنتاج می شود اعلام گردید تا دیماه ۸۶ کلیه سوابق افراد منظور شده است، اما بعد از آن تاریخ احتساب سوابق به سازمان ابلاغ نشده است.

۱۱- در ارتباط با جلسه گفتگوی دولت و بخش خصوصی در آذرماه ۱۳۹۴ مبنی بر اینکه رسیدگی و حسابرسی باید تنها برای یک سال قبل صورت پذیرد، هنوز ابلاغیه ای از سازمان تامین اجتماعی به موسسه حسابرسی ارائه نگردیده است.

۱۲- موسسه حسابرسی بر اساس دستور ۱۴/۰۴/۹۵ که در آن نحوه رسیدگی مشخص می باشد اقدام می نماید، هر چند که این دستور در تاریخ ۱۰/۱۰/۹۴ لغو شده است، اما موسسات همچنان آن را اجرایی می دانند.

۱۳- مزایای غیر مستمر تحت هر عنوان مانند کارانه، بهره وری و ... اعم از نقدی و غیر نقدی مشمول بیمه نخواهد بود، به شرط آنکه در راستی آزمایی توسط موسسه حسابرس، پاسخ عملکرد کارفرما صحیح باشد.

۱۴- لیست متمم توسط سازمان قابل پذیرش است و نیازی به تایید موسسه حسابرس سازمان نمی باشد.

در پایان این جلسه جناب آقای دکتر اثنی عشری نایب رییس انجمن مدیران صنایع خراسان و نماینده کارفرما در هیئت تجدید نظر، توضیحاتی را در مورد نحوه ارائه اسناد و مدارک و سوء استفاده هایی که تحت عنوان کمک به کرفرما مطرح می گردد را بیان نمودند.

آرای هیئت تجدید نظر به عنوان قرینه در هیئت های بدوی قابل استناد خواهد بود.

تایید فرم تعهد الکترونیکی برای کارفرمایان الزامی نیست.



آیا امکان افزایش نرخ رشد اقتصادی در سال ۹۶ وجود دارد؟

بررسی جزئیات نرخ رشد اقتصادی کشور در شش ماهه اول امسال، یافته های مهمی برای تحلیل و پیش بینی نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۶ به همراه دارد.

طبق گزارش مرکز آمار ایران نرخ رشد اقتصادی در شش ماهه اول سال ۱۳۹۵ برابر با ۶.۵ درصد بوده است و این نرخ بدون در نظر گرفتن نرخ رشد بخش نفت به ۴.۵ درصد کاهش پیدا می کند. اما وقتی به جزئیات نرخ رشد کشور در شش ماهه اول امسال دقت کنید نتایج جالبی از میزان درون زا بودن و امکان استمرار این نرخ در سال آینده بدست می آید. طبق گزارش مرکز آمار ایران نرخ رشد اقتصادی بخش های مختلف اقتصادی از سمت عرضه در شش ماه اول امسال بدین گونه بوده است که نرخ رشد گروه کشاورزی ۵.۹ درصد، نرخ رشد استخراج نفت خام و گاز طبیعی ۷۴.۹ درصد، نرخ رشد صنعت ۳.۷ درصد و نرخ رشد گروه خدمات ۵ درصد بوده است. تحلیل نرخ رشد از منظر بخش های مختلف اقتصادی به خوبی نشان می دهد که رشد عجیب و بسیار بالای بخش استخراج نفت که بیشترین تاثیر ممکن را از اجرای برجام گرفته است، موتور نرخ رشد اقتصادی ایران در شش ماه اولیه بوده است و وقتی نرخ رشد ۷۴.۹ درصدی را در سهم ۷.۴ درصدی این بخش در تولید ناخالص داخلی کشور ضرب کنید میزان اثرگذاری بیش از ۲ درصدی بخش نفت در نرخ رشد کلی اعلامی به خوبی نمایان می شود.

اما همین بررسی ها به خوبی نشان می دهد که نرخ رشد بخش صنعت به عنوان یکی از عوامل اصلی درون زا کردن و استمرار نرخ رشد برای سالهای آینده که سهم ۱۴ درصدی نیز در تولید ناخالص داخلی دارد، بیشتر از ۳.۷ درصد نبوده است و در بخش های مختلف صنعت، بخش ساختمان با نرخ رشد ۹.۷- درصد بدترین شرایط را داشته است.

به بیان دیگر نرخ رشد اقتصادی ایران در شش ماه اول امسال تا حدود زیادی مدیون نرخ رشد بسیار بالای بخش نفت ناشی از رفع تحریمها و بهبود نرخ رشد در گروه خدمات بویژه در بخش های حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات و همچنین در بخش واسطه گری های مالی است

که این دو بخش نیز پس از بخش نفت از اجرایی شدن برجام بیشترین تاثیر مثبت را پذیرفته اند.

برای پیش بینی نرخ رشد اقتصاد ایران از منظر ارزش افزوده بخش های مختلف اقتصادی در سال ۱۳۹۶ با توجه به ماهیت نرخ رشد که تغییرات تولید ناخالص داخلی هر دوره یا هر سال را نسبت به همان دوره در سال قبل مقایسه می کند، باید به این سوال ها پاسخ داد که آیا امکان دارد بخش نفت در سال ۱۳۹۶ نسبت به سال ۱۳۹۵ همچنان از نرخ رشد بسیار بالایی برخوردار باشد که همچون امسال این نرخ بتواند موتور محرک استمرار نرخ رشد اقتصادی باشد؟

بدیهی است به دلیل آنکه طبق آمارهای منتشر شده بخش نفت ایران با توانمندی و درایت وزارت نفت به سرعت به حداکثر ظرفیت استخراج نفت خود بسیار نزدیک شده است، از منظر افزایش ظرفیت ها، امکان استمرار نرخ رشد اقتصادی بالای این بخش در سال ۱۳۹۶ بسیار نامحتمل به نظر می رسد و با توجه به پیش بینی های اولیه از قیمت نفت در سال ۱۳۹۶ از منظر افزایش قیمت نیز امکان استمرار قابل توجه نرخ رشد بخش نفت نامحتمل است. همین استدلال برای بخش هایی همانند حمل و نقل نیز که با اجرایی شدن برجام نرخ رشد قابل توجهی نسبت به سال گذشته داشته اند کاملاً محتمل است.

در پایان بطور خلاصه می توان گفت با بررسی موتورهای محرک ایجاد نرخ رشد ۶.۵ درصدی شش ماه اول امسال در ساختار تولید ناخالص داخلی از منظر بخش های اقتصادی، انتظار تکرار چنین نرخ رشدی برای سال ۱۳۹۶ با توجه به برون زا بودن عوامل اصلی ایجاد نرخ رشد اقتصادی امسال و تاثیر اجرایی شدن برجام بر رشد این بخش ها، کمی بعید به نظر می رسد و برآوردهای اولیه همکاران ما در موسسه بامداد نشان می دهد که ایران به احتمال زیاد در سال ۱۳۹۶ نرخ رشد اقتصادی کمتر از امسال را تجربه خواهد کرد که رقم دقیقاً پیش بینی واحد تحقیق موسسه بامداد برای نرخ رشد اقتصادی سال ۱۳۹۶ به زودی اعلام می گردد.

سیامک قاسمی / موسسه مطالعات بامداد

ECONOMIC GROWTH



علت ورود دوباره بازنشستگان به بازار کار

دکتر محسن ایزدخواه معاون مدیرعامل پیشین صندوق تأمین اجتماعی



شلوغی و حفظ روابط درون کار است که معمولاً تجربه افراد بازنشسته در این خصوص مانع هرگونه درگیری یا شکایت و شلوغی در فضای کسب و کار است که در هر شکل آن کارفرمایان را به ادامه کار با بازنشستگان بیشتر راغب می کند و دلیل سوم در استقبال کارفرمایان از به کارگیری بازنشستگان یا توجه به تجربه بازنشستگان، بالا بردن بهره وری در فضای کسب و کار و کاهش ضایعات است.

از سوی دیگر باید یادآور شد که بخش عمده بازنشستگان از سطوح مختلف علمی هستند نظیر؛ بازنشسته مقاطع مختلف علمی تا موسسات و پژوهشگاه های علمی و ارتشی و... در صورت بازنشستگی پیش از موعد یکی از اشتباهات فضای عالی تصمیم گیری بود که گمان می کردند بازنشستگی پیش از موعد می تواند باعث ایجاد فضا و بستر مناسب برای به کارگیری جوانان باشد که تجربیات این دو دهه نشان داد این اتفاق نیفتاد و آنچنان بازنشستگی پیش از موعد نتوانست باعث جذب و به کارگیری نیروی جوان تر بشود. از سوی دیگر به کارگیری نیروی بازنشسته انتقال تجارب را برای نیروهای جوان تر در فضای کسب و کار در بردارد که کارفرمایان معمولاً از این موضوع استقبال می کند.

ورود بازنشستگان به بازار کار عمدتاً به ضعف های سازمان های بیمه ای نظیر صندوق بازنشستگی تأمین اجتماعی، نیروهای مسلح، صندوق بازنشستگی کشوری مربوط است هر چند باید یادآور شد در شرایط فعلی حدود نیم میلیون نفر از بازنشستگان در بخش های مختلف کشور مشغول به فعالیت هستند که مهم ترین عوامل در بازگشت بازنشستگان به بازار کار بیشتر ناشی از:

یکم؛ بازنشستگی پیش از موعد آنان است که بدون توجه به شرایط روحی و روانی آنان نسبت به بازنشستگی آنان اقدام شده است و این افراد که بیشتر در رده سنی ۴۰ تا ۵۰ سال قرار دارند از نظر روحی از آمادگی لازم برای بازنشستگی و خروج زود هنگام از بازار کار برخوردار نیستند. لذا ورای مسائل مالی، این افراد به دلیل شرایط سنی کمی که دارند هنوز آماده خانه نشینی و بازنشستگی نیستند و از این رو بخشی از بازنشستگان کشور بیشتر شامل افرادی هستند که بازگشت به کار مجدد از ضروریات سنی آنها تلقی می شود.

دوم؛ افرادی که بازنشسته می شوند حدود ۸۰ تا ۸۵ درصد حقوق زمان اشتغال شان را دریافت می کنند که در سال های بعد به علت تورمی که ایجاد می شود، صندوق های بازنشستگی یا سایر ارگان ها نمی توانند با توجه به تورم ایجاد شده حقوق این افراد را افزایش دهند لذا وقتی افراد بازنشسته شوند از مزایای حین کار آنان کاسته می شود و این یکی دیگر از عوامل بازگشت به کار بازنشستگان است به عنوان نمونه عیدی و حقوق امسال کارگرانی که شاغل هستند حداقل دو برابر دستمزد تعیین شده است به عبارتی چیزی معادل ۲.۵ میلیون تومان و این در حالی است که به بازنشستگان صرفاً آخر ماه بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان عیدی و دستمزد ماهانه پرداخت می شود پس همین میزان دستمزد یا حقوق ماهانه اندک از سوی متولیان صندوق بازنشستگی خود یکی از عوامل مهم در بازگشت به کار بازنشستگان است.

سوم؛ در هر سه صندوق بازنشستگی تأمین اجتماعی تا نیروهای مسلح و صندوق بازنشستگی کشوری رقمی که تحت عنوان مستمری پرداخت می کنند حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد از زندگی آنان را تأمین می کند پس آنان ناچار به بازگشت به محیط کار هستند. این در حالی است که اکثر بازنشستگان پس از ۳۰ سال اشتغال اکنون دارای نوه و نتیجه و فرزند هستند و به نوعی بزرگ فامیل محسوب می شوند پس هزینه های مهماننداری نیز به هزینه زندگی آنان اضافه می شود. از این رو تأمین هزینه های زندگی برای آنان سخت و سخت تر خواهد شد لذا مجبور به بازگشت به بازار کار هستند. چهارم؛ از سوی دیگر با توجه به نامساعد بودن بازار و فضای کسب و کار و با توجه به دغدغه ای که کارفرمایان ما در خصوص روابط داخلی در فضای کسب و کار دارند از چندین جهت کارفرمایان به به کارگیری نیروی بازنشسته راغب هستند؛ یکی از این دلایل حقوق کمتری است که به این قشر پرداخت می شود و دلیلی دیگر دغدغه شکایت و کم تجربگی و



بانک های ایرانی در لبه ی پرتگاه طوفان اقتصاد ایران را در می نوردد؟

ساختار نظام بانکی در اقتصاد ایران در طی چهار دهه گذشته دارای نوسانات گمانه زنی، گزارش های کارشناسی و اخطارهای بسیاری از فعالان اقتصادی حکایت از وجود یک تهدید در اقتصاد ایران دارد.

در حالی که بانک ها در هر اقتصادی به عنوان یکی از موتورهای رشد اقتصادی مطرح می شوند، در شرایط امروز اقتصاد ایران، به عنوان یک تهدید بالقوه جلوه گری می کنند. تهدیدی که ریشه در دهه ها مدیریت سلیقه ای دارد.

ساختار نظام بانکی در اقتصاد ایران در طی چهار دهه گذشته دارای نوسانات زیادی بوده است. شبکه بانکی در قبل از انقلاب، دارای ساختار مدیریتی دولتی و خصوصی بود و پس از انقلاب، تمام بانک های کشور ملی شدند و در مالکیت دولت درآمدند. در سال های اخیر دوباره مدیریت بانک های کشور به صورت دولتی و خصوصی درآمده است. اگرچه بحران شدید بانکی هرگز در ایران مشاهده نشده است، اما به نظر می رسد بر اساس گمانه زنی های غیر رسمی، اتفاقات اخیر رخ داده برای نمادهای بانکی حاضر در بازار بورس و اخطارهای جسته و گریخته مسئولان اقتصادی کشور، وضعیت بانکی ایران چندان امیدوار کننده نیست و حتی ممکن است در آستانه یک بحران قرار داشته باشد.

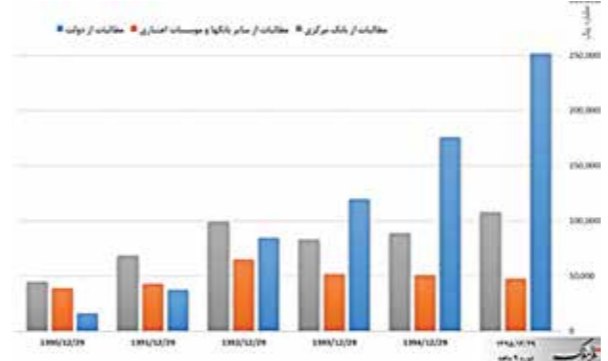
وضعیت پیش آمده برای بانک ها که با بازگشایی نمادهای بانک ملت و بانک تجارت در ماه جاری و وارد شدن زیان ۴۵۰۰ میلیاردتومانی به سهامداران آن ها نمود واقعی تری پیدا کرد، نتیجه سال ها مدیریت غلط در بانک ها بود که آرام آرام در حال نمایان

شدن است. در حالی که بانک مرکزی، بانک های کشور را مجبور به ارائه صورت های مالی بر اساس استاندارد IFRS کرده است، بسیاری از سودهای گذشته بانک ها در صورت های مالی جدیدشان تبدیل به زیان شده است. به گفته کارشناسان در گذشته صورت های مالی بانک ها شفاف نبوده و سودهای موهوم اعلام می شد و سودی که اعلام می کردند مربوط به مطالبات معوق بوده است. اما در حال حاضر بانک ها موظف به صورت های مالی شفاف، داشتن ذخیره مالی و عدم پرداخت سود موهوم شده اند.

اما قصه بانک ها به همین مسئله ختم نمی شود. واقعیت این است که بخش عمده ای از مشکلات بانک ها به بدهی های دولت به آن ها برمی گردد. نگاهی که همواره و به طور سنتی از سوی دولت ها به بانک ها وجود داشته و در طول یک دهه گذشته شدت بیشتری یافته است، این است که در نگاه دولتی بانک به عنوان یک خزانه و یک صندوق در نظر آمده است و همین مسئله منجر به شکل گیری وضعیت امروز شده است. بانک تجارت یکی از بانک هایی بود که در بهمن ماه و بعد از گذشت شش ماه، نماد آن در بازار بورس بازگشایی شد و ضرر ۱۵۰۰ میلیاردتومانی را به سهامدارانش تحمیل کرد. نمودار زیر بیانگر وضعیت مطالبات و رشد چشمگیر این مطالبات در سال های اخیر است.

نمودار بررسی مطالبات بانک تجارت از دولت، بانک مرکزی و دیگر بانک ها و موسسات

مالی (به نقل از خبرگزاری تابناک)



مشکل دیگر که دامن گیر بانک هاست و زمینه ساز ایجاد ذهنیت شکل گیری یک بحران در اقتصاد کشور شده است، به مسئله دارایی های سمی بر می گردد که بخش عمده ای از دارایی های بانک های تجاری را تشکیل می دهد. اصطلاح دارایی های سمی به آن دسته از دارایی های مالی گفته می شود، که قابلیت نقدشوندگی آنها، از دست رفته و بازار ثانوی برای معامله آنها نیز بدلیل کمبود تقاضا، دیگر موجود نیست. حتی در مواردی معمولاً بازاری برای خرید و فروش این دارایی ها موجود نمی باشد و نگهداری این نوع دارایی ها، به معنای ضرر قطعی تلقی می شود. سرمایه گذاری های عظیمی که در پروژه های ساختمانی در طول یک دهه گذشته انجام شده است از نمونه های بارز این نوع از دارایی هاست.

در کنار تمام این ها مسئله سود بانکی است؛ سود بانکی که در مقایسه با نرخ تورم و نرخ بازده سرمایه گذاری در کشور هیچ توجیهی ندارد و به نظر می رسد رقابت شکل گرفته در جذب سپرده های مردم، نه به عنوان یک مشکل بلکه به عنوان یک راه حل در دستور کار بانک ها قرار گرفته است و خود نه به عنوان یک علت بلکه به عنوان یک معلول زمینه ساز عمیق تر شدن بحران بانک ها شده است. بانک ها به طرق مختلف از صندوق های سرمایه گذاری گرفته تا طرح های مناسبی، قانونی که البته توافق خودشان عنوان می شد را دور می زنند. به گزارش ایسنا، صندوق های سرمایه گذاری این روزها آن قدر در شبکه بانکی قدرت گرفته اند که قائم مقام بانک مرکزی از آنها به عنوان فرزندان بانک ها یاد می کند. سودهایی که عموماً بالای ۲۰ درصد از طریق این صندوق ها به مشتری پرداخت شده و تا ۲۲ درصد هم می رسد.

اگر چه برای سپرده های یک ساله باید سود ۱۵ درصد باشد، اما این روزها تحت عناوین مختلف به ویژه به بهانه دهه فجر شرایط ویژه ای برای سپرده های بانکی تعیین می شود تا جایی که در برخی از آنها حساب سپرده مدت دار با سود ۲۲ درصد باز می شود. از این دوره بگذریم برخی دیگر سود ۲۰ درصد و ۲۲ درصد را برای سپرده پیشنهاد می کند به شرط آنکه اگر حداقل مبلغی که در این حساب قرار می گیرد پنج میلیون و یا ۱۰ میلیون به بالا باشد. این در حالی است که تا همین چند ماه پیش یا حسابی با سود بالای ۱۵ درصد وجود نداشت و یا حداقل مبلغ برای دریافت چنین سودی حداقل ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون تومان و حتی بالاتر باید بود.

موسسه انگلیسی دارین انلیتیک طی گزارشی از نظام بانکی ایران نوشت: سال ها دوری از سیستم مالی بین المللی موجب شده تا اکثر بانک های ایرانی با کنترل های مدیریتی ضعیف و سیستم های فن آوری اطلاعات غیر پیشرفته و اعمال حسابرسی و نظارتی ناکارآمد مواجه باشند. این گزارش افزود عدم توانایی در باز پس گیری وام های پرداخت شده و کوچک بودن اندازه بانک های ایران باعث شده تا در شرایطی که اقتصاد ایران در مسیر توسعه و رشد قرار دارد،

توانایی بانک ها در پاسخگویی به درخواست ها محدود باشد. این موسسه هشدار داد ایران به جای رشد بخش بانکی، ممکن است با یک بحران بزرگ بانکی در طی ۳ تا ۴ سال آینده مواجه شود.

و البته در پایان به این نکته نیز باید اشاره کرد که به طور کلی به نظر می رسد کل سیستم پولی و مالی کشور در یک شرایط بحرانی به سر می برد. عبدالناصر همتی، رئیس کل بیمه مرکزی امروز و در مراسم افتتاح بیمه زندگی خاورمیانه خبر از وجود یک مشکل ریشه ای دیگر در سیستم پولی و مالی کشور داد؛ وی با اشاره به مشکلات اقتصادی صندوق های بازنشستگی در کشور اظهار داشت: متأسفانه نظارتی بر صندوق های بازنشستگی نیست و به نظر من پس از معضل بانک ها معضل بلندمدت اقتصاد ما صندوق های بازنشستگی هستند و اگر در بحث نظارت این صندوق ها بخواهیم وارد شویم دولت در آخر به بیمه مرکزی خواهد رسید.



به نظر می رسد، مشکلات بانک ها در اقتصاد ایران بایستی به عنوان یک اولویت در دستور کار قرار گیرد و پیش از آن که منجر به شکل گیری بحران های اجتماعی و اقتصادی فاجعه بار شود، برای حل آن در بالاترین سطوح اجرایی و برنامه ریزی کشور فکری شود. بدهی های دولت به بانک ها، وجود دارایی های سمی، عدم شفافیت مالی و عدم مدیریت بهینه، از مهم ترین مشکلاتی است که شبکه بانکی کشور با آن روبروست و همین مسئله زمینه ساز رقابت بانک ها در جذب سپرده ها در جهت سرپوش گذاشتن بر مشکلات امروزشان شده است.



لاله محمدی

عضو کار گروه ارتقاء سلامت کار انجمن مدیران صنایع خراسان

خشونت و استرس

خشونت پدیده ای تاریخی است که در ادوار گذشته نیز وجود داشته است. اما علیرغم پیشرفت های روزافزون بشری این پدیده هنوز هم با برجاست و فارغ از ملیت، نژاد، طبقه اجتماعی و حتی میزان توسعه یافتگی کشورها همچنان خشونت جزئی از زندگی روزمره شده است. خشونت هرچند پدیده ای تاریخی است لیکن یک پدیده اجتماعی نیز می باشد، اگرچه میزان و شدت آن در کشورها و حتی در فرهنگ های گوناگون متفاوت می باشد اما بعنوان یک پدیده چند بعدی هم علت و هم معلول بسیاری از آسیب های اجتماعی است. عوامل مختلفی باعث استرس و خشونت در محیط کار میگردد ولی با کمی اغماض میتوان عوامل ذیل را موثرتر در بروز خشونت شغلی دانست: ویژگیهای نقش، روابط کاری، ساختار و جو سازمانی. در این باره پژوهشگران به ویژه با استفاده از نظریه نقش سعی کرده اند مسایل مربوط به استرس را شناسایی کنند و دریابند که فشار های ناشی از نقش تا چه اندازه در پدید آمدن استرس شغلی تاثیر دارند بنابراین در نتیجه این پژوهش ها چهار نوع ویژگی برای نقش برشمرده اند.

۱) ایهام نقش (۲) کمباری نقش (۳) گرانباری نقش (۴) ناسازگاری نقش

– خشونت در محل کار، انواع متفاوتی دارد که به طور کلی می توان آن را در دودسته کلامی و فیزیکی قرار داد – **خشونت کلامی:**

خشونت کلامی غالباً شامل رفتار بد کلامی کارمندان نسبت به یکدیگر یا سوء استفاده از قدرت شان است. این خشونت در برگیرنده انواع تهدید، تحقیر، آزار و اهانت به دیگران است. این نوع رفتارها باعث ایجاد احساسات بد در افراد می شود. خشونت در محل کار موضوعی است که اگر جلوی آن گرفته نشود، الگوی رفتاری نامناسب ایجاد می کند. البته رفتار تند و تیز رئیس سازمانی را مادامی که توهین آمیز نباشد نمی توان به خشونت تعبیر کرد، چراکه مدیران سازمان ها به دنبال بیشترین کارایی سازمان شان هستند اما گاهی اوقات برخی مدیران از قدرت شان سوء استفاده و با کارمندان شان بد رفتاری می کنند.

گاهی اوقات برخی از رفتارهای خشونت آمیز با سرو صدا انجام می شود و اکثر مواقع فردی که چنین رفتاری دارد در انتها خودش متضرر می شود. اگر مدیر سازمانی باشد بتدریج کارمندان لایق و خوب خود را از دست می دهد و اگر هم کارمند باشد، موجبات اخراج خود را فراهم می کند. اما بیشتر مواقع خشونت های موجود در محل کار هوشمندانه تر و بدون سرو صدا صورت می گیرد. مثلاً فردی که دست به چنین خشونت می زند، ظاهراً رفتار بسیار محترمانه ای دارد، به طوری که اطرافیانش به او اعتماد دارند و احترام می گذارند اما او از اعتمادشان سوء استفاده کرده و به آنها خیانت می کند. در برخی موارد، قربانی حتی متوجه نمی شود چه اتفاقی افتاده است. ممکن است فردی که دست به خشونت علیه دیگران می زند فردی بسیار باهوش و متمرکز روی کارش باشد و گاهی اوقات به موفقیت هایی نیز دست پیدا کرده باشد. مثلاً ارتقا یافته و مورد احترام مدیران قرار گرفته و نقش مهمی در محل کار به عهده او گذاشته شده باشد. چنین فردی برای آزار رساندن اطرافیان خود و کارمندان دیگر قدرت عمل بهتری پیدا می کند و می تواند دیگران را تهدید به اخراج و زندگی کاری شان را به جهنم تبدیل کند.

– **خشونت فیزیکی:**

خشونت در محل کار فقط به خشونت های کلامی خلاصه نمی شود، بلکه خشونت فیزیکی مانند ضرب و جرح، تحت تعقیب قرار گرفتن و تیراندازی را هم دربرمی گیرد. به طوری که در برخی از کشورها آمار خشونت فیزیکی در محل کار بسیار بالا گزارش شده است که متأسفانه به طور معمول بیشتر موارد بدون گزارش باقی می ماند. این خشونت ها در هر جا و هر زمانی ممکن است رخ دهد و تقریباً هیچ کس در امان نیست.

به یاد داشته باشیم:

– خشونت در هر دو صورت بر زندگی و کار افراد تاثیر گذار بوده و این روند در دراز مدت به طور فزاینده ای منجر به کاهش تعداد روزهای کاری مفید، افزایش هزینه های مربوط به بالابردن ضرایب ایمنی در محیط کار، توان بخشی طولانی مدت پس از مواجهه با خشونت و هزینه های اجتماعی غیرمستقیم است.

– خشونت در محیط کار زمانی روی می دهد که فرد در شرایط مرتبط با شغل خود مورد سوء رفتار، تهدید یا آزار قرار می گیرد.

– تاثیرات منفی حاصل از خشونت، فقط محدود به محیط کار نخواهد بود بلکه از محیط کار به منزل، جامعه و زندگی اجتماعی فرد قربانی نیز تسری می یابد.

– حتی بهترین محیط های کاری ممکن است گرفتار خشونت شده و موضوعات ناخوشایندی را موجب شود. بنابراین تا جایی که امکان دارد نباید محیط کار استرس آور باشد. رفتار مدیران واحدهای کاری نیز در به وجود آوردن یا خنثی کردن خشونت بسیار موثر است.

قوانین و مسئولیت ها:

۱ – دولت:

دولت باید به منظور نیل به اهداف فوق از اطلاعات فنی و تکنیکی کارفرمایان و کارگران مرتبط با مشاغل فوق استفاده نموده و در این راستا از دیدگاه ها، دانش و مهارت بازرسان بخش ایمنی و بهداشت حرفه ای نیز بهره لازم را ببرد.

۲ – کارفرمایان و مدیران:

کارفرمایان باید محیط کاری عاری از خشونت و استرس را فراهم نموده و در این راستا ضمن مشورت با کارگران و یا نمایندگان آنها، راهکارهای مناسب برای کاهش استرس و حذف خشونت در محیط کار را ارائه نمایند. همچنین باید به منظور نیل به اهداف فوق از برنامه هایی که به منظور آموزش و آرایه اطلاعات به کارگران و کارکنان پیرامون استرس و خشونت در محیط کار برگزار می شود حمایت نمایند.

۳ – کارگران و کارکنان

کارگران و کارکنان باید از تمام راهکارهای منطقی که به منظور کاهش و حذف مخاطرات وابسته به خشونت و استرس در محیط کار ارائه می شود آگاهی یابند این راهکارها عبارتند از:

الف) ارزیابی دوره ای به منظور کاهش خطرات با استفاده از روش های حفاظتی

ب) حمایت و تشویق کارفرمایان و مدیران به منظور ایجاد راهکارهای مناسب برای کاهش استرس و حذف خشونت در محیط کار

ج) توسعه دوره های آموزشی برای کارگران و کارکنان و همکاری با کارفرمایان و مدیران در طراحی و ساماندهی دوره های آموزشی به منظور کاهش استرس و حذف خشونت در محیط کار.

۴ – جامعه

جامعه و مشتریان نقش مهمی را در هنگام بررسی خشونت و استرس در محیط کار دارا بوده و به منظور رسیدن به اهداف ذیل مدنظر قرار می گیرند: الف) بالابردن سطح آگاهی نسبت به خطرات، استرس و خشونت در محیط کار

ب) توسعه روش های کاهش استرس و حذف خشونت در محیط کار

پ) توسعه آموزش به منظور کاهش استرس و حذف خشونت در محیط کار

ت) تبیین ساختارهای حمایتی برای ممانعت از تکرار حوادث ناشی از استرس و خشونت در محیط کار

مدیریت استرس و خشونت در محیط کار:

به منظور مدیریت استرس و خشونت در محیط کار راهکارهایی شامل اصول زیر ارائه می شود:

الف) تمامی دلایلی که منجر به استرس و خشونت می شوند بایستی تجزیه و تحلیل شده و برای هر موقعیت از راهکار مناسبی استفاده گردد.

ب) امکانات حفاظتی بایستی مهیا شده و در مکان هایی که اجرای آنها امکان پذیر است مورد استفاده قرار گیرد.

ج) راهکارهای کوتاه مدت و طولانی مدت شناسایی شده و در سریعترین زمان ممکن ساماندهی گردد. همچنین به منظور دستیابی به اهداف قابل دسترسی، این عمل باید در طول چهارچوب زمانی مورد توافق، انجام پذیرد. برای هر چه بهتر انجام یافتن روش های مدیریت به منظور کاهش استرس و حذف خشونت در محیط کار انجام موارد ذیل ضروری می باشد:

۱ – حمایت

دولت، کارفرمایان، کارگران و نمایندگان آنها باید به طور فعال در تهیه راهکارهایی به منظور کاهش استرس و حذف خشونت اقدام نمایند.

این راهکارها عبارتند از:

الف) افزایش خشونت و استرس در محیط کار به عنوان خطری بزرگ برای ایمنی و بهداشت، بهر موری و کار مناسب مطرح می گردد

ب) کنترل تمامی اشکال استرس و خشونت در مشاغل خدماتی با حمایت دولت

۲ – آموزش

به منظور کاهش استرس و حذف خشونت در محیط کار در مشاغل خدماتی، آموزش های لازم باید توسط کارفرمایان در مشارکت با کارگران یا نمایندگان آنها صورت پذیرد.

علاوه بر آموزش های فوق که برای تمامی کارگران و کارکنان انجام می شود، سرپرستان و مدیران نیز همانند کارگران و کارکنان باید آموزش های لازم را دریافت نمایند.

۳ – ارتباط موثر و کارا

ارتباط موثر و کارا بین فرد با جامعه و مشتریان از یک سو و کارفرمایان و سرپرستان از سوی دیگر می تواند به طور فزاینده ای در کاهش خطرات استرس و خشونت در محیط کار موثر باشد

۴ – ایمنی

به منظور کاهش استرس و حذف خشونت، ایمنی باید با توجه به موارد ذیل مطرح گردد:

الف) انواع خطرات مشخص گردد.

ب) باید در مکان های خطرناک دوربین و سیستم هشدار نصب شود.

کارفرمایان باید در مشورت با کارگران و یا نمایندگان آنها را به تمرینات ورزشی، تغذیه مناسب، خواب کافی، تکنیک های تن آرامی (relaxation) و استفاده مفید از اوقات استراحت تشویق نمایند. لازم به ذکر است که تقابل بین مسایل کاری و خانوادگی اغلب می تواند ایجاد استرس نموده و بیماری را باشد، بدین منظور مهیا کردن سازوکارهایی به منظور تعدیل تقابل مسوولیت های کار و خانواده نظیر انعطاف پذیری زمان کار، وجود مهدکودک در محیط کار و ... می تواند به کاهش استرس و خشونت در محیط کار کمک نماید.

۵ – مشاوره و توان بخشی

مشاوره باید در دسترس کلیه کارگران بوده و فردی که دچار استرس است

و برای تحمل مسایل و مشکلات نیاز به کمک دارد از خدمات مشاوره بهره‌مند گردد همچنین کارفرمایان در مشارکت با کارگران و یا نمایندگان آنها باید در تمام دوره‌های توان بخشی و بازآموزی از آنان حمایت نموده و پس از اتمام این دوره، کارگران فوق را تشویق به بازگشت به محیط کار نمایند. البته کارفرمایان و مدیران باید توجه داشته باشند که اینگونه کارگران و کارکنان در ابتدای ورود به محیط کار از استرس به دور نگه داشته شوند

روش‌های پیشگیری

برخی از توصیه‌های زیر در پیشگیری از خشونت تاثیر بسزایی دارد:

۱- اتخاذ برنامه‌های پیشگیرانه
باید برنامه و قانون جامعی در این خصوص تدوین کرد و با صراحت تمام اعلام شود که سازمان هیچ نوع خشونت را تحمل نمی‌کند و با هر نوع خشونت و خاطی برخورد قاطع و قانونی خواهد شد. این برنامه باید به تمام کارکنان، حتی در بخش مدیریتی، اعلام شود. همچنین باید به شکایات‌ها توجه کامل شود و جلوی هر نوع خشونت گرفته شود و اگر کسی قربانی خشونت شد، از او حمایت شود.

۲- برگزاری کلاس‌های آموزشی
کارکنان از بالاترین تا پایین‌ترین سطح کاری باید آموزش دیده و متوجه عواقب بد خشونت شوند. آنها باید بیاموزند برای رسیدن به اهدافشان بهترین راه گفت‌وگوست و هیچ‌کس حق توهین به دیگری را ندارد.

۳- باز بودن خط ارتباطی
مدیران و کارکنان باید بتوانند هر زمان که لازم باشد با یکدیگر به گفت‌وگو نشسته و از مشکلات مربوط به کار بدون هیچ ترس و نگرانی صحبت کنند. با این رفتار کارکنان کمتر گرفتار خشم‌های فروخورده مخرب می‌شوند.

۴- دامن زدن به کشمکش
کارهای گروهی معمولاً روابط بین کارکنان را بسیار افزایش می‌دهد و همین موضوع ممکن است موجب بروز تنش و اختلاف میان این گروه‌ها شود. مدیران این بخش‌ها باید با سرپرستی مناسب جلوی بزرگ شدن اختلافات را بگیرند نه این‌که با جانبداری و نظرات غیرمنصفانه شرایط را بدتر کرده و به خشونت بکشانند.

۵- پذیرش تفاوت‌های فردی
باید کارکنان به این موضوع که تفاوت‌های فردی باعث پیشرفت یک محیط کاری می‌شود آگاه باشند. اگر قرار باشد همه مانند یکدیگر فکر کنند، نمی‌توانند با عقاید تازه و نو آشنا شوند و هر کس باید به عقاید دیگری احترام بگذارد.

۶- توجه نشان دادن به کارکنان و علایم احتمال بروز خشونت
ممکن است کارمندی گرفتار مشکلات روحی یا خانوادگی یا مصرف مواد مخدر شده باشد. شاید هم در برابر کاری که انجام داده از او بخوبی قدردانی نشده و ارتقا نیافته باشد یا احساس کرده باشد به دلیل تعدیل نیرو ممکن است عذر او خواسته شود. تمام این موارد او را پر از احساسات منفی

و خشم می‌کند. مدیران باید به تک‌تک کارمندان خود توجه یکسانی نشان دهد و از آنها در مواقع عملکرد خوب قدردانی کند.

برای تشخیص زود هنگام احتمال خشونت باید به این علایم که برخی از آنها در زیر عنوان شده است توجه نشان داد:

شکایت دائم درخصوص این‌که نسبت به او بی انصافی شده
سرزنش دیگران
تغییر ناگهانی در رفتار و دل به کار ندادن

گفتن عباراتی توهین‌آمیز درخصوص مافوق‌ها و برایشان اتفاق‌های بد آرزو داشتن

غیبت‌های مکرر
استفاده از شوخی‌های نامناسب

مصرف مواد مخدر
صحبت با خود

مشکلات مالی داشتن و در عین حال امیدی به افزایش حقوق نداشتن
تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم کردن

افسردگی ناگهانی و انجام ندادن وظایف
ناتوانی در کنترل احساسات، خشمگین شدن ناگهانی، ناسزا گفتن و درها را محکم بستن

اگر کارمندی یکی یا چند مورد از علایم فوق را از خود نشان داد باید از طریق مشاوره با او گفت‌وگو کرد و رفتاری حاکی از دلسوزی و توجه به او نشان داد. به این ترتیب احتمال این‌که او دست به کارهای خشونت‌آمیز بزند به حداقل می‌رسد.

توصیه‌هایی به دیگر کارمندان

در برابر کسانی که احتمال می‌رود رفتارهای خشونت‌آمیز از خود بروز دهند قاطعانه رفتار کنید و در عین حال آنها را تحریک نکنید. اگر مجبور هستید در موردی با یکدیگر کار کنید، سعی کنید ملایم و خونسرد و البته محکم باشید.

از جرو بحث‌های بیهوده پرهیز کنید. برخی از کارمندان به دنبال بهانه برای پرخاشگری هستند.

هنگام بالا گرفتن اختلافات با کمک مدیر خود مشکل را حل کنید و هرگز از صحبت با مافوق خود در خصوص مشکل ترسی به دل راه ندهید.

به محض آزار دیدن، مراتب را به مافوق خود گزارش کنید و جلوی خشونت بیشتر را بگیرید و اگر به نتیجه لازم نرسیدید موضوع را به طور قانونی حل کنید حتی اگر به قیمت از دست دادن کارتان تمام شود. هرگز نباید تحت خشونت و آزار و اذیت کار کنید.

ماهیت رکود اقتصادی امروزه جهان چیست؟

سید سعید ظریف حسینیان
سازمان تریبیست و مشاور مدیریت

درباره رکود اقتصادی حاکم بر جامعه امروزی ایران، می‌شود ساعت‌ها نشست و عوامل بی‌شماری را درباره علل آن برشمرد؛ از جمله تحریم‌ها، توطئه‌های داخلی و خارجی، بی‌برنامگی‌های دولت و سوءمدیریت درآمدهای نفتی و سیاست‌های اقتصادی کلان، سوءمدیریت بانکها و نهادهای پولی داخل و خارج، و فسادهای اداری، لابی‌ها و مافیاهای اقتصادی از سوی نهادهای غیراقتصادی، موانع قانونی مقابل کارآفرینی (نظیر افزایش مالیات، افزایش قیمت حامل‌های انرژی و افزایش دستمزد) و ... و البته هنوز می‌توان به فهرست این عوامل بیرونی افزود و تقصیرها را بیشتر برون‌فکنی کرد و منتظر شد، مقصرها تغییر رفتار دهند و جهت‌تغییرات، رو به گذشته عوض شود که دوباره بخت‌های خوش، تکرار شوند. اما خبر بد آن است که ماهیت ریشه‌ای رکود حال حاضر کوچکترین ارتباطی به عوامل بالا ندارد و سر و سامان گرفتن عوامل فوق صرفاً می‌تواند کمک کند بستری لازم برای یافتن راه‌گذر از این دوره فراهم شود و بر سختی این گذار نیافزاید.

شاید بشود تا حدودی تقصیر را گردن کسانی انداخت که انعطاف و عادت به "متغیر بودن جهان" را به ما نیاموخته‌اند و خود را نیز آماده‌ی تغییرات مداوم آن نکرده‌اند؛ اما این نیز دردی را دوا نمی‌کند.

پس چاره چیست؟

در کتاب مشهور "عادت هشتم مردمان موثر" دکتر استیون کاوی به نقل از پیتر دروکر (یکی از بزرگترین متفکران مدیریت امروزی) می‌خوانیم: "ما شاهد مهم‌ترین دگرگونی‌های تاریخ بشری هستیم. در ظرف چند صدسال، وقتی تاریخ زمانه ما از چشم‌انداز درازمدت نوشته می‌شود، مهم‌ترین رخدادی که آن تاریخ‌نویسان با آن رویا رو خواهند شد، احتمالاً فناوری ارتباطات و گردش اطلاعات نیست! اینترنت و تجارت الکترونیک نیست! آن واقعه، تغییر بی‌سابقه در وضعیت بشر است. برای نخستین بار به معنای واقعی کلمه، رشد عظیم و سریع شمار افراد، حرف اول را می‌زند. برای نخستین بار، آنان باید امور خودشان را اداره کنند؛ و جامعه اصلاً برای این امر اصلاً آماده نیست!"

برای درک پیام ژرف و پیامبرگونه دروکر لازم است به ۸ دوره تاریخ تمدن نظری بیاندازیم:

۱. دوره اول: عصر اقتصاد "شکار و جمع‌آوری" {حدود ۳۰۰ هزار سال پیش} برای لحظه‌ای تصور کنید که گامی در زمان به عقب گذاشته و شکارچی/گردآورنده غذا هستید. هر روز با تیر و کمان یا سنگ و چماق برای گردآوری غذای خانواده از محل زندگی خود بیرون می‌روید. برای بقاء، این تنها چیزی است که تاکنون به آن پی برده، دیده و به انجام رسانده‌اید. ثروت در اینجا یعنی قدرت و مهارت و توانایی‌های بیشتر برای شکار و گردآوری غذا و ایمن نگه داشتن و حفظ سرپناه خانواده. مرد شکارچی/گردآورنده باید برای سیر کردن شکم هر



یک نفر از اهل خانواده اش، یک قلمروی ۱۰ کیلومتر مربعی را تحت سیطره و کنکاش خود نگاه دارد.

۲. دوره دوم: عصر "دامپروری و کوچ‌نشینی" {حدود ۴۰ هزار سال پیش} حال در نظر مجسم کنید فردی نوآور دریافته که با دست آموز کردن حیوانات وحشی و به خدمت گرفتن آنها می‌تواند خیلی راحت تر رفاه و سیری و امنیت را به دست آورد. کافی است مهارت نگه‌داری برای بار کشیدن و سواری از چارپایان، حفظ امنیت از طریق گرگ‌های دست‌آموز و پرورش گوشت‌مورد نیاز از طریق نگهداری انواع دام و طیور را به دست آورد. دیگر نیاز نیست او تا زمانی که توان شکار کردن دارد عضو ثروتمند جامعه اش خطاب شود و پس از ناتوان شدن جسمی طفیلی محسوب تلقی گردد.

در این دوره فرد دارای مهارت شکار در مقابل دامپرور کوچ‌نشین، شخصی ضرر کننده دیده می‌شود؛ چون حاصل کار او حداقل ۷ برابر بیشتر از شکارچی است. رفته رفته قبیله‌های عصر شکار ترجیح می‌دهند عضو طایفه بزرگتر دامپرور کوچ‌نشین شوند و شکارچیان به تدریج بی‌مشتی و بدون خواهان باقی می‌مانند و رفته رفته از دور خارج می‌شوند. این دقیقاً اتفاقی است که در اوایل تاریخ ما رخداد و ۹۰٪ شکارچیان ورشکست کردند و مجبور شدند شغل خود را رها کنند؛ یا مهارت جدید را یاد بگیرند و یا منقرض شوند.

۳. دوره سوم: عصر "کشاورزی و سکونت ثابت" {حدود ۱۰ هزار سال پیش}، حال مجسم کنید شما در اقتصاد دامپروری و کوچ‌نشینی زندگی کرده‌اید و بزرگ شده‌اید؛ فردی نزد شما می‌آید و سعی دارد به شما چیزی بیاموزد که به آن "کشاورزی" می‌گویند. به نظراتان پاسخ شما چه خواهد بود؟ او را می‌بینید که از خانه بیرون می‌رود، زمین را می‌شکافد، بذرهایی در آن می‌پاشد، اما شما جز خستگی چیزی نمی‌بینید. باز او را می‌بینید که به زمین آب می‌دهد و علف‌های هرز آن را وجین می‌کند و باز هم شما جز خستگی، حاصلی دیگر نمی‌بینید که فوری سیرتان کند. سرانجام بعد از هفته‌ها محصولی عظیم را می‌بینید و متوجه می‌شوید حاصل کار او به عنوان کشاورز چندین برابر بیشتر از محصول کار شماست و شما در می‌یابید این یکی از بهترین کارهاست. دیگر لازم نیست بار سفرهای طاقت‌فرسای کوچ‌نشینی و یافتن مراتع و علوفه را به جان بخرم. شما چه کار می‌کنید؟ احتمالاً به خود می‌گویید حتی اگر بخواهم این کار را انجام دهم نمی‌توانم! چون من مهارت‌ها و ابزارهای سکونت ثابت و کشاورزی را ندارم! اکنون ثروت و قدرت کشاورز چنان است که او توانایی کافی برای تشکیل خانواده بزرگتر و محیط سکونت امن تر و آسایش و رفاه بیشتر را دارد. می‌تواند طایفه را به اجتماعی بزرگتر تبدیل کند که مزایای بسیار بیشتری دارد و نیازهای بیشتری را در سبترجی اجتماعی (یک سیستم اقتصادی تکامل یافته تر) فراهم کند. در اینجا ثروت یعنی زمین و تصاحب قلمرو معنی خاصی می‌یابد.

۴. دوره چهارم : عصر "تجارت و صنایع سنتی" ۲ هزار سال پیش ِ

چند نسل می گذرد و به این ترتیب سیستم های اجتماعی/اقتصادی با نام خرده تمدن های کوچک به تمدنهایی پیشتاز و تاثیر گذار تبدیل می شوند. دیگر در این سیستم های اجتماعی/اقتصادی ، انسان ها برای تأمین انواع ملزومات شان نیازمند مهارتهای پیچیده تر و تخصصی تر می شوند. نظیر انواع مهارت های خانه سازی و کارگاه های ابزار سازی و ساخت وسایل زندگی و خانه و … . همچنین انسان ها در می یابند که هر منطقه اقلیمی دارای محصولات و هنرها و سوغات خاص خود است که در آن منطقه به وفور یافت می شود و در دیگر مناطق خواهان زیادی دارد و به این ترتیب مفاهیم تجارت و اقتصاد بین فرهنگ ها و تمدن های مختلف شکل پیچیده تر، اما موثرتری به خود می گیرد. حال اگر شما خانواده ای کشاورز در دهکده ای باشید، با دیدن زندگی پر تجارت و کارگاه های صنعتی شهرهای باستان، در می یابید که اینها تقریبا چندین برابر بیشتر از شما در رفاه و آسایش و درآمدزایی به سر می برند. کشاورز این دوران از گاو آهن و داس و ابزاری جدید برای کشاورزی اش استفاده می کند و لاقفل ۹۰ درصد کشاورزان سنتی از تعدادشان کم می شود و مجبور می شوند مهارتهای جدید صنعتگری و تجارت را بیاموزند.

همچنین در پی تنش ها و نزاع ها، این قاعده بارها و بارها به اثبات می رسد که هر تمدن دارای تکنولوژی و ثروت بیشتر، از امنیت و تضمین بقا و اهرم چانه زنی سیاسی اقتصادی بیشتری نسبت به رقبای منطقه ای خود برخوردار است. در این دوران سیم و زر (کالای قابل تبادل) معنای ثروت و قدرت می یابد.

۵. دوره پنجم : " عصر تولید انبوه و ماشینی" قرن ۱۸،

از آن جهت از اصطلاح "سیستم های اقتصادی/اجتماعی پیشتاز" در عصر "تجارت و صنایع سنتی" نام بردم که دقیقا همین کارکرد را در عصر های معاصر به یاد بیآورم که دیگر سیستم های اجتماعی/اقتصادی پیشتاز و نوین به نام شرکت ها و سازمان ها توانستند به همین سیاق، تحولات بنیادین دیگری را در ایجاد قواعد جدید تجاری و اقتصادی بیافرینند. در قرن۱۸ می بینیم که ماشین بخار تولید شده و فارغ از نیروی انسانی کند و گران می تواند دوران صنعتی و تولید انبوه را رقم بزند. تا این دوران همواره معضل جوامع بزرگ این بوده که عرضه هر محصولی کمتر از تقاضای آن بوده است. بنابراین بهترین پاسخ نوآورانه استفاده از پارادایم و دانش عصر جدید بود. در بازه ی تاریخی قرن ۱۹ میزان عرضه به تقاضا نزدیک می شود. اتفاقی که در جامعه می افتد آن است که حالا، اعضای جامعه ی کارخانه ای، پول کافی به دست می آورند که بچه هایشان را به مدرسه و مهارت آموزی بفرستند و فرصت های بزرگی به آنان بدهند. تاجر و صنعتگر سنتی به سختی زندگی می گذراند اما رفته رفته انسان این عصر به آن سمت کشیده می شود که فرایند دشوار آموزش و مهارت آموزی را پشت سر بگذارد و متخصصی با مهارت های ویژه عصر جدید شکل گیرد. حال اگر شما صنعتگری سنتی باشید می بینید که کارخانه ای شکل گرفته که بهره وری محصولاتش تقریبا چندین برابر محصولات مشابه شماس.ت. دیده می شود که آنها به کمک خط مونتاژ، مواد خام مورد نیازشان را مورد بهره برداری قرار می دهند. کارایی بسیار زیادی وجود دارد. بهره وری عصر صنعت ۱۰ ها برابر عصر سنتی است و اگر یک روزی بهره وری شما ۱۰ ها برابر عصر کشاورزی بود حالا می بینید که کارخانه ای به پا شده و تولیدش ۱۰ ها برابر دسترنج خانواده شماست! شاید حسادتتان گل کند در مذمت کالای ماشینی سخن ها بگویید و شاید هم بترسید. ولی پارادایم دوران جدید کارش را می کند و به تاثیرات اش ادامه می دهد. در این دوران، تجهیزات و سخت افزار ها مترادف ثروت بوده اند.

۶. دوره ششم : عصر "مدیریت علمی و کیفیت محصول" دهه ۶۰ میلادی،

رفته رفته برای اولین بار در تاریخ بشر، عرضه در بازار بیشتر از تقاضا می شود . حال دو سه نسل از صنایع ماشینی گذشته و مردم به قواعد مدرن تری برای مدیریت کارها پی برده اند. آنان یاد گرفته اند که چگونه به وسیله خط تولید با سطوح بالایی از کارایی، مواد خام مرغوب به دست آورند و محصولات را از لحاظ کیفی درجه بندی کنند. حالا شما که بازمانده دوران تولید انبوه صنایع ماشینی هستید مقابل تهدید پارادایم جدید قرار گرفته اید. اگر بخواهید مانند شاغلین دوران های منقرض شده کارتان را از دست ندهید ، باید نقشی جدید

در دوران عصر حاضر ایفا کنید. اما به چه چیزهایی نیاز دارید؟ به رشته مهارتها و رشته ابزارهایی به طور کامل نیاز دارید که تا به حال وجود نداشته اند! در دوران قبل تکنولوژی عبارت بود از مهارت کارگری و ابزار سخت افزاری؛ ولی اکنون نام این مهارت ها شده مهارت مدیریت علمی و ابزارهای نرم افزاری. یعنی مثل همه ی دوره های قبلی به "طرز تفکری نو" نیازمند شده اید که شیوه ای جدید برای اندیشیدن و تصمیم و اجرا باشد. دیگر کجاست آن عصر فتودالیسم و زمین داری و کشاورزی! شاید جالب باشد بدانید که امروزه در آمریکا فقط ۳٪ مردم به کشاورزی و تولید غذا مشغول هستند و با این وجود نیاز غذایی بخش های وسیعی از جهان را تأمین می کنند. حالا دیگر مشاغل بسیار تخصصی و عمیق شده است و این تخصص ها دارد به عمیق تر شدن اش اضافه می شود. دیگر کمتر کسی دغدغه اش سطوح پایین هرم نیازهای مازلو است. در این دوره مدیران متخصص و فنی مظاهر ثروت آفرینی و قدرت سازمان ها هستند و ثروت یعنی مالکیت بر دانش.

۷. دوره هفتم : " عصر ارتباطات و دانش"

آیا فکر می کنید عصر اطلاعات و دانش که ما به آن قدم گذاشته ایم ۱۰ ها برابر عصر مدیریت علمی ارزش آفرینی و بهره وری و تولید خواهد داشت؟ من این گونه فکر می کنم! تقریبا از سال ۱۹۹۰ میلادی که مشاغل الکترونیکی و تولید بدون کارخانه شکل گرفته ، عرضه در بسیاری از محصولات، بسی بیشتر از تقاضا شده است. ناتان میروولد مدیر سابق بخش فناوری مایکروسافت می گوید: "واحدهای اصلی و تولیدکننده نرم افزار در مقایسه با متوسط تولیدکنندگان نرم افزار نه ۱۰ برابر، نه ۱۰۰ برابر و یا حتی ۱۰۰۰ برابر، بلکه ۱۰.۰۰۰ برابر تولید ثروت می کنند." اگر در دوره قبل سازمانها به دنبال مالکیت انحصاری بر تخصص ها بودند اکنون رقابت بر سر ابزار ارتباطی و رقابت بر سر داده کاوی جهانی بی کران و مملو از اطلاعات است.

حالا بهره وری و تولید ارزش ۱۰ ها برابر عصر قبلی شده. ثروت شرکت های ۱۵۰ ساله نفتی همچون شل و توتال از شرکت های نوپایی چون مایکروسافت و گوگل و اپل ۲۰ ساله ، عقب افتاده است.

آیا فکر می کنید عصر دانش سبب می شود ۹۰٪ نیروی کار عصر مدیریت کیفیت بی کار شوند؟ من اینگونه فکر می کنم. بیکاری و نرخ آن که امروزه به طور فزاینده شاهدش هستیم در نهایت قله کوه یخ است. در واقع این موضوع مباحث سیاسی داغی را سبب شده؛ اما واقعیت آن است که بسیاری از مشاغل عصر مدیریت کیفیت که دارند از دست می روند، ربط چندانی با سیاست های دولتی ندارند؛ بلکه رابطه آنها بیشتر با عصر دانش است. آیا فکر می کنید این تهدیدی است تا کارکنان ، مهارت ها و ذهنیت ها و ابزارهای جدید را فرا بگیرند؟ تصورش را بکنید که این مستلزم چه کاری از جانب شما در نقشی که دارید می باشد تا بازیگر این عصر جدید باشید؟ تصور کنید مستلزم چه کاری از جانب سازمان شماست؟

پیتر دروکر می گوید : "مهمترین و به راستی منحصر به فردترین اهتمام مدیریت در قرن بیستم، رسیدن به تولید ۵۰ برابر کار با دست از طریق صنعت بود. اما مهم ترین وظیفه مدیریت در قرن ۲۱، بالا بردن اثربخشی کار با دانش است. مهم ترین دستمایه و سرمایه شرکت های قرن بیستم، تجهیزات تولید بودند؛ اما بزرگ ترین سرمایه موسسات در قرن ۲۱ ، هم در زمینه های تجاری و هم غیرتجاری ، کار کردن با دانش و بهره دهی آن است.

به زعم دروکر در طی هر کدام از دوران های هفتگانه ی فوق، همیشه بهره وری و میزان ارزش آفرینی تقریبا ۷ برابر دوران قبل رشد داشته و همیشه بحران های بیکار شدن مشاغل قبلی و نیاز به یادگیری مهارت های نوین به طور طبیعی وجود داشته است. در حال حاضر نیز به واسطه سرعت تغییرات، ما دچار همین بحران جهانی شده ایم.

۸. دوره هشتم : "عصر خرد" یا دوره ارزش آفرینی مبتنی بر خرد انسان متعالی اما این تغییر تمام شدن نیست. آینده پژوهان می گویند پس از به غایت رسیدن امکانات ارتباطی در ابزارهایی همچون گوشی و تبلت و رایانه و تلویزیون و … نسل بعدی تحولات، ارتباطات هوشمند و مبادله اطلاعات هدفمند بین اشیا و لوازم زندگانی انسان هاست. اتفاق شگرف تر با توجه به تکامل دنیاهای مجازی، تغییر

دیكشنری هویت هاست که تغییرات غیر قابل تصویری در مفاهیم روانشناسانه همچون EGO و مفاهیم جامعه شناسانه همچون شهروندی و تعلق به سیستم های اجتماعی اقتصادی ایجاد می کند. تا جایی که اطلاع داریم این روند تغییر تا جایی پیش می رود که دغدغه های رفع نیازهای سطوح زیرین هرم مازلو برای بشر به کمترین حد می رسد و صرفا دغدغه می شود "خود شکوفایی"؛ و آن هم خودشکوفایی از نوع هم افزا و جمعی . بین لذت و یادگیری و کار و ارزش آفرینی بشر اتحاد حاصل می شود و انسان ها می توانند در عین رسیدگی به کارهای اصلی زندگی همچون رشد و رفاه و فرزند پروری و یادگیری و تفریح، به موثر ترین حالت ممکن به ارزش آفرینی جمعی و همبسته نیز بپردازند. قطعا در دوره بعدی نیز ۹۰٪ متخصصان عصر اطلاعات بیکار می شوند و باید به مهارت آموزی های عصر خرد روی بیاورند.

آرنولد توینبی مورخ بزرگ می گفت که می توانید تاریخ جامعه و نهادهای موجود در آن را در چند کلمه خلاصه کنید: چیزی به اندازه موفقیت، شکست نمی خورد! به عبارت دیگر، وقتی چالشی پیش رو دارید و باسختان معادل آن چالش است به آن موفقیت می گوئیم. اما وقتی با چالش جدیدی رو برو می شوید، چالش قبلی که زمانی موفقیت آمیز بوده اثربخشی خود را از دست می دهد. به همین دلیل است که آن را شکست می نامیم .

ما در عصر "کار با دانش" زندگی می کنیم؛ اما سازمانها و نهادهای خود را مطابق عصر صنعت اداره می کنیم. ذهنیت عصر صنعت که هنوز در کارگاه های ما حکومت می کند نمی تواند در عصر کار با دانش و اقتصاد جدید کارایی داشته باشد؛ مدیریت بر اشیا و منابع! ما کارگران با دانش را نیز جزوی از همان منابع می خوانیم که باید مدیریت شوند! واقعیت این است که اشخاص این ذهنیت را با خود به خانه برده اند. در بسیاری از مواقع ما با همسر خود هم اینگونه صحبت می کنیم و به فرزندان خود نیز به همین طریق نظم و ترتیب کار ها را می آموزیم. مگر ذهنیت باقیمانده از عصر صنعت چیست؟

دارایی های اصلی و اسباب مهم موفقیت اقتصادی در عصر صنعت، ماشین آلات و سرمایه بودند؛ اشیا ! وجود اشخاص ضرورت داشت که این اشخاص هم می شد جابه جا و تعویض شوند. می توانستید با کمی تلاش، اشخاص را تحت سلطه بگیرید. عرضه این دست از منابع بیش از تقاضا بود. با رویه های بی انعطاف، اشخاص توانمندتری را می توانستید در اختیار بگیرید. اشخاص حکم اشیا را داشتند. می توانستید با آنها کارایی داشته باشید. وقتی به تنها چیزی که احتیاج دارید جسم اشخاص است و به ذهن آنها کاری ندارید، به دل و روح و روان آنها

کاری ندارید شخص را تا حد شیء تنزل رتبه داده اید. بسیاری از رویه های مدیریتی ما از نوعی است که در عصر صنعت کاربرد داشت. مدیریت از جنس کنترل است در حالی که رهبری از جنس قدرت انتخاب دادن است. حال آنکه ما تحت تاثیر این باور بودیم که باید اشخاص را مدیریت کنیم. این در حسابداری ما سببی بود تا اشخاص را هزینه و ماشین آلات را سرمایه به حساب آوریم. خوب به این موضوع فکر کنید. ما در حسابداری خود اشخاص را در بخش هزینه و ماشین آلات را در بخش سرمایه ی ترازنامه خود وارد می کنیم. این گونه است که برای مدیریت عملکرد آنها به فلسفهٔ—ی "چماق و هویج" (سازوکار باقیمانده از عصر کوچ نشینی) و یا همان مکانیزم "پاداش و تنبیه" رسیدیم. در این حالت به اندازه ای برای پارامتر HR هزینه می کردیم که سال آینده چیزی روی دست مان نماند. همه این رویه ها و بسیار بیشتر را از عصر صنعت گرفتیم، کار با کارگران دستی.

اما مسئله اینجاست که مدیران امروزی هنوز می خواهند با کارگران با دانش مانند عصر صنعت برخورد کنند. از آنجایی که بسیاری از مدیران و دست اندرکاران هنوز درک درستی از طبیعت انسان ندارند، آنها با اشخاص همان رفتار با اشیا را بروز می دهند. این طرز درک آنها مانع از آن می شود که بتوانند به کارکنان خود انگیزه کافی بدهند و از استعدادها و نبوغ آنها به درستی استفاده نمایند. ولی امروزه وقتی با اشخاص مانند اشیا برخورد کنیم چه اتفاقی می افتد؟

از این رو است که امروزه کارفرمایان به پارادوکس همزمان کمبود نیروی مناسب

کار و از سویی بالا بودن نرخ بیکاری بر می خورند!

خلاصه کلام : به قول انیشتین "مشکلات مهمی که با آنها رو به رو هستیم، در سطح فکری ای که منجر به ایجاد آنها شده حل شدنی نیستند.

اگر می خواهید تغییرات جزئی ایجاد کنید روی اقدامات، رفتارها و رویکردها کار کنید؛ اما اگر خواهان اصلاحات عمده و تحول آفرین هستید روی الگوهای ذهنی تان کار کنید و از سطحی بالاتر از پارادایم مشکل زا به آنها بنگرید.

بر اساس کتاب عادت هشتم نوشته استیون کاوی

(با اندکی تلخیص و شرح و بسط)



بخش خصوصی در سودای بهبود فضای کسب و کار

بازخوانی تکالیف دولت به بهانه ۵ سالگی تصویب قانون بهبود محیط کسب و کار

قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار ۱۶ بهمن ۹۰ به تصویب مجلس رسید و سرانجام ۲۷ اسفند همان سال با امضای علی لاریجانی، رئیس مجلس برای اجرا به رئیس جمهور وقت ابلاغ شد.

پنج سال از تصویب قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار در مجلس شورای اسلامی می‌گذرد؛ ۵ سال که خیلی‌ها امیدوار بودند موانع برسر راه فعالیت‌های اقتصادی مردم برداشته شود و هزینه‌های تولید کاهش یابد اما اجرای ناقص این قانون مترقی باعث شد تا انگیزه بخش خصوصی و البته مجلس در بهبود شاخص کسب و کار تضعیف شود و وعده‌ها و شعارها همچنان ادامه داشته باشد. بازخوانی احکام و وظایف تعیین شده برای دستگاه‌های اجرایی و قضایی قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار نشان می‌دهد که تلاش‌ها و وعده‌ها برای دورقمی کردن رتبه ایران در شاخص کسب و کار جهانی محقق نشده و سؤال اصلی و ملی این است که آیا همه به این قانون عمل کرده‌اند؟

افزون بر اینکه مجلس در قوانین دیگر از جمله قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و قوانین موضوعه دیگر دولت و دستگاه‌های مسئول و دخیل در کسب و کار را موظف به حذف رانت، برداشتن موانع، مقررات‌زدایی، جلوگیری از شکل‌گیری انحصار در اقتصاد و بهبود شفافیت اقتصادی کرده است.

ارزیابی از روح قوانین ناظر بر بهبود کسب و کار نشان می‌دهد که برای آسان‌تر کردن کسب و کار مردم نه تنها مانع قانونی وجود ندارد بلکه حمایت‌های قانون به اندازه‌ای هست که بتوان اوضاع را بهتر کرد.

مهم‌ترین تکالیف قانون

قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار دولت را مکلف می‌سازد در مراحل بررسی موضوعات مربوط به محیط کسب و کار برای اصلاح و تدوین مقررات و آیین‌نامه‌ها، نظر کتبی اتاق‌ها و آن دسته از تشکل‌های ذیربطی را که عضو اتاق‌ها نیستند درخواست و بررسی کند و هرگاه لازم دید آنان را به جلسات تصمیم‌گیری دعوت کند. افزون بر این دستگاه‌های اجرایی مکلفند هنگام تدوین یا اصلاح مقررات، بخشنامه‌ها و رویه‌های اجرایی، نظر تشکل‌های اقتصادی ذیربط را استعلام کنند و مورد توجه قرار دهند.



از سوی دیگر وزارت اقتصاد هم به‌عنوان متولی بهبود شاخص کسب و کار موظف شده تا با همکاری دستگاه‌های اجرایی و نهادهای بین‌المللی، جایگاه ایران در رتبه‌بندی‌های جهانی کسب و کار را بهبود بخشد و وضعیت اقتصادی مناسب کشور را به سرمایه‌گذاران خارجی معرفی کند.

در این قانون مترقی و امیدوارکننده، تکالیف روشنی برای تشکیل «کمیته ساماندهی مراجعه نمایندگان دستگاه‌های اجرایی به واحدهای تولیدی»، الکترونیکی شدن تمام فرایندهای تجارت خارجی، استفاده از ظرفیت‌های روابط خارجی و نمایندگی‌های سیاسی کشور در خارج، اصلاح و حذف مقررات مزاحم، انتشار منظم اطلاعات آماری مورد نیاز فعالان اقتصادی، راه‌اندازی پایگاه ملی مناقصات، یکنواخت‌شدن قراردادهای دولتی و البته قراردادهای اعطای تسهیلات بانکی، جبران خسارت ناشی از قطع برق، آب و گاز واحدهای تولیدی و سامان‌دادن به تعطیلات و منع دولت از اعلام تعطیلات غیرضرور و کاهش تصدیگری دولت در اقتصاد پیش‌بینی شده است.

تاریخچه قانون

قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار ۱۶ بهمن ۹۰ به تصویب مجلس رسید و سرانجام ۲۷ اسفند همان سال با امضای علی لاریجانی، رئیس مجلس برای اجرا به رئیس جمهور وقت ابلاغ شد؛ قانونی که البته در دولت گذشته نه آیین‌نامه‌ای برای اجرای آن تصویب و ابلاغ شد و نه همان دولت اراده‌ای برای اجرای آن نشان داد. اما حسن روحانی، رئیس‌جمهور فعلی چه در دوران کارزار انتخاباتی‌اش و چه پس از در اختیار گرفتن قوه مجریه از اراده جدی دولت برای اجرای این قانون خبر داد و البته آیین‌نامه‌های آن به‌تدریج به تصویب دولت رسید و برای اجرا ابلاغ شد.

۱۵ آذرماه سال گذشته گزارش کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی مجلس که در صحن علنی خوانده شد، از اجرا نشدن ۵۱ درصد این قانون حکایت داشت. براساس این گزارش، از ۴۷ حکم قانونی قانون یادشده، ۸ مورد آنها به‌طور کامل اجرایی شده، ۱۳ حکم قانونی به‌طور ناقص یا با اثربخشی کم اجرا شده، اجرای ۲ حکم قانونی قابل ارزیابی نیست و ۲۴ حکم قانونی نیز تا آبان ۹۴ اجرا نشده است و یک مورد از آیین‌نامه‌های اجرایی نیز باقی مانده است.

به این ترتیب حدود ۵۱ درصد از احکام این قانون تاکنون اجرا نشده، ۲۷ درصد احکام نیز به شکل ناقص یا با اثربخشی کم اجرا شده است و تنها حدود ۱۷ درصد از احکام قانون مربوطه به‌طور کامل اجرا شده است. هنوز مجلس گزارش جدیدی از اجرای این قانون در یک‌سال گذشته ارائه نداده و به‌نظر می‌رسد تغییر محسوس هم در یک‌سال اخیر ایجاد نشده باشد.

بر اساس گزارش CNN Money

بزرگترین اقتصادهای بیمار در سال ۲۰۱۶ را بشناسید

بر اساس گزارش CNN Money، انگلیس، هند و ایتالیا به عنوان سه اقتصاد بزرگ بیمار در سال ۲۰۱۶ شناخته شده‌اند.

سه اقتصاد از ۱۰ اقتصاد بزرگ، سال ۲۰۱۶ را با وضعیت بدتری نسبت به زمان آغاز سال، به پایان رساندند. پایگاه خبری سی ان ان مانی در گزارش خود نوشته است: دو همه‌پرسی و یک تجربه ارزی کم سابقه این اقتصادها را با ابهام زیادی در سال ۲۰۱۷ روبرو ساخته است و این اقتصادها عبارتند از: انگلیس، هند و ایتالیا

انگلستان و تاثیر برگزیت بر آن

اولین لرزه‌های انگلستان از ۲۳ ژوئن با برگزاری همه‌پرسی زمانی آغاز شد که مردم انگلستان خواستار ترک اتحادیه اروپا شدند. فراندوم برگزیت تاثیر ناگهانی بر بازارهای جهانی داشت و منجر به ریزش سهام شد. البته بازارها مدتی بعد بهبود یافتند، اما بزرگ‌ترین متضرر در این میان، ارز انگلیس بود.

پوند به پایین‌ترین سطح خود در طول ۳۰ سال در برابر دلار سقوط کرد. البته ارز از آن زمان ثبات مانده اما ۱۸ درصد از ارزش خود را در برابر دلار آمریکا از دست داد که منجر به افزایش قیمت کالاهای ضروری شد. پیش‌بینی می‌شود رشد تورم این کشور در سال آینده تسریع شود.

هند و رویه‌های غیرقانونی

چه اتفاقی می‌افتد وقتی کشوری که با پول نقد سر و کار دارد، به یکباره تصمیم بگیرد بخش عظیمی از اسکناس‌های خود را جمع‌آوری کند؟ در هشتم نوامبر نارندرا مودی، نخست‌وزیر این کشور اعلام کرد اسکناس‌های ۵۰۰ و ۱۰۰۰ روپیه دیگر قانونی نیستند و این اسکناس‌ها با



اسکناس‌های ۵۰۰ و ۲۰۰۰ روپیه ای جدید تعویض خواهند شد.

این اقدام غیرمنتظره باعث ایجاد هرج‌ومرج در میان میلیون‌ها نفری شد که در تلاش برای به‌دست آوردن پول جدید بودند. شرکتها از کمبود نقدینگی رنج می‌بردند و چرخ‌های حرکت اقتصاد هند کند شد.

پیش‌بینی می‌شود نرخ رشد ۷.۳ درصد هند که رویای هر اقتصاد بزرگی است، کاهش قابل توجهی پیدا کند. بانک مرکزی هند نرخ رشد مورد پیش‌بینی برای سال مالی ۲۰۱۶ را به میزان ۰.۵ درصد کاهش داده است. تحلیلگران می‌گویند آسیب‌های اقتصاد ممکن است شدیدتر از حد انتظار باشد.

دولت هند اعلام کرده هدف ممنوعیت اسکناس‌های روپیه، مقابله با فرار مالیاتی و جعل اسکناس بوده است و در بلندمدت به نفع هند خواهد بود. اما مخالفان سیاسی این اقدام می‌گویند آیا ارزش هزینه ای که برای آن پرداخت می‌شود را دارد.

ایتالیا و اصلاحات قانون اساسی

ایتالیایی‌ها در چهارم دسامبر علیه اصلاحات قانون اساسی که توسط ماتئو رنزی، نخست‌وزیر این کشور مطرح شده بود، رای منفی دادند. هدف این اصلاحات پایان دادن به بن بست سیاسی و احیای اقتصاد راکد ایتالیا بود.

رنزی روز بعد استعفا کرد. ابهام سیاسی و اقتصادی پیامد این همه‌پرسی، بدون هزینه نبوده است. سرمایه‌گذاران نگران حاضر به حمایت از بانک مونتته دی پاسکی دی سیه‌نا - قدیمی‌ترین بانک جهان که به پنج میلیارد دلار نیاز مبرم دارد تا سر پا بماند- نشدند.

دولت ایتالیا مجبور شد به نجات مالی این بانک اقدام کند و برداشت از یک صندوق نجات ۲۱ میلیارد دلاری برای این منظور، به حجم عظیم بدهی این کشور که به ۲.۳۴ تریلیون دلار بالغ می‌شود، افزود.

بانک‌های ایتالیا تنها یکی از مشکلات هستند. تهدید انتخابات زودهنگام فروکش کرده است اما اگر رخ دهد، ممکن است احزاب پوپولیستی چپ و راست از نارضایتی فزاینده عمومی در اروپا استفاده کنند. یکی از آن‌ها - جنبش پنج ستاره- همه‌پرسی به سبک بریزگیت را یکی از شعارهای اصلی انتخاباتی خود قرار داده است. تحلیلگران معتقدند احتمال برگزاری این همه‌پرسی ضعیف است، اما خطرات سیاسی در اروپا در حال افزایش است.



تجارب موفق ترکیه در اقتصاد

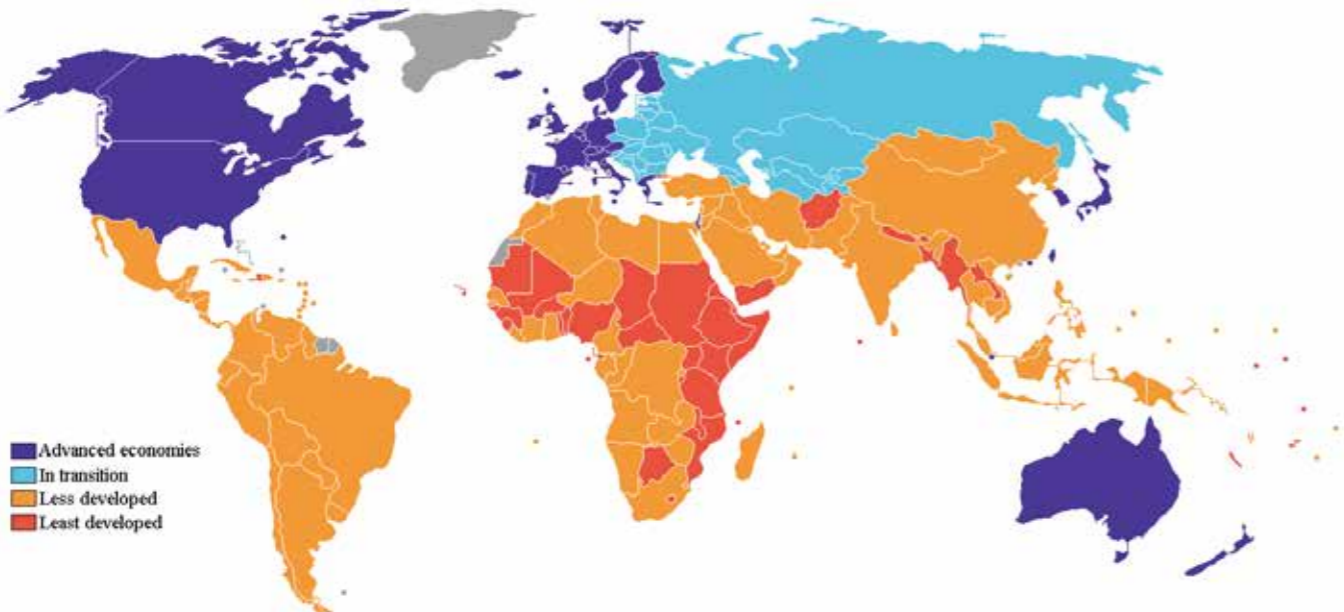
سال‌ها پیش، اقتصاد ترکیه در هم ریخته و بیمار بود، بانک‌ها در شرف ورشکستگی بودند، تورم کشور نیز بسیار شدید بود و جزئی جدانشدنی از اقتصاد این کشور محسوب می‌شد. ترکیه بارها به دلیل همین وضعیت از صندوق بین‌المللی پول درخواست کمک کرده بود، اما چند سال بعد رشد اقتصادی ترکیه از بسیاری از کشورهای اروپایی بیشتر شد. تورم این کشور پس از اجرای اصلاحات به خوبی تعدیل شد و یک رقمی شد. نیاز این کشور نیز به صندوق بین‌المللی پول از میان رفت. اگرچه بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۹ به اقتصاد ترکیه ضربه‌ای سهمگین وارد کرد اما این کشور به سرعت وضعیت خود را بهبود بخشید و مجدداً در مسیر رشد قرار گرفت. نقش کمال درویش، وزیر امور مالی و اقتصاد وقت که با کمک صندوق بین‌المللی پول دست به تغییر ساختار اقتصادی ترکیه زد، در اقتصاد ترکیه بسیار مهم بود. این تغییرات شامل شناور کردن نرخ ارز، اصلاحات نهادی با هدف افزایش نقش بازار در اقتصاد، بازسازی ساختار بانک‌های دولتی، کاهش بار بخش عمومی در اقتصاد، افزایش استقلال بانک مرکزی و هدف‌گذاری برای کاهش نرخ تورم بود. این اصلاحات از سال ۲۰۰۲ آغاز شد و در سال ۲۰۰۶ میلادی به پایان رسید. در راستای این تغییرات و در یکی از مراحل پایانی اصلاحات، در سال ۲۰۰۵ شش صفر از پول ملی ترکیه حذف شد. پس از اجرای اصلاحات، لیر ترکیه تقویت شد و ارزش آن در برابر دلار

افزایش یافت. لیر ترکیه که در سال ۱۹۸۸ ارزشی معادل ۸ سنت داشت، در سال ۱۹۹۵ تنزل بسیار چشمگیری را تجربه کرد و به کمتر از یک سنت رسید. در سال ۱۹۹۶ و ۲۰۰۱ نیز این روند همچنان با قدرت ادامه یافت، تا جایی که در سال ۲۰۰۱ ارزش هر دلار آمریکا به حدود یک میلیون و ۶۵۰ هزار لیر رسیده بود. اصلاحاتی که ترکیه انجام داد، موجب شد در سال ۲۰۰۵ با معرفی لیر جدید ترکیه، ارزش هر دلار به ۳/۴ لیر جدید برسد و در سال ۲۰۰۷ نیز باز هم ارزش لیر در برابر دلار تقویت شود. از نظر شاخص تورم در ترکیه، اصلاحات توانست اثر قابل توجهی داشته باشد و نرخ تورم این کشور از حدود ۱۲۰ درصد در آغاز دهه ۸۰ میلادی و تورم‌های مستمر بالای ۴۰ درصد در تمام سال‌های بعد، با روندی نزولی از سال ۲۰۰۲ به بعد روبه‌رو شد و تورم آن در سال ۲۰۰۳ به کمتر از ۱۳ درصد رسید. در سال‌های بعد نیز شاخص بهای مصرف‌کننده به روند نزولی خود ادامه داد و از سال ۲۰۰۴ نرخ تورم هرگز بیش از ۱۰ درصد نشد. نرخ رشد اقتصادی ترکیه نیز که در سال ۱۹۹۹ و ۲۰۰۱ منفی شده بود، در سال‌های پس از اصلاحات روند رو به رشدی را تجربه کرد و تا سال ۲۰۰۷ به رشدهای بالای ۴ درصد ادامه داد، اما پس از سال ۲۰۰۷ با دور شدن تدریجی ترکیه از اتحادیه اروپا این رشد به رغم مثبت بودن روندی نزولی طی کرد و از برنامه اصلاحات خود فاصله گرفت.

از چندین دهه پیش، کشورهای جهان را از نظر توسعه‌یافتگی اقتصادی و پیشرفت به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌کرده‌اند. تقسیم‌بندی که امروزه وجود دارد بیشتر مبتنی بر سطح درآمدی و به خصوص درآمد سرانه هر کشور است که به‌عنوان یک معیار برای بهره‌مندی آن کشور و سطح توسعه‌یافتگی آن قلمداد می‌شود. این دسته‌بندی در حال حاضر گویای وضعیت کشورها به شکل‌های توسعه یافته، در حال توسعه یا کمتر توسعه یافته است. با این حال این تقسیم‌بندی ایستا نیست و در طول زمان کشورهای مختلف توانسته‌اند به دسته‌های درآمدی بالاتر صعود کرده یا به قعر آن برسند. مثال‌های آن نیز ونزوئلا و کره جنوبی هستند. ونزوئلا که با وجود داشتن منابع طبیعی و ثروت فراوان در طول چند دهه از یک کشور بسیار ثروتمند تبدیل به یک کشور بسیار فقیر شده و کره جنوبی که از یک کشور بسیار فقیر و فاقد منابع تبدیل به یک کشور ثروتمند شده است که ریشه وضعیت هر دو کشور را می‌توان در سیاست‌های اقتصادی آنان جست‌وجو کرد. تیم‌های موفق اقتصادی با ایجاد سیاست‌های اصلاحی در ساختارهای کشورهای در حال توسعه و حتی کمتر توسعه یافته در برخی موارد توانسته‌اند به دستاوردهای چشمگیری دست پیدا کنند و این کشورها را از نظر اقتصادی و توسعه به جایگاه مناسبی برسانند. از جمله این کشورها می‌توان به کره جنوبی، ترکیه و چند کشور دیگر اشاره کرد. در ترکیه کمال درویش نقش مهمی ایفا کرد و با تلاش برای استقلال نهادها و تنظیم سیاست‌های پولی این کشور به‌طور مستقل، توانست وضعیت مناسبی در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ ایجاد کند. نگاهی به سیاست‌های اصلاحی در کشورهای این چنینی نشان‌دهنده اهمیت فراوان عامل خارجی است. برای مثال یکی از عواملی که بر ایجاد اصلاحات در ترکیه

تیم‌های موفق اقتصادی

و موفقیت‌های اقتصادی این کشور پس از یک بحران مالی اثر گذاشت، تمایل شدید این کشور برای ورود به اتحادیه اروپا بود تا بتواند به رشد اقتصادی و همچنین اعتبار سیاسی دست پیدا کند. از سوی دیگر، برخی صاحب‌نظران اقتصادی رشد اقتصادی کره جنوبی را نیز تا حدودی به دلیل همسایگی با کره شمالی می‌دانند و معتقدند این عامل خارجی و تهدید دائمی به نوعی موجب شده است تا فراگیری اقتصادی و دسترسی آزاد در این کشور بیشتر مورد توجه قرار بگیرد، هر چند که دلایل دیگری نیز در این وضعیت اثرگذار بوده است. این کشور هر چند ابتدا دارای نظام دیکتاتوری بود، اما اندک اندک اصلاحات اقتصادی را در کنار توسعه سیاسی تجربه کرد و در مرحله اول که اقتصاد آن رو به پیشرفت بود توانست از جمع کشورهای فقیر خارج شده و نسبتاً ثروتمند شود. در مراحل بعدی، این کشور توانست به توسعه سیاسی دست پیدا کند و از حاکمیت نظامیان خارج شود و با رشد اقتصادی بسیار خوبی به استقبال هزاره جدید برود. کره جنوبی اکنون یکی از موفق‌ترین کشورها در زمینه اقتصادی است. این کشور به خصوص پس از بحران مالی سال ۱۹۹۷ در کشورهای آسیایی، اصلاحات گسترده‌ای به کار گرفت و با دریافت وام‌هایی از صندوق بین‌المللی پول متعهد به برخی اقدامات در زمینه مالی و اقتصادی و تغییراتی در بخش‌های مختلف خود شد. در شیلی نیز گروهی از اقتصاددانان تحصیل کرده در دانشگاه شیکاگو نقش مهمی در شکل‌گیری اقتصاد این کشور در دوران پینوشه، دیکتاتور شیلی و حتی پس از وی ایفا کردند، هر چند که انتقادهایی نیز به آنان صورت گرفته است. در ادامه به برخی از تیم‌های موفق اقتصادی و سیاست‌های اصلاحی که در رشد کشورهای آنان موفقیت‌آمیز بوده است، اشاره می‌کنیم.



چرا برندی در مقیاس جهانی نداریم؟

محمدحسین جبل عاملی
عضو کمیسیون برند سازمان توسعه تجارت ایران

حال که به لطف خدا در دوران پساتحریم قرار گرفته‌ایم می‌توانیم به رویای نه‌چندان دور تسخیر بازارهای جهانی فکر کنیم. رویایی که شاید خیلی هم دور از ذهن نباشد. اینکه به‌طور بالقوه ما می‌توانیم این دستاورد را داشته باشیم و امکان‌پذیر است زیرا پتانسیل‌های بالایی در کشور ما وجود دارد، اما چطور می‌شود که تا به حال این‌گونه نشده است؟ در دوران تحریم کاسبان تحریم و سوداگران بسیاری از اجناس خارجی را با دور زدن تحریم‌ها وارد ایران می‌کردند ولی آیا در دوران تحریم کالاهای ما نیز به کشورهای دیگر قاچاق می‌شد؟

در واقع باید یک نگاهی بیندازیم و واقعیت تلخی را ببینیم و آن اینکه غالب صادرات امروز ما را محصولات خام و اولیه و سنتی تشکیل می‌دهد که متأسفانه در بازار بین‌المللی هم خیلی امن و مطمئن حرکت نمی‌کند.

یک‌روز پاکستان و چین مدعی فرش ما می‌شوند، اسپانیا زعفران ما را به نام خود می‌فروشد، چین جای ما را در بسیاری از محصولات می‌گیرد و ترکیه در بسته جایگزین ما می‌شود و این رشته با عملکرد امروز ما ادامه می‌یابد.

محصولات صنعتی ما که شرایط بسیار سخت‌تری را دارا است و فاصله زیادی برای ورود و رقابت با نام‌های بزرگ جهانی دارد. آیا تا به حال فکر کرده‌ایم چرا ما هنوز نتوانسته‌ایم در بازارهای بین‌المللی سبد مطمئنی از بازار را داشته باشیم؟

شاید اولین مشکل ما عدم تعریف و ثبت هویت ایرانی در عرصه بین‌المللی است. برخلاف تصور ما که همه دنیا کشور و دارایی‌ها و توانایی‌های ما را می‌شناسند در عمل به وضوح می‌بینیم در بسیاری از نقاط یا ما را با عراق اشتباه می‌گیرند یا به مقدار محدودی اطلاعات کانالیزه شده سیاسی از ما دارند، اما ما هیچ نشانی از فرهنگ، محصولات و دارایی‌هایمان را به دنیا اعلام رسمی نکرده‌ایم.

بلکه بیشتر اطلاعات کتاب‌های تاریخ و جغرافیای یا خاطرات بازرگانان معرف ما بوده است. ما هنوز به زبان اقتصادی با دنیا حرف نزنیم. دور سهم خود خط پر رنگ کشیده‌ایم تا بقیه آن را ببینند، برای دیگران تعریفش نکرده‌ایم به دنیا نشناسانندیمش، توضیحش ندادیم، شکل و

ظاهرش را درست نکردیم و به آن آب و رنگ لازم را نداده‌ایم. قطعا این به آن معنی نیست که اصلا کاری نکرده‌ایم بلکه در مقدار نیاز و توقعمان از بازار کاری نکرده‌ایم.

نگاهی به کشورهای با تمدن بسیار ضعیف‌تری از خودمان بیندازیم می‌بینیم که با این همه دارایی هیچ نگفته‌ایم و آنها با یکی دو موضوع ساده کل دنیا را گرفته‌اند، مشکل از عدم توانایی نیست مشکل اصلی در عدم اولویت این مسائل در کشور است.

دومین مشکل این است که خودمان می‌خواهیم همه کار را بکنیم. آن هم به تنهایی، نه کسی را قبول داریم، نه شریک دوست داریم، نه خودمان آنقدر به کیفیت پایبندیم که بهترین را تولید کنیم نه خوشمان می‌آید از کسی سوال کنیم و بپرسیم یا دیگران را بازی بدهیم، عادت کردیم همه اختراعات و جوایز و گواهی‌نامه‌ها را هم صوری بخریم و بگذاریم به‌عنوان افتخار روی دیوارمان بدون اینکه واقعا اتفاقی افتاده باشد.

خیلی فرهنگ مدیریتمان هم به شراکت نمی‌خورد و غالبا دعوایمان می‌شود. یا در شراکت نمی‌توانیم تضمین لازم را بدهیم و شرکایمان را نیز مطمئن و راضی کنیم. از اینکه دیگری هم سود ببرد گاهی واقعا ناراحت هستیم و به همین خاطر در شراکت هم به دنبال قدرت‌طلبی و تیم‌سازی و ائتلاف و انواع ابزارهای برتری‌جویانه می‌رویم و از پدیده‌هایی که فی‌ذات چالش ندارند چالش تولید می‌کنیم.

این کاملا طبیعی است که تا کسب‌وکار ثبات و آرامش نداشته باشد و فضای آن آماده حضور و تامین منافع گروه به‌جای فرد نباشد از اندازه‌ای بیشتر بزرگ نمی‌شود و در جای خود باقی می‌ماند.

سومین نکته این است که خودمان را راضی کردیم که سرمایه‌گذار و شریک و این ددرسرها را بپذیریم و بگذاریم اجنبی‌ها در کارهای ما مداخله کنند و با ما شریک شوند، چقدر بسترهای ما برای این مشارکت‌ها آماده است، چقدر هویت تعریف شده‌ای داریم تا ما را بفهمند، چقدر اهداف و برنامه‌هایمان واقعی، عملی و مشخص است.

چقدر به آینده بازار، نوع مشتریان، سطوح کارها، تفکر و نیازهای

ذی‌نفعان فکر کرده‌ایم. تعاریف برند را برای یک شهر، یک منطقه، یک کشور، یک محدوده جغرافیایی یا برای کل دنیا چگونه ساخته‌ایم؟ سرمایه‌گذار بدون دانستن این مطالب چگونه می‌تواند به سرمایه‌گذاری جذب شود و قطعا بدون سرمایه و مشارکت‌های بزرگ آیا می‌توان یک برند جهانی داشت؟

چهارمین نکته این است که ما چقدر فضای بین‌المللی و ادبیات آن را می‌شناسیم؟

چقدر مورد‌کاوی موضوع‌های موفقیت و شکست تجاری دنیا را بررسی کرده‌ایم و به آن اشراف داریم؟ چقدر در بازارهای منطقه‌ای کشورها قدم زده‌ایم واز آن اطلاعات داریم؟

با حدس و گمان صرف که نمی‌شود وارد فضای تجارت جهانی شد. ما چه در داخل و چه در خارج چقدر مطالعات بازار کرده‌ایم و از آن مهمتر چقدر به آن اعتقاد داریم؟

چقدر رقبای خارجی خود را می‌شناسیم، ضعف‌ها و قدرت‌های آنها را می‌دانیم، سیاست‌ها و برنامه‌های بازاریشان را می‌شناسیم و در یک کلمه چقدر تحقیقات بازار را کاربردی کرده‌ایم؟

پنجمین نکته عدم شفافیت فضای سرمایه‌گذاری و تضامین و امنیت آن در ایران است، متأسفانه نه‌تنها در جذب سرمایه‌های خارجی در ایران موفق نبوده‌ایم در جذب سرمایه‌های سرگردان داخلی نیز موفق نیستیم و پول‌ها به جای تولید میل زیادی به بازارهایی مثل ارز، طلا،

مسکن و پس‌انداز در بانک‌ها دارد. چون جنس این سرمایه‌گذاری هم برای سرمایه‌های سرگردان یا بزرگ روشن‌تر از تولید و ورود به بازار است و همچنین زود بازدهی را می‌توان به مزایای آن اضافه کرد، فضای سرمایه‌گذاری حمایت جدی نمی‌شود، تعاریف درستی ندارد، کسی نمی‌تواند چیزی را در آن تضمین کند، وام‌های بزرگ ندارد و از همه این نیازها مهم‌تر حمایت جدی نمی‌شود.

قوانین صادرات و سرمایه‌گذاری بسیار پیچیده است ودر بعضی موارد بسیار دست و پاگیر و ناکارآمد است. فضای سرمایه‌گذاری و صادرات و توسعه ما برای جهانی شدن باید از شرایط مساعدت تری برخوردار شود. ششمین مساله این است که حتی اگر توانایی هم برای جذب سرمایه‌گذار پیدا کنیم و بخواهیم به بازار جهانی ورود کنیم، بازار را نیز باید بشناسیم به ادبیات آن باید سخن بگوییم با نمادها، حرف‌ها و شرایط آن باید آشنا باشیم ولی از آنجا که خودمان را علامه دهر می‌دانیم اعتقادی به مشاور و متخصص و کارشناس و این‌گونه روش‌ها نداریم، چون همه چیز باید زود بازده باشد و چرا خدایی ناکرده به کسی نانی بدهیم و چه نیازی است که این جماعت علمی را پررو کنیم، سخت که نیست خودمان دوتا کتاب می‌خوانیم چهارتا فایل از اینترنت می‌گیریم یک کاری می‌کنیم. حالا مهم است که کار شروع شود بعدا که از کار کلی پول در آوریم قدری را خرج زیر ساخت، تعریف، محتوای صحیح و تنظیم ابعاد جهانی می‌کنیم. فعلا برای این کارها پول نداریم و البته





محسن خلیلی عراقی تشریح کرد گشایش‌های برجام برای صنعت ایران

مهم‌ترین دغدغه صنعت کاران باشد. در داخل کسانی باید از بانک‌ها تسهیلات دریافت کنند که اهلیت، صلاحیت و تخصص داشته باشند؛ کسانی که دغدغه صنعت دارند باید برای دریافت تسهیلات صنعت به بانک مراجعه کنند و به‌عبارت این افراد کسی نباید چنین اقدامی کند. از طرف دیگر کشورهای دنیا باید برای رفع موانع بانکی اقدامی عاجل انجام دهند. باید بانک‌های بین‌المللی تمامی فعالیت‌های بانکی حوزه صنعت را پوشش دهد. امیدواریم که این مشکل برطرف شود.

هیات‌های تجاری-اقتصادی کشورهای خارجی به چه حوزه‌هایی از صنعت ایران توجه دارند و برای سرمایه‌گذاری در آن اقبال نشان می‌دهند؟

استنباط من این است سیاست‌هایی که دولت یازدهم در پیش گرفته برای صنایع کوچک و متوسط مناسب باشد و موجب تسهیل فعالیت این حوزه خواهد بود. اما برای جذب سرمایه‌گذاری، کشورهای خارجی تمایلی بیشتری برای سرمایه‌گذاری در حوزه صنایع پیشرو و حوزه صنعت نفت دارند. از طرف دیگر سرمایه‌گذاری نیاز به تضمین و بیمه دارد که چند بیمه آلمانی و ایتالیایی در این حوزه فعال شده‌اند. بالاخره نباید انتظار داشت که همه مشکلات چندین ساله در یک‌سال برطرف شود. باید واقع‌بین بود و از فرصت‌های ایجاد شده بعد از برجام درست بهره گرفت.

صنعت کشور برای رشد و شکوفایی به چه فاکتورهایی نیاز دارد؟ در صورتی که رکود نقصان یابد، صنعت شکوفای می‌شود. از طرف دیگر همه موانع و مشکلات صنعت با برجام رفع نمی‌شود. ما باید بتوانیم برنامه‌ریزی درستی را در داخل برای کاهش رکود و تورم واقعی در پیش بگیریم؛ بانک‌ها بتوانند با تأمین سرمایه در گردش به کمک صنعت بیایند. در این صورت است که ما با نقشه راه مناسب می‌توانیم مشکلات این حوزه را رفع کنیم.

آیا در داخل کشور آن هماهنگی و آمادگی برای رفع موانع ساختاری دیده می‌شود؟

اگر واقعاً تورم به‌طور طبیعی نقصان یابد، عملاً بهره بانکی کاهش می‌یابد؛ بهره بانکی مستقل از نرخ تورم نیست. در این صورت دولت و صنعت می‌توانند در کنار هم به سرمایه در گردش دسترسی داشته باشند. چرخ صنعت به حرکت دربیاید و برجام هم فرصت مناسبی در بازارهای بین‌المللی برای ایرانیان به وجود آورده است که می‌توانند تولید خود را در بازارهای داخل و خارج عرضه کنند. من کنترل تورم و رکود را از نقاط قابل‌تحسین کارنامه دولت می‌دانم؛ دولت بسیار درست عمل کرده است.

دولت یازدهم نظم اقتصادی بسیاری در کشور ایجاد کرده است؛ ولی باید همچنان در این راه رهرو بود و کوشید.

خلیلی عراقی، رییس انجمن مدیران صنایع ایران از مشکلات صنعت می‌گوید و از فرصت‌هایی که بعد از برجام در افق توسعه صنعت ایرانی گشوده شده است. خلیلی از موانع پیشروی صنعت کاران بعد از توافق برجام رفع شده است. بازارها بین‌المللی به روی فعالان اقتصادی گشوده شده؛ اگرچه اصلی‌ترین مانع امروزی ارتباط بین‌بانکی است.

محسن خلیلی عراقی؛ رییس هیئت مدیره انجمن مدیران صنایع ایران همکاران امروزش استاد خطابش می‌کنند و پیرمرد با لبخندی ملایم، به استقبال شاگردان دیروز خود می‌رود با تواضع و فروتنی. محسن خلیلی عراقی؛ ۶۰ سال کارآفرینی و خلاقیت پیر صنعت سبب شده تا فعالان اقتصادی او را پدر صنعت ایران بنامند؛ در جوانی علم‌آموز صنعت بود و حالا تکیه بر عصایی چوبی و دستی لرزان و صدایی که به‌سختی می‌شود آن را شنید، دغدغه توسعه صنعت دارد و برای سرکشی به انبوه تشکلهایی که در آن مسئولیت دارد فعالیت می‌کند. او همان کسی است که برای اولین بار شعله‌های گاز را در خانه‌های ایرانی روشن کرد. خلیل عراقی به همراه پدرش کارخانه بوتان را پایه‌گذاری کرد تا این برند فراتر از یک کارخانه صنعتی عمل کند. او معلمی بود قبل از صنعت کار بودن و حالا به‌دقت یک معلم از مشکلات حوزه صنعت می‌گوید. سپیدموی صنعت، پیرمرد خستگی‌ناپذیر صنعت ایران که او را با لقب‌های بسیاری می‌شناسند. از صنعت حرف می‌زند برق شادی در چشمانش موج می‌زند؛ او می‌گوید باید قدرشناس بود و قدر فرصت‌ها را نیک دانست. به برجام نگاه می‌کند و آن را بزرگ‌ترین دستاورد دولت یازدهم برای اقتصاد و البته کل کشور می‌داند و می‌گوید: «قدر نیک باید نیک دانست.» یک‌سال از اجرایی شدن توافق برجام گذشت؛ در این یک‌سال چه افقی پیشروی صنعت ایران گشوده شده است؟

برجام در مجموعه مشکلات صنعت ایرانی را برطرف کرده؛ خلیلی از موانع پیشروی صنعت کاران رفع شده است. صنعت کاران امروز سال‌ها تحریم را پشت سر گذاشته‌اند و می‌توانند خود را به تکنولوژی و دانش روز تجهیز کنند. از طرف دیگر بازارهای دنیا به روی آنها گشوده شده است. می‌توانند از سرمایه کشورهای و فعالان اقتصادی بین‌المللی استفاده کنند و کار خود را در سطح جهانی گسترش دهند؛ اما مشکلاتی هم سر جای خود باقی است.

مهم‌ترین مشکل امروز صنعت در ایران چیست؟

روابط بین‌بانکی اولین و اصلی‌ترین مشکل صنعت کاران است. این مشکل هم در داخل دیده می‌شود و هم در روابط با بانک‌های بزرگ دنیا. برای همین شاید مشکل سرمایه در گردش و نوع ارتباط با بانک‌ها

یعنی سفرا و کاردارهای اقتصادی علاوه بر کارهای سیاسی و روابط دیپلماتیک به‌عنوان معرفی‌کنندگان و نمایندگان صادرکنندگان کشورشان در ایجاد بازار، پیدا کردن کانال‌های ارتباط و توزیع و تسهیل جلسات تجاری اقدام کرده‌اند یا در مدل دیگر وزرای گردشگری این کشورها الزام‌هایی برای اماکن گردشگری و خدمات هوایی و حمل‌ونقل و تفریحی خود قرار داده‌اند که حتما باید از برندهای بزرگ ملی خودشان در انجام خدمات تشریفاتشان استفاده کنند.

نکته آخر اینکه ما برای کشورمان سطحی از کیفیت، مفهوم و جایگاه کالاها در سطح بین‌المللی تعریف نکرده‌ایم. دنیا نمی‌داند کالاها ایرانی یعنی چه؟

یعنی درجه ۱، درجه ۲ یا درجه ۳، نمی‌داند کدام کالاها معرف تولید ایرانی ممتاز است. مساله اصلی عدم پرداختن به هویت «ساخت ایران» یا MADE IN IRAN است که متأسفانه ما مثل بسیاری از کشورها نشان‌های عالی صادراتی برای ممتاز کردن محصولات با کیفیت و عالی خود نداریم و همه به‌راحتی خود را نماینده ایران معرفی می‌کنند در صورتی که هیچ جای دنیا این‌طور نیست و این رده‌بندی‌ها مشخص است.

نیاز ما به ساماندهی فضای صادراتمان با شکل‌دهی استانداردها و نشان‌های عالی یک ضرورت جدی است که متأسفانه مدت‌هاست مغفول مانده است.

در انتهای کلام شاید بتوان گفت مشکل اصلی ما در برند جهانی بیش از آنکه مالی یا عدم راه دادن ما در بازار بین‌المللی باشد به تفکرات و فضای فکری کسب‌وکار کشور معطوف است. مشکل در نگرش ما به کسب‌وکار و دیدگاه جهانی و آینده‌نگر نداشتن به آن است.

عدم باور ما به انجام کارهای علمی در کنار تجارت و فاصله گرفتن ما از روحیه جمع‌گرایی است. اگر بخواهیم حرفی در ابعاد جهانی بزنیم ابتدا باید زیرساخت‌هایمان را اصلاح کنیم و تمامی ناکامی‌هایمان را تقصیر دیگران نیندازیم.

کاش لحظه‌ای هم بر چرایی‌های عدم موفقیت خود اندیشه کنیم. ایرانی باهوش، متفکر و زیرک است؛ تلاش بیشتر همراه با برنامه‌ریزی صحیح و حذف مقررات زائد و دست و پاگیر و برقراری استانداردهای قوی در تولید محصولات، اعتماد و اطمینان مصرف‌کنندگان داخلی در درجه اول و در مرحله بعد خارجی را نسبت به برندهای کشورمان جلب و جایگاه مناسب را کسب خواهد کرد.

تجربه ثابت کرده روزی هم که پول داشته باشیم تعداد آشناهایمان زیاد است و متخصصان هم بالاخره از یک جایی شروع کرده‌اند دیگر، خیلی باوری به موضوعات دانش‌بنیانی مثل برندسازی نداریم.

هفتمین نکته این است که همه برای داشتن یک برند بزرگ در کشورهای خود کار می‌کنند و برندها به کل یک کشور تعلق دارد، مردم این را می‌دانند که داشتن یک برند در ابعاد جهانی یعنی میلیون‌ها فرصت شغلی و میلیاردها دلار سود و سرمایه و همه برای آن تلاش می‌کنند، برای جهانی شدن باید بتوانیم بازارهای داخلی خودمان را فتح کنیم، به مردم خودمان احترام بگذاریم و فرصت ایجاد کنیم، مردم به ما احساس پیدا کنند تا به ما وفادار شوند، آن وقت است که هویت ما به همه گره می‌خورد و این یعنی یک هویت ملی نه هویت‌های فردی، برندی که بازار داخلی کشور خود را با نام خوب داشته باشد و به حقوق مردم احترام بگذارد تبدیل به یک تفاهم عمومی می‌شود و همه با آن همراه می‌شود، در تمام دنیا برندهای بزرگ بیشترین پایگاه و تعصب را ابتدا در کشور خود دارند و مردم آن را متعلق به خود می‌دانند، شاید بتوان گفت که در اصل مردم خودشان بزرگ‌ترین سفیر برندشان در مورد برندهای بزرگ هستند.

بالاخره یک روز باید مساله درج برندهای خارجی روی برخی محصولات و تولیدات داخلی و فروش آن به مردمان حل شود. شفافیت کسب‌وکار، کیفیت بالا، افزایش بهره‌وری در تولید و کاهش قیمت تمام شده، رعایت حقوق مصرف‌کنندگان و ورود به حوزه مسوولیت اجتماعی پایه‌هایی از برندسازی هستند که این باعث وفاداری مشتریان و سایر ذی‌نفعان به یک برند می‌شود. متأسفانه ما از این رموز سال‌ها غافل شده‌ایم و هنوز هم به‌صورت گسترده و عزم عمومی سرمایه‌گذاری جدی در این حوزه نکرده‌ایم.

هشتمین نکته همسو شدن همه نهادها، سازمان‌ها و ارگان‌های حمایتی برای صادرات یک برند به جهان است، اینجا دیگر مساله مساله صرفاً بازرگانی نیست بلکه شاید مساله اصلی صادرات هویت و قدرت یک کشور در قالب یک برند است.

شما زمانی که یک محصول را از کشور می‌خرید فقط محصول را نمی‌خرید بلکه فرهنگ آن کشور و فرهنگ مصرف آن را نیز وارد زندگی خود می‌کنید و این امری اجتناب‌ناپذیر است. برندها علاوه بر کالا بودن، سفیران فرهنگی خاموشی هستند که به آرامی وارد زندگی مردم می‌شوند و روی آنها اثرگذاری می‌کنند.

زمانی که به موضوع صادرات و توسعه برندهای کشور با این دیدگاه نگاه شود خواهیم دید که فقط بخش خصوصی نیست که قرار است تجارت کند پس برای ساختن یک برند بزرگ باید تلاش کرد تا بلکه کل کشور در این موضوع عزم پیدا کرده و حرکت کند و چون هر قسمت آن به کسی یا ارگانی مربوط است همه باید تلاش کنند.

بسیاری از کشورهایی که امروز در دنیا دارای برندهای بزرگ هستند گسترش بازارهای خود را به کمک سفارتخانه‌هایشان انجام داده‌اند

رابطه افزایش درآمدهای نفتی و شرایط اقتصادی در ایران

دکتر مسعود نیلی

مشاور ارشد اقتصادی رییس جمهور

هنگامی که درآمد نفتی افزایش می‌یابد، در حقیقت منابع قابل‌تصرف سیاستمدار افزایش خواهد یافت و به‌نوعی درخصوص مصرف آن تصمیم‌گیری می‌شود. این اقتصاددان با بیان این موضوع که تحقق آرزوهای سیاستمداران، منوط به حصول منابع است، گفت: کشورهای که با کمبود منابع روبه‌رو هستند، در تلاش هستند تا با ایجاد نظام انگیزشی، سعی در جذب سرمایه‌گذاری و افزایش تولید باشند، حال آنکه درآمدهای منابع نظیر نفت، راه میانبری برای تحقق آمال سیاست‌گذاران ایجاد می‌کند. نیلی افزود: بنابراین در این شرایط، نهادهای تأمین‌کننده رشد اقتصادی مانند بودجه و بانک‌ها، تبدیل به نهادهای توزیع‌کننده رشد اقتصادی می‌شوند. به گفته او، مساله‌ای که باعث شده است اقتصاد در دام شوک افزایش قیمت نفت بیفتد و نتایج منفی را پذیرا باشد این موضوع است که پس از افزایش قیمت نفت، هم رشد افزایش می‌یابد و هم نرخ تورم کاهش می‌یابد؛ بنابراین به ظاهر وضعیت اقتصاد در شرایط مطلوبی است و مشکلات اقتصادی حل شده است. این در حالی است که در زمان وفور درآمدهای نفتی، مکانیزم‌های تصحیح خطا، عمل نمی‌کند و اقتصاد مانند یک بیمار بدون علامت عمل می‌کند. نیلی افزایش تورم را تنها علامت قابل‌مشاهده پس از رشد مخارج در درآمدهای نفتی را رشد سطح عمومی قیمت‌ها دانست که این موضوع

باعث واکنش سیاستمداران در این زمان می‌شود. او افزود: اما در این زمان واکنش‌ها به نوعی است افزایش قیمت‌ها در بازارها سرکوب می‌شود. این رویه باعث می‌شود تصمیم‌گیرندگان مجبور شوند، نرخ انرژی را برای بنگاه‌ها ارزان کنند که منشأ اختلال در بازار انرژی نظیر آلودگی، مصرف بالا و قاچاق سوخت است. او افزود: در گام دوم، سیاستمداران به سمت بازار ارز می‌روند و نرخ آن را نیز کنترل می‌کنند که معمولاً نظام چند نرخی وجود می‌آید که این تصمیم نیز منشا بروز بیماری هلندی و افزایش واردات است. در گام سوم، نیز دولت برای سرپا نگه داشتن بنگاه‌های داخلی در مقابله با واردات در شرایط تثبیت ارزی، اقدام به لحاظ کردن تعرفه می‌کند. اما بازهم مشکل بنگاه‌ها حل نمی‌شود و تنها حجم عظیمی از اختلال در اقتصاد به جا می‌ماند؛ زیرا هنگامی که تورم به‌طور متوسط ۲۰ درصد افزایش می‌یابد، تصمیم‌گیرنده حاضر نیست که به اندازه ۲۰ درصد قیمت نهاده‌ها را افزایش دهد. بنابراین شکاف قیمتی میان بازارهای مختلف بزرگ‌تر خواهد شد و بزرگ‌تر شدن این شکاف، ضرورت اصلاحات اقتصادی را در سال‌های بعد ایجاد می‌کند و این اصلاح کار پرهزینه‌ای برای دولتی که در گذشته حاضر نبوده به تعدیل‌های مقطعی تن دهد، خواهد بود. استاد دانشگاه صنعتی شریف، نمود این سیاست را در بازار پول این گونه تشریح کرد: «بر اساس علم اقتصاد کلان، اگر قیمت محصول و هزینه‌ها به یک مقدار کاهش یابد، سود بنگاه‌ها نیز کوچک می‌شود و بنگاه‌ها مشکل مالی پیدا می‌کنند. در این زمان باز هم دولت با پایین نگه داشتن نرخ سود تسهیلات، سعی دارد که بنگاه‌ها به حیات ادامه دهند و در این شرایط سرکوب نرخ سود تسهیلات، به یک مساله بزرگ در اقتصاد تبدیل می‌شود.» در نتیجه این سیاست‌ها باعث می‌شود در اغلب سال‌های گذشته، نرخ سود حقیقی سپرده‌ها منفی باشد.



کمر درد

دکتر صبا اقبالی

متخصص طب کار و بیماری‌های شغلی



آیا میدانید طبق آمار سازمان بهداشت جهانی از هر ۵ نفر، ۴ نفر مبتلا به نوعی کمر درد هستند؟!

کمر درد شایعترین دلیل ناتوانی در بیماران کمتر از ۴۵ سال است. دومین علت شایع ویزیت پزشک و دومین علت غیبت از کار می‌باشد. هر ساله کارکنان مبتلا به کمر درد ۴ بار بیشتر از کارکنان بدون کمر درد در محل کار حضور ندارند.

آمارها اغراق آمیز به نظر میرسد اما اگر ۸ ساعت از روز را بدون فکر کردن به طرز نشستن خود در پشت میز کار سپری میکنید، میتوانید جزء مبتلایان به کمر درد باشید و دیر یا زود به کمر درد و ناهنجاریهای مربوط به ستون فقرات دچار خواهید شد.

به دلیل چند علیتی بودن کمر درد، تشخیص علت دقیق آن اغلب دشوار است، اما تقریباً در ۸۰٪ موارد در عرض ۲ هفته و در ۹۰٪ موارد اپیزود درد کمر در عرض ۶ هفته بدون نیاز به درمان جراحی بهبود میابد.

علائم هشدار دهنده

حضور برخی علائم در همراهی با کمر درد، علائم هشدار دهنده تلقی شده و نیاز به پیگیری بیشتر برای رد علل پنهانی دارند که از آن جمله میتوان به موارد زیر اشاره نمود:

– کاهش وزن بدون علت – درد شبانه و یا در حالت استراحت – شکست در درمان درد – وجود تاریخچه سرطان قبلی – دردهای با طول بیشتر از ۶ هفته – درد در افراد با سن بیشتر از ۵۰ سال – درد در همراهی با تب و ... ریسک فاکتورهای ابتلا به کمر درد در محیط کار فاکتورهایی وجود دارند که در صورت تداوم حضور آنها، منجر به ایجاد کمر درد و یا تشدید کمر درد میشوند که از آن جمله میتوان از موارد زیر نامبرد:

– وضعیت ایستا (خصوصاً نشستن طولانی) – برداشتن اجسام بصورت مکرر (خم شدن مکرر) – مواجهه با ارتعاش تمام پیکری و به ویژه رانندگی – حرکات نیازمند نیروی زیاد و اعمال فشار – فاکتورهای روانی و اجتماعی – پیچش کمر در حین حمل وسایل – حالت‌های ناجور بدنی – ساعات کار طولانی – نشستن بدون تکیه گاه

در مطالعه‌ای نشان داده شد که استرس روانی و عدم رضایت شغلی از تمامی عوامل فیزیکی فوق‌الذکر مهمتر میباشد.

توجه به گسترش کمر درد در بین کارکنان و کمک به پیشگیری، درمان و مدیریت درد برای کارفرمایان به سود اقتصادی می‌انجامد. با توجه به هزینه‌های زیادی که کمر درد بر اقتصاد کشور وارد میکند، اقدامات پیشگیرانه برای کاهش ابتلا به کمر درد خصوصاً در محیط‌های اداری و سیستم حمل و نقل کشور که نیاز به نشستن‌های طولانی مدت دارد

بسیار حائز اهمیت میباشد.

کمر درد و غیبت از کار:

بطور کلی، یک هماهنگی تقریبی میان شدت علائم و ناتوانی وجود دارد. اغلب افراد مبتلا، برای مدت کوتاهی نیاز به مرخصی پیدا میکنند و تعداد افرادی که نیاز به مرخصی طولانی مدت پیدا میکنند اندک است.

میتوان به طور تقریبی گفت که حدود ۷۰٪ مبتلایان به کمر درد در عرض کمتر از یک هفته قادر به بازگشت به کار خواهند بود. نکته قابل توجه آن است که احتمال بازگشت به کار تابعی از زمان است، بدین معنا که هر چه مدت روزهای مرخصی فردی طولانی‌تر باشد، شانس بازگشت به کار کمتر است. عدم جدیت در کار یک چرخه منفی ایجاد مینماید، تحرک کم، ضعف و متفعل بودن میتواند بر قدرت و توان ماهیچه‌ای و در نتیجه بر تلاش فیزیکی برای کار تأثیر بگذارد در عین حال گریزی بلند مدت از کار و مسئولیت‌های کاری میتواند تخریب اعتماد به نفس را به دنبال آورد.

مطالعات خصوصاً با تأکید ویژه برافرادی که در آستانه گذار از مرحله کوتاه مدت کمر درد به کمر درد بلند مدت هستند، تشویق هرچه بیشتر به بازگشت زود هنگام به کار را پیشنهاد میدهند.

مدیریت یک کارگر با اپیزود کمر درد:

۱- حفظ فعالیت: یک جزء مرکزی از پیشنهادات این است که بیمار فعالیتهای روزانه را با وجود درد تا آنجا که میشود ادامه دهد. بسیاری از کارآمایی‌ها نشان داده‌اند که این رویکرد میتواند رهایی سریعتر از علایم را به دست آورد و سبب کاهش مدت دوری از کار و عودهای مکرر در طول سال شود

۱- حفظ فعالیت در محل کار: ادامه و حفظ فعالیتهای روزانه فرد به این معنی است که وی همچنین در شغل خود باقی بماند و یا هرچه سریعتر به آن بازگردد حتی اگر مقداری درد در اثر آن پیدا نماید در برخی موقعیت‌ها بازگشت به کل وظایف نرمال ممکن نیست مثلاً هنگامی که کار نیاز به سطح بالایی از توان فیزیکی دارد (وظایف نظامی، وظایف امداد و نجات و ...) و یا کارهای نیازمند فعالیت با بارهای سنگین. در خصوص کارهای فیزیکی سنگین می‌توان تصحیح کار یا به کارگیری لوازم کمکی برداشتن و حمل را نظر داشت.

نکته آخر:

هر دوره طولانی دوری از کار سبب افزایش خطر مزمن شدن علایم می‌گردد و توصیه به دور ماندن از کار، پیش‌آگاهی را به طور جدی ضعیف می‌نماید.

رابطه مناسب میان کارگر بیمار، تیم سلامت و مدیر خط کاری و ایجاد یک فهم مشترک از هدف باز توانی برای بهبود پیامدهای سلامت شغلی و بالینی مساله‌ای بسیار کلیدی و پایه‌ای است وجود فرهنگ سازمانی که التزام به تمهد را در کارگران جدی میگیرد هم میتواند سبب کاهش غیبت استلاجی و مدت دوری از کار شود.

زنان کار آفرین، پرچمدار کسب‌وکار نوین

نقش زنان در توسعه، به‌طور مستقیم به اهداف توسعه اجتماعی و اقتصادی بستگی دارد و از این‌رو در تحول همه جوامع انسانی، عاملی بنیادی به‌شمار می‌آید. پژوهش‌ها نشان می‌دهد زنان به دلایل متعدد از جمله بیکاری و کاهش دستمزدها و نارضایتی از شغل قبلی، وارد کارآفرینی می‌شوند.

چون کارآفرینی راهی برای برون‌رفت از بیکاری معمول است. سه دلیل مهم کشورها برای توجه به مقوله کارآفرینی، تولید ثروت، توسعه فناوری و اشتغال مولد است. درحالی‌که در کشور ما به‌اشتباه این مفهوم با اشتغالزایی مترادف‌شده و فقط برای حل مشکل اشتغال به سمت کارآفرینی می‌رویم. در اواخر دهه ۷۰ در بسیاری از کشورهای پیشرفته به علت تغییر در ارزش‌ها و گرایش‌های جامعه و تغییرات جمعیت‌شناختی، موجی از کسب‌وکارهای کوچک و افراد خوداشتغال به وجود آمد. به هر روی بسیاری از زنانی هم که وارد عرصه کارآفرینی می‌شوند با چالش‌ها و مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شوند که بخشی از آنها مربوط به آگاهی نداشتن از محیط کسب‌وکار و کارآفرینی است. در این زمینه قرار است مراکز رشد و شتابدهی کسب‌وکار زنان در استان‌ها ایجاد شود. مشاور وزیر کشور در امور زنان و خانواده با اعلام این خبر گفت: مرکز رشد و شتابدهی کسب‌وکار زنان با هدف انگیزه و آگاهی‌بخشی به بانوان جامعه، در همه استان‌ها باید راه‌اندازی شود. فهیمه فرهمندپور در همایش تبیین نقش بانوان در اقتصاد مقاومتی، اظهار کرد: بسیاری از زنان انگیزه ورود به کسب‌وکار را دارند، اما اطلاعات کافی در این زمینه ندارند و به همین منظور مرکز رشد و شتابدهی کسب‌وکار زنان در همه استان‌ها باید راه‌اندازی و فعالیت این مراکز باید زیر نظر ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی هر استان پیگیری شود. وی درباره مرکز رشد و شتابدهی کسب‌وکار زنان تشریح کرد: در این مرکز فرهنگ کار و کارآفرینی ترویج پیدا می‌کند، مشاوره‌های تخصصی درباره امور کسب‌وکار ارائه می‌شود، موانع فعالیت‌های اقتصادی امور بانوان شناسایی و برای آن راهکار ارائه می‌شود و با راه‌اندازی این مرکز امید است بسیاری از مشکلات کاهش پیدا کند.

پیش‌قدم شدن زنان کارآفرین

مشاور وزیر کشور در امور زنان و خانواده با بیان اینکه بسیاری از بانوان

درباره کمبود اعتبارها گلایه‌هایی را مطرح می‌کنند، افزود: دولت تدبیر و امید با مشکلات اقتصادی فراوانی روبه‌رو است، اما با این حال، باید اعتبارها به نحوی مدیریت شود تا سهم بانوان نادیده گرفته نشود و این امر نیازمند همکاری و هم‌افزایی بیشتر دستگاه‌های اجرایی است. اهداف و راهبردهای اقتصاد مقاومتی به سرمنزل مقصود نمی‌رسد، مگر با ترویج کار و کارآفرینی و برای این ترویج و فرهنگ‌سازی باید بانوان پیش‌قدم باشند. وی یکی از دلایل اساسی روی زمین ماندن نقش اقتصادی در جامعه را فاصله گرفتن بانوان از کسوت سنتی آنها عنوان کرد و گفت: بانوان جوامع شهری و حتی روستایی از کسوت سنتی خود فاصله گرفته‌اند و حتی در زنان روستایی مصرف‌گرایی شیوع پیدا کرده است. فرهمندپور با اشاره به بیانات رهبر معظم انقلاب درباره مشارکت آحاد جامعه برای تحقق اقتصاد مقاومتی، ادامه داد: هدف اصلی مقاوم‌سازی اقتصادی، مشارکت همه جامعه و تبدیل افراد جامعه به نیروی مولد اقتصادی بوده است. مشاور وزیر کشور در امور زنان و خانواده با بیان اینکه تغییر در نظام فرهنگی کشور از زنان شروع می‌شود، گفت: زنان باید پرچمدار ایجاد تغییرات در فرهنگ باشند. فرهنگ‌سازی در جامعه و ایجاد تغییر به بانوان وابسته است و نقش نخست در فرهنگ و فرهنگ‌سازی را بانوان برعهده دارند. فرهنگ با آموزش و تغییر در بانوان جامعه اصلاح می‌شود، زنان به‌ویژه مادران باید فرهنگ کار را در جوانان ترویج دهند و به آنها انگیزه لازم برای انجام کار و کارآفرینی را تزریق کنند.

افزایش مشاغل خانگی

مشاور وزیر کشور در امور زنان و خانواده با تاکید بر افزایش مشاغل خانگی در بین زنان، افزود: مشاغل خانگی جامعه هدف وسیعی را پوشش می‌دهد و تعارضی با نقش‌آفرینی مهم در فضای خانواده در این مشاغل وجود ندارد. تاکید بر حضور زنان در مشاغل خانگی، مبنی بر ممنوعیت حضور بانوان در دیگر شغل‌ها نیست و هیچ تابلوی ورودممنوعی برای حضور زنان در جامعه وجود ندارد و آنها می‌توانند در زمینه‌های دلخواه خود فعالیت کنند. بانوان نقش موثری در کاهش آسیب‌های اجتماعی دارند، با ترویج کار در جامعه و افزایش فعالیت‌های

اقتصادی می‌توان از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کرد.

ارائه مشاوره‌های تخصصی

شناسایی موانع فعالیت‌های اقتصادی امور بانوان و ارائه راهکار برای آن مورد تاکید بسیاری از زنان کارآفرین است. فرزانه باباعلی، کارآفرین در حوزه مد و لباس ایجاد مراکز رشد و شتابدهی کسب‌وکار زنان در استان‌ها را یک اقدام موثر برای افزایش آگاهی زنان کارآفرین عنوان کرد و به صمت گفت: این مراکز می‌توانند زنانی را که به شکل سنتی در حال فعالیت هستند با شیوه‌های جدید کسب‌وکار آشنا کند؛ با توجه به اینکه مهم‌ترین موضوع برای کارآفرینان و تولیدکنندگان داشتن بازار برای عرضه محصولات است با آشنا کردن زنان این عرصه با روش‌های مناسب برای کسب‌وکار و ارائه مشاوره‌های تخصصی، می‌توان به آنها کمک کرد. باباعلی در ادامه افزود: با توجه به اینکه زنان بیشتر در مشاغل خانگی مشغول به کار هستند، ممکن است دسترسی و آگاهی مناسبی نسبت به شیوه‌های جدید کسب‌وکار نداشته باشند و در ارائه کالاهای تولیدی خود دچار مشکل می‌شوند، بنابراین اگر مراکز رشد و شتابدهی کسب‌وکار زنان ایجاد شوند در توسعه کسب‌وکار زنان و تبدیل شیوه‌های سنتی به نوین، نقش موثری خواهند داشت. وی با اشاره به ارتباط نقش زنان در توسعه پایدار و افزایش آگاهی آنها در کسب‌وکار به صمت گفت: در زمینه نقش زن در توسعه رویکردهای متفاوتی وجود دارد. بعضی از این رویکردها بر اساس نیاز جامعه جدید صنعتی به نیروی کار است و اینکه جامعه به تمام نیروی انسانی خود نیاز دارد و بعضی از آنها بر اساس لزوم تساوی زن و مرد و حقوق فردی و مساوی آنها است. برخی نیز با توجه به نیاز جامعه و اینکه در هر شرایطی جامعه با کدام شیوه بهتر اداره می‌شود، نظرهای خود را تغییر می‌دهند. از طرفی در کشورهای توسعه‌یافته با توجه به کم شدن رشد جمعیت و رقابتی که در تولید وجود دارد، جامعه مجبور به استفاده از نیروی کار زنان شد و این وظیفه‌ای است که جامعه برعهده زنان نیز گذاشته است. تمام زنان در این جوامع می‌دانند که باید شغلی داشته باشند و جامعه نیز زمینه شغلی آنها را فراهم کرده است؛ اما در یک کشور



درحال توسعه مثل کشور ما که زمینه شغلی برای همه مردان نیز فراهم نیست زنان در مرتبه دوم قرار می‌گیرند. بنابراین زنان به‌ویژه مادران باید فرهنگ کار را در جوانان ترویج دهند و به آنها انگیزه لازم برای انجام کار و کارآفرینی را تزریق کنند.

آگاهی بیشتر زنان کارآفرین

درباره صنایع‌دستی در حوزه آموزش و تولید محصول باکیفیت مشکل کمتری وجود دارد، اما چالش اصلی این حوزه بازاریابی و فروش است. عاطفه رفیعی‌فر، کارآفرین در حوزه صنایع‌دستی نیز وجود نداشتن بازار برای ارائه محصولات صنایع‌دستی را یکی از مهم‌ترین مشکلات کارآفرینان این حوزه عنوان کرد و به صمت گفت: برای اینکه زنان کارآفرین بتوانند فعالیت خود را با توان و تمایل بیشتری انجام دهند باید از آنها حمایت‌های لازم انجام شود؛ برای مثال در حوزه صنایع‌دستی با ایجاد شدن بازارچه‌ها و نمایشگاه می‌توان مشکل فروش محصولات را تا حد مناسبی کاهش داد. زنان این حوزه برای تولید صنایع‌دستی خود باید آموزش‌های بیشتری ببینند، همچنین خرید مواد مورد نیاز برای تولید محصول باید با مشورت انجام شود تا هزینه‌های کمتری برای کارآفرینان به‌دنبال داشته باشد. در زمینه فروش و بازاریابی محصولات صنایع‌دستی، افزایش آگاهی و ارائه مشاوره‌های تخصصی امری ضروری است که با ایجاد مراکز رشد و شتابدهی کسب‌وکار زنان در استان‌های مختلف می‌توان زمینه ورود زنان به عرصه کارآفرینی را فراهم کرد و همچنین زنانی هم که در این عرصه هستند با دانش و آگاهی به کسب‌وکار بپردازند. رفیعی‌فر با اشاره به اینکه اشتغال موجب رشد شخصیت زنان می‌شود، افزود: اشتغال زنان، آنها را در رسیدن به تفاهم با دیگران تواناتر می‌کند و حس همکاری و مشارکت در زندگی زناشویی را قوت می‌بخشد. بنابراین باید در جهت رفع موانع کارآفرینی زنان گام برداشت تا برخی نگرش‌ها نسبت به کارکردن زنان تغییر کند.

سرمایه گذاری بعد از ترامپ

انتخاب ترامپ به عنوان رئیس جمهوری آمریکا فضایی از تردید را میان بخش های مختلف اقتصادی حاکم کرده که از جمله آن سرمایه گذاری خارجی است.

اینکه آیا واقعا ترامپ قراردادهای میلیاردری با ایران در این زمینه را لغو خواهد کرد یا نه، از جمله ابهاماتی است که کارشناسان مطرح کرده اند. همانطور که می دانیم، به موجب امضای توافق هسته ای و لغو تحریم ها، قراردادهای تجاری به عنوان بخشی از سرمایه گذاری شرکت های خارجی در ایران به امضا رسیدند. در این مدت کمپانی های بزرگ غربی به ایران آمدند و سرمایه گذاری مجدد در این کشور صورت گرفت و همین چند روز اخیر نیز شرکت نفت و گاز توتال فرانسه قراردادی چند میلیارد دلاری را در ارتباط با توسعه میدان گاز پارس جنوبی با ایران نهایی کرد. دولت «باراک اوباما»، رئیس جمهوری آمریکا نیز اوایل سال جاری میلادی مجوز فروش هواپیما به ایران از سوی دو کمپانی ایرباس و بوئینگ را صادر کرد. این قراردادها در حالی منعقد شده که برخی از تاثیر منفی ترامپ بر آنها و محتاط شدن سرمایه گذاری خارجی در کشور خبر می دهند. خبرگزاری رویترز به نقل از برخی مقامات دولتی ایرانی که نام هیچ کدام را فاش نکرد، نوشته پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، باعث تضعیف روحانی و نگرانی سرمایه گذاران خارجی خواهد شد. رویترز به نقل از دو مقام ارشد ایرانی که نامی از آنها نبرد، ادامه داد: «اگر ترامپ موضع خصمانه ای علیه ایران اتخاذ کند، تندرورها در ایران قدرت خواهند گرفت ... پیروزی ترامپ تندرورهای ایران و حامیان شان را متحد خواهد کرد که به معنی فشار سیاسی بیشتر در داخل و سیاست منطقه ای تهاجمی خواهد بود.» یک مقام ارشد در وزارت اقتصاد به این خبرگزاری انگلیسی گفت: «با پیروزی ترامپ، حتی شرکت های اروپایی نیز برای سرمایه گذاری در ایران بی رغبت خواهند شد ... در بهترین حالت، آنها سیاست صبر کردن و نظاره کردن نتیجه را در پیش خواهند گرفت ... این به اعتبار روحانی و برنامه های اقتصادی اش ضربه خواهد زد.»

رویترز در این زمینه نوشت: «با پیروزی ترامپ، شرکت های خارجی بزرگ و حتی متوسط، بانک ها و دیگر سرمایه گذاران محتاط تر خواهند بود تا در ایران سرمایه گذاری کنند ... این دقیقا زمانی که به جذب سرمایه گذاران

خارجی امید داشتیم، به اقتصاد ما ضربه خواهد زد.» با این حال برخی از کارشناسان بر این باورند که انتخاب ترامپ تاثیری بر سرمایه گذاری خارجی نخواهد گذاشت. رئیس بخش گاز، انرژی های تجدیدپذیر و نیروی شرکت توتال نیز گفت: انتخاب دونالد ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا تاثیری بر سرمایه گذاری های این شرکت فرانسوی در ایران نخواهد گذاشت.

محمد رضا نجفی منش، رئیس کمیسیون تسهیل کسب و کار اتاق تهران:

سرمایه گذاری خارجی ادامه دار خواهد بود
با توجه به اینکه در این سال ها اروپایی ها شروع به یکسری مذاکرات برای پیشبرد اهداف خود در بخش سرمایه گذاری خارجی در کشور کرده اند، به نظر نمی رسد که با تغییر رویه یا سیاست کشور آمریکا این مذاکرات خاتمه پیدا کند یا اینکه بخواهد به سرانجامی نرسد. شاید برای برخی کشورها که از آمریکا ترس بیشتری دارند یا از آن حرف شنوی دارند، این صحبت ها قابل ذکر نباشد اما برای عمده کشورهای اروپایی به نظر می رسد مشارکت با ایران برای سرمایه گذاری ادامه دار خواهد بود. البته دو ماه تا روی کار آمدن ترامپ و اعمال سیاست های وی باقی مانده که در این مدت پیش بینی می شود با حل و فصل دغدغه های بانکی، مشکلات سرمایه گذاری خارجی حل شده و حتی روابط بهتر شود. از سوی دیگر از آن جایی که رئیس جمهوری جدید خود تاجر مسلک و اهل معامله و مشتاق به سرمایه گذاری خارجی است، به نظر می رسد به خاطر سودآوری حتی به سمت ایران برای سرمایه گذاری روی آورد. اگر رئیس جمهوری تازه آمریکا منافع و سود خود را در معامله با ایران ببیند، به طور واضح قابل پیش بینی است که رابطه با ایران را حداقل در بعد اقتصادی تقویت کند. با این حال اظهار نظر کلی و قاطع درباره تصمیم سیاسی وی و اتفاقات آینده، ممکن نیست.

مهدی پورقاضی، عضو اتاق بازرگانی تهران:
اگر بحث سود باشد، ترامپ اهل معامله است
عواقب و نتایج روی کار آمدن ترامپ هنوز روشن نیست اما به نظر می رسد از آن جایی که ترامپ خود یک سرمایه گذار است، اگر پای سودی در میان

باشد، ترامپ خود اهل معامله است. وی در دوران نامزدی خود برای ریاست جمهوری حرف هایی گفته که به ظاهر نشان از مخالفت با ایران، مسلمانان و لغو برجام دارد اما اگر واقع بینانه نگاه کنیم، ترامپ کاندید با ترامپ رئیس جمهوری فرق دارد اما اینکه واقعا وی چه برخوردی با مصالح سیاسی می کند و در زمینه سیاست و اقتصاد به چه فعالیت هایی دست می زند، به طور قطعی نمی توان اظهار نظر کرد اما به نظر می رسد وی اهل معامله باشد و به سمت کشورهایی که برای او منفعت اقتصادی به دنبال داشته باشند، روی آورد. اگر در زمینه سرمایه گذاری خارجی امتیازات خوبی بگیرد، امتیازات خوبی به کشور خواهد داد.

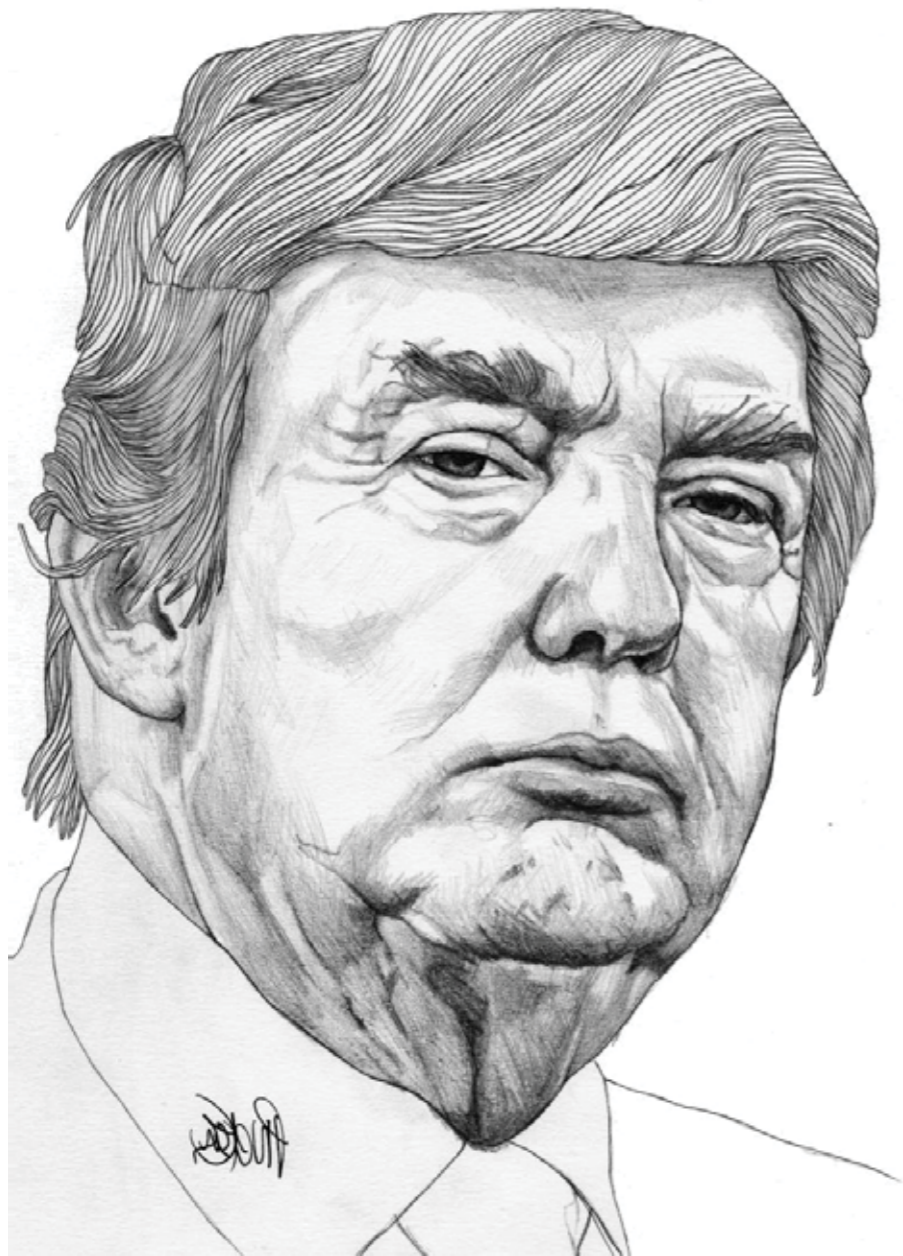
پیش بینی می شود ترامپ سلطه سیاسی خود بر سایر کشورها را کم کند که این موضوع به خودی خود تاثیر بسیار مثبتی بر سرمایه گذاری خارجی خواهد گذاشت. با این حال قضاوت درباره ترامپ و سیاست های وی زود است. باید صبر کنیم تا وی تصمیم بگیرد و عمل کند.

ابوالحسن خلیلی، رئیس انجمن مدیران صنایع ایران:

تاثیر سیاست آمریکا بر اقتصاد ما اجتناب ناپذیر است

تغییر رئیس جمهوری در هر کشوری به ویژه در کشور آمریکا دارای یک تاثیرات بلندمدت و کوتاه مدت است. از آن جایی که شخصیت ترامپ برای همه حتی خود اروپایی ها ناشناخته است، باید با احتیاط با موضوع رفتار کنیم.

اگر دقت کنیم، کشور آمریکا همواره بیشترین چالش ها را با کشور ما داشته؛ از اینرو تاثیر انتخابات آمریکا بر اقتصاد کشور ما اجتناب ناپذیر بوده و از همان روز اول پیروزی ترامپ روی بازارهای مالی و اقتصاد کشور خود را نشان داد اما یک بحث دیگر مربوط می شود به سیاست های بلندمدت؛ تجربه نشان داده که سیاست های بلندمدت آمریکا در مقابل ایران با تغییر رئیس جمهورهای این کشور، تغییر چندانی نداشته و تاثیر آن به ویژه روی اقتصاد کشور چندانی نبوده است؛ بحث سرمایه گذاری خارجی نیز همینطور. به هر حال این کشور در بهترین حالت نیز از موضع منفی با ما برخورد داشته و این برخوردهای منفی همیشه بود، حتی در این سال ها که پای سرمایه گذاری خارجی به کشور باز شده و امید به رشد آن است. با این حال باید صبر کنیم دو ماه از این اتفاق بگذرد و از طرفی عجله نکرده و مانند بسیاری از کشورهای اروپایی منتظر باشیم و ببینیم که چه اتفاقی خواهد افتاد.



در یک گزارش مطالعاتی تحلیل شد

سه قصد چین از تجارت با ایران

ریشه‌یابی برنامه توسعه روابط استراتژیک چین با ایران نشان می‌دهد این کشور سه قصد را در تجارت پیگیری می‌کند. ایران و چین اوایل سال ۲۰۱۶ میلادی توافق کردند سطح مبادلات تجاری را در طول ۱۰ سال پیش‌رو به ۶۰۰ میلیارد دلار برسانند. اگرچه نمی‌توان کمک‌های چین به ایران به‌ویژه در شرایط بحرانی نظیر تشدید تحریم‌های بین‌المللی را نادیده گرفت، اما این کشور در هرگونه توسعه روابط با کشورهای جهان، منافع ملی و اهداف خاصی را دنبال می‌کند. چین به‌عنوان نخستین شریک تجاری ایران، رهبری منطقه را در نقشه جدید تجاری-اقتصادی‌اش، در دستور کار خود قرار داده است. به‌طوری که سیاست‌گذاران چینی، تدابیری را در عرصه داخلی و خارجی دنبال کردند. در صحنه خارجی برای اتصال به بازارهای خارجی، طرح‌های پرهزینه‌ای شامل «تاسیس بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی» و طرح «یک کمربند - یک جاده» را مدنظر قرار داده‌اند. در مقابل در صحنه داخلی نیز معیارهایی برای افزایش بهره‌وری، نوآوری و ارتقای سطح مصرف از سوی چین نیز اتخاذ شده است. بدون تردید اجرایی شدن این برنامه‌ها می‌تواند مسیر برنامه‌ریزی شرکای تجاری این کشور از جمله ایران را تحت تاثیر قرار دهد. بر همین اساس، اگرچه نمی‌توان منکر نقش استراتژیک چین برای ایران به‌ویژه در شرایط تحریم بود، اما قطعاً چین در توسعه روابط خود با سایر کشورها به‌ویژه ایران، درصدد رسیدن به منافع خود است. به‌طوری که این کشور در توسعه روابط خود با ایران سه هدف «تامین امنیت عرضه انرژی و مواد اولیه»، «رقابت اقتصادی - سیاسی با روسیه» و «کاهش کسری تراز تجاری دوجانبه» را دنبال می‌کند. به عبارتی چین، درصدد تدارک راهکارهای جدیدی است تا بتواند به اهداف استراتژیک خود در رابطه با ایران دست یابد. از این رو، ساختار فعلی مناسبات تجاری ایران در منطقه نیازمند بازچینی اساسی است که دو گزینه را پیش روی ایران قرار می‌دهد؛ گزینه نخست اینکه ایران درصدد کسب بازار محصولات اولیه خود در کشورهایی باشد که جایگزین چین در تولید محصولات نهایی می‌شوند. گزینه دوم اینکه ایران در تولید محصولات صنعتی و خدماتی که مورد نیاز مصرف‌کنندگان چینی بوده و در تولید آن از مزیت رقابتی برخوردار است، مشارکت کند. از سوی دیگر، ایران باید درصدد اعمال سیاست توازن در روابط خود با چین و روسیه به‌طور همزمان برآید.

در همین راستا گزارشی با عنوان «راهبرد جدید اقتصاد چین و الزامات

پیش‌روی شرکای تجاری آن» به قلم دکتر سعیدمیرزامحمدی تنظیم شده که از سوی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی منتشر شده است. پیش از این در سفر رئیس‌جمهوری چین به ایران نقشه راه تجارت ایران و چین تدوین شد که براساس آن مقرر شد سطح مبادلات تجاری فی‌مابین طی ۱۰ سال آینده به ۶۰۰ میلیارد دلار برسد. این گزارش در حالی تنظیم شده که در حال حاضر یک‌سال از تدوین سند نام برده می‌گذرد.

چشم‌انداز تعاملات تجاری ایران و چین

در جریان سفر ابتدای سال ۲۰۱۶ رئیس‌جمهوری چین به ایران پس از ۱۱ سال، دو کشور توافق کردند که سطح مبادلات تجاری دوجانبه را در خلال ۱۰ سال آینده به ۶۰۰ میلیارد دلار برسانند. به نظر می‌رسد با توجه به نقش حساس ایران در چارچوب طرح «یک کمربند - یک جاده» چین برنامه خاصی برای همکاری درازمدت در چارچوب برنامه راهبردی ۲۵ ساله طراحی کرده باشد. اگرچه نمی‌توان منکر نقش استراتژیک چین برای ایران، به‌ویژه در شرایط بحرانی نظیر تشدید تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران شد، اما مسلماً چین در هرگونه توسعه روابط با کشورهای جهان و به‌ویژه با کشورهای نظیر ایران که تقریباً از سوی اکثر کشورهای غربی تحت فشار اقتصادی قرار گرفته است، درصدد نیل به منافع ملی و اهداف استراتژیک خود باشد. از این رو، به‌نظر می‌رسد که چین سه هدف را در توسعه روابط استراتژیک خود با ایران دنبال می‌کند. هدف نخست؛ «تامین امنیت عرضه انرژی و مواد اولیه» است که مسلماً برای چین و سایر کشورهای منطقه آسیای جنوب شرقی که قرار است در برنامه پیش‌گفته نقش تولیدی امروز چین را متقبل شوند، از اهداف اولیه و اصلی چین در توسعه مناسبات درازمدت خود با ایران باشد.

به‌طوری که دو کشور در سفر اخیر رئیس‌جمهوری چین به ایران، برنامه جامع درازمدت ۲۵ ساله‌ای را طراحی کرده و ۱۷ سند همکاری در زمینه‌های مختلف به امضا رساندند. در این میان، برنامه سرمایه‌گذاری خارجی سالانه ۵۰ میلیارد دلاری چین در بخش انرژی و معادن ایران بیش از همه جلب نظر می‌کند. از منافع جانبی این برنامه برای چین می‌توان به درآمدهای قابل‌توجه صدور فناوری چین به کشورهای مزبور اشاره کرد. البته، باوجودی که رئیس‌جمهوری چین قبل از سفر خود به ایران، به عربستان سعودی نیز سفر کرده و در مورد برنامه راهبردی ۲۵ ساله مشابهی با عربستان نیز به توافق رسیده است، توسعه روابط با ایران به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک آن سبب کاهش اهمیت برنامه مزبور از نگاه چین خواهد شد. البته مفاد موافقت برنامه‌های همکاری چین و عربستان به هیچ‌وجه مشابهتی با مفاد تفاهم برنامه‌های عمیق همکاری با ایران ندارد. دومین هدف؛ «رقابت اقتصادی - سیاسی با روسیه» را شامل می‌شود. زیرا از آثار جانبی توسعه روابط چین با ایران تاثیر آن بر اقتصاد روسیه است. به‌عنوان مثال، به‌رغم تمایل روسیه به مشارکت با ایران برای احداث ۸ نیروگاه هسته‌ای در ایران، چین در برنامه استراتژیک درازمدت خود با ایران درصدد احداث دو نیروگاه جدید هسته‌ای است. از سوی دیگر با اجرایی شدن قرارداد درازمدت تامین نفت مورد نیاز چین

ازسوی ایران، روسیه که در حال حاضر بازار نفت منطقه را از کشورهای عربی ربوده است، با مشکل کمبود تقاضا برای نفت صادراتی خود مواجه خواهد شد. در نهایت سومین هدفی که چین در توسعه روابط تجاری خود با ایران دنبال می‌کند، «کاهش کسری تراز تجاری دوجانبه با ایران» است. به عبارتی با توجه به احتمال کاهش وابستگی ایران به محصولات چینی (ناشی از دستیابی ایران به بازارهای غربی در دوران پساتحریم)، چه بسا چین درصدد تدارک راهکارهای جدیدتری برای ارسال سریع و ارزان محصولات خود، به بازارهای ایران باشد تا به این ترتیب، کسری تراز تجاری خود را با ایران که در سال ۲۰۱۴ میلادی بیش از ۳/۲ میلیارد دلار بوده است، کاهش دهد.

دو راهبرد چین

براساس این گزارش، اقتصاد چین طی چند دهه اخیر، با وجود بحران مالی جهانی، همواره در حال رشد سریع بوده است. به‌طوری که تا قبل از سال ۲۰۰۷ نرخ رشد ۱۱ درصد، سهم سرمایه‌گذاری از تولید ناخالص داخلی ۱۰/۵ درصد و سهم مازاد تراز حساب جاری از تولید ناخالص داخلی ۱۱ درصد بود، اما پس از بحران و با وجود کاهش نرخ رشد اقتصادی از ۱۱ به ۷ درصد و همچنین کاهش سهم تراز جاری از تولید ناخالص داخلی به حدود ۲ تا ۳ درصد، سهم سرمایه‌گذاری از تولید ناخالص داخلی با هدف حفظ تقاضای داخلی همچنان به روند افزایشی خود ادامه داد و به بیش از ۵۰ درصد رسید. اما سوال اینجا است که این الگوی رشد جدید چه تبعاتی

را به همراه دارد؟ پاسخ را می‌توان در ۳ تغییر جست‌وجو کرد:

۱ - کاهش سرعت پیشرفت فنی و به تبع آن بهره‌وری کل عوامل
۲ - کاهش بازدهی نهایی سرمایه و نهایت بروز ظرفیت‌های مازاد در تولید صنعت

۳ - روند کند رشد مصرف به‌ویژه مصرف خانوارها و سهم بسیار پایین آن از تولید ناخالص داخلی تا حدود یک‌سوم.

اقدام اول: اقدام نخست چین در صحنه برون‌مرزی، پیشنهاد «تاسیس بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی» در سال ۲۰۱۳ با هدف حمایت از توسعه زیرساخت‌هایی نظیر برق، آب و مخابرات در منطقه آسیا و اقیانوسیه بود. این بانک در حال حاضر ۵۷ عضو دارد و پس از اینکه حدود ۱۰ کشور عضو شاخص، ۵۰ درصد از سرمایه اولیه آن را تامین کردند، از دسامبر ۲۰۱۵ رسماً کار خود را آغاز کرد. در میان کشورهای شاخص عضو سازمان همکاری توسعه اقتصادی، هنوز آمریکا و ژاپن به عضویت نهایی این بانک در نیامده‌اند، اما آلمان و فرانسه که در این مسیر تجاری قرار دارند، دارای بالاترین سهم سرمایه در میان کشورهای غربی عضو هستند. بیشترین سهم سرمایه ۱۰۰ میلیارد دلاری این بانک، بیش از ۳۰ درصد از سوی چین تامین شده است. در مقابل، ایران مالک ۱/۶۱ سهام این بانک است. انگیزه چین برای ایده تاسیس AIIB رفع نقایص ناشی از کندی عملکرد سیستم‌های مالی بین‌المللی، همچون صندوق بین‌المللی پول برای پاسخگویی به نیازهای مورد نظر بود.



اقدام دوم: اقدام دیگر نیز پیگیری ایده «یک کمربند، یک جاده» بود

که در پی اهدافی ورای اهداف AIIB بود. اگرچه بخشی از این ایده همان مسیر «جاده ابریشم» است که به حمل‌ونقل زمینی توجه دارد، اما با توجه به گران بودن حمل زمینی از یک‌سو و عدم تمایل و توان مالی کشورهای کوچک در مسیر جاده ابریشم از سوی دیگر، مسیر دریایی از جنوب چین نیز در کنار طرح جاده ابریشم مطرح شد و در مجموع ایده «یک کمربند، یک جاده» شکل گرفت. این ایده از آنجا شکل گرفت که کشورهای پیرامون چین در منطقه آسیای میانه که در مسیر جاده ابریشم قرار دارند، از منافع حاصل از توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل بهره‌مند می‌شوند که البته منابع مالی مربوطه نیز از طریق قراردادهای دوجانبه میان چین و کشورهای مزبور تامین می‌شود. از این‌رو، چین با توجه به محدودیت پتانسیل سرمایه‌گذاری در کشورهای کوچک آسیای میانه و نیز گران بودن حمل‌ونقل زمینی، ایده مسیر دریایی را به طرح «جاده ابریشم» گره زده و طرح توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل دریایی از سواحل جنوبی چین به سمت آسیای جنوب غربی، اقیانوس هند و نهایتا بازارهای اروپایی را مطرح کرده است. از آنجا که بخش اعظمی از تجارت جهانی هم اکنون از مسیر مزبور تردد می‌کند، به نظر نمی‌رسد مسیر مزبور بتواند پاسخگوی مشکل مازاد ظرفیت چین باشد. در این مسیر یا کشورهای قوی مانند هند، اندونزی و ویتنام وجود دارند که به راحتی اجازه نفوذ کارگر و محصول چینی را به کشور خود نمی‌دهند یا کشورهای ضعیف‌تری مثل پاکستان و کامبوج که امکان بازپرداخت مبلغ محصولات دریافتی از چین را در کوتاه‌مدت نخواهند داشت. از سوی دیگر در سومین نشست اجلاس حزب کمونیست در سال ۲۰۱۳، اقدامات درون مرزی چین برای

مواجهه با مشکل مازاد ظرفیت، مجموعه‌ای از سیاست‌ها و برنامه‌های اصلاحات داخلی را در قالب چهار برنامه کلی شامل «اصلاح نظام اسکان جمعیت»، «اصلاح نظام بودجه‌ای دولت»، «آزادسازی بازار مالی» و «ایجاد رقابت در بخش خدمات» در نظر گرفت. در مجموع می‌توان گفت در مدل جدید رشد اقتصادی چین، نیاز کمتری به سرمایه‌گذاری داشته و در عین حال شاهد رشد بهره‌وری و افزایش سطح مصرف خواهیم بود.

تاثیر سیاست تغییر توازن چین بر ایران

در تحولات برشمرده شده در سیاست‌های اقتصادی چین، پیامدهای زیر در برابر کشورهای در حال توسعه و ایران قرار می‌گیرد:
۱ – به‌واسطه کاهش شدید بهره‌وری سرمایه‌گذاری در چین، نشانه‌هایی از افزایش نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی، به‌خاطر هزینه‌های سنگین سرمایه‌گذاری دولت، پدیدار شده است. چنانچه همزمان با کاهش سرمایه‌گذاری، سیاست‌های تعدیل اجرایی نشود و مصرف افزایش نیابد، نرخ ارز چین کاهش یافته و مازاد تجاری آن افزایش می‌یابد که این سبب تداوم صادرات محصولات کاربر از سوی چین شده و فرصت رشد را از سایر کشورها می‌گیرد. اگر سیاست تعدیل چین با موفقیت پیش رود، مازاد تراز تجاری چین تغییری نخواهد کرد و این مازاد تبدیل به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در سایر کشورها می‌شود. اگرچه این سرمایه‌گذاری طی چند دهه اخیر متوجه بخش‌های انرژی و معدن، از جمله در ایران بوده، اما به تدریج به سمت سایر بخش‌ها و مناطق جغرافیایی، ازجمله سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در کشورهای در حال توسعه حرکت خواهد کرد.

۲ – با کاهش سرمایه‌گذاری در صنایع چین، تقاضای چین، برای واردات محصولات صنعتی و خدماتی، از سایر کشورها افزایش می‌یابد. علاوه بر این با افزایش نرخ دستمزد کارگران چینی در سال‌های اخیر و نیز افزایش ارزش پول چین، سایر کشورهای با دستمزد پایین سهمی از تولیدات فعلی چین را تصاحب می‌کنند و به‌ویژه به صادرات مستقیم محصولات نظیر پوشاک، کفش و لوازم الکترونیکی مونتاژشده به آمریکا و اروپا خواهند پرداخت یا محصولات خود را در قالب زنجیره جهانی عرضه، به چین صادر خواهند کرد. از این‌رو، بسیاری از کشورهای منطقه جای چین امروز را می‌گیرند و فرصتی برای خودنمایی خواهند داشت.

۳ – با خدماتی شدن اقتصاد چین، مسلما تقاضای آن برای محصولات معدنی و انرژی کاهش می‌یابد. بنابراین، قیمت این محصولات نظیر سنگ‌آهن و نفت خام، رو به کاهش خواهد بود. در این ارتباط، بانک جهانی پیش‌بینی می‌کند که کاهش مزبور آهسته و حدود ۳ تا ۴ درصد در سال خواهد بود.

۴ – در کنار کاهش قیمت محصولات، آمریکا نیز درصدد افزایش نرخ بهره است. همزمانی این دو پدیده سبب ایجاد مشکلات جدی برای کشورهای صادرکننده می‌شود. در این میان، کشورهایی که بدهی خارجی وسیعی دارند، متحمل خسارات جبران‌ناپذیری می‌شوند.

الزامات ایران در تعامل با چین

الزام نخست: ضروری است ایران درصدد اعمال سیاست توازن در روابط با چین و روسیه به‌طور همزمان برآید. با توجه به عدم تمایل روسیه به توسعه روابط ایران و چین از یکسو و رقابت چین برای دستیابی به بازار نفت ایران

از سوی دیگر، به نظر می‌رسد یکی از راه‌های حفظ توازن در رابطه با این دو کشور مهم، این است که تلاش لازم از طرف ایران برای بهره‌مندی هر دو کشور از طرح «یک کمربند-یک جاده» به عمل آید.

در حال حاضر بنادر ایران جایگاهی در طرح پیشنهادی «یک کمربند- یک جاده» چین نداشته و قرار است بندر بصره در عراق به‌عنوان نقطه اتصال کمربند در حوزه خلیج‌فارس تعیین شود. در این خصوص توسعه بنادر جنوبی کشور و تکمیل حلقه‌های مفقوده‌مسیر راه‌آهن کریدور شمال –جنوب پیشنهاد می‌شود. به این ترتیب اولاً کالاها و خدمات چین و سایر کشورهای آسیای جنوب شرقی با سهولت بیشتری به روسیه و سایر کشورهای CIS خواهد رسید. ثانيا اقتصاد ایران نیز به لحاظ سرریز منافع حاصل از تجارت کالاهای مزبور از طریق خاک خود منتفع می‌شود.

الزام دوم: با توجه به تأکیدات فراوان بر توسعه سرمایه‌گذاری خارجی چین در ایران، به نظر نمی‌رسد چین قادر به تامین منابع مناسبی برای این منظور باشد. به‌طوری که در سال ۲۰۱۴ از کل سرمایه‌گذاری خارجی ۱۲۳ میلیارد دلاری چین، سهم ایران تنها ۶۰۰ میلیون دلار بوده و ایران رتبه ۲۲۲ را در کشورهای مقصد سرمایه‌گذاری خارجی چین داشته است. در حالی که در سال ۲۰۱۱ رقم مزبور، ۶۱۵میلیون دلار بوده و ایران در لیست کشورهای مقصد از رتبه ۱۲ بر‌خوردار بوده است. در این خصوص سه گزینه متصور است؛

۱–چنانچه‌تحریم‌هاعلیه‌ایران متوقف‌شوند،شرایطبرای‌ارتباط‌باسرمایه‌گذاری سایر کشورهای دارای تکنولوژی پیشرفته‌تر از چین مهیا خواهد شد.

۲ – حتی در صورت تداوم شدت تحریم‌ها علیه ایران، رکود نسبی ناشی از کاهش بهره‌وری در اقتصاد چین، هر‌گونه‌افزایش چشمگیر سرمایه‌گذاری این

کشور در ایران را با چالش مواجه می‌کند.

۳–گذار اقتصاد چین از اقتصادی مبتنی بر تولید صنعتی وابسته به محصولات اولیه به اقتصادی مبتنی بر ارزش افزوده بخش خدمات، سبب کاهش تمایل آنها به سرمایه‌گذاری خارجی در صنایع ایران همراه باانتقال تکنولوژی می‌شود.
الزام سوم: در صورت تداوم روند فعلی رشد اقتصاد ایران مبتنی بر محصولات اولیه، باید از هم اکنون درصدد کسب بازار محصولات اولیه خود در کشورهایی باشیم که جایگزین چین در تولید محصولات نهایی می‌شوند، اما گزینه بهتر برای ایران تلاش برای مشارکت در تولید آن دسته از محصولات صنعتی یا خدماتی است که مورد نیاز مصرف‌کنندگان چینی بوده و ایران نیز در تولید آن از مزیت نسبی و رقابتی برخوردار است.

الزام چهارم: با وجود سهم ایران در سرمایه بانک AIIB، هنوز پروژه‌ای برای ایران تصویب یا حتی پیشنهاد نشده است. در حالی که هم اکنون طرح‌هایی برای اجرا در کشورهای چین، پاکستان، بنگلادش، تاجیکستان و اندونزی تصویب و نیز طرح‌هایی برای اجراء در عمان، اندونزی، هند و قزاقستان پیشنهاد شده است. با توجه به اینکه طرح‌های کریدور شمال –جنوب و کریدور شرق – غرب که هر دو از خاک ایران می‌گذرند، قبلا به تصویب کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوسیه سازمان ملل متحد(UNESCAP) رسیده است، فرصت مناسبی است که تلاش لازم از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط به منظور پیشنهاد پروژه‌های زیرساختاری در چارچوب تکمیل حلقه‌های مفقوده دو کریدور مذکور در خاک ایران برای تامین مالی به AIIB ارائه شود.





سیاست، بدهی خود را با اقتصاد تسویه کند

غلامحسین شافعی، رئیس اتاق ایران
در یادداشتی به بررسی ثمرات برجام و چالش‌های پیش‌روی اقتصاد پرداخته است.

سال گذشته در چنین روزهایی اقتصاد ایران فرصت رهایی از بند تحریم را پیدا کرد. فرصتی که بخش خصوصی سال‌ها انتظار آن را کشیده بود و برای آن لحظه شماری می‌کرد. تلاش تیم دیپلماتیک کشورمان در راه طولانی مذاکرات از یاد هموطنانمان نمی‌رود. اجرای برجام که همراه با لغو تحریم‌های اقتصادی بود برای فعالان اقتصادی روزی به یادماندنی محسوب می‌شود چراکه محدودیت در تجارت خارجی و ارتباطات بین‌المللی طی یک دهه پیش از برجام، هزینه‌های سنگینی را بر اقتصاد کشور تحمیل کرده بود. عدم‌النفع ناشی از تحریم‌های اقتصادی نه فقط در بخش‌های کلان و صنایع مادر نظیر نفت و پتروشیمی که در بنگاه‌های کوچک و متوسط نیز بسیار قابل توجه است. بخش خصوصی ایران در سال‌های دشوار تحریم، تلاش کرد تا از راه‌های مختلف مانع از توقف چرخ اقتصاد ایران شود. هزینه مبادلات اقتصادی در ایام تحریم بر دوش بخش خصوصی سنگینی کرد. محرومیت از معاملات اعتباری و عدم بهره‌گیری از خدمات بانکی در شرایط تحریم موجب شد تا هزینه و ریسک فعالیت اقتصادی به اوج خود برسد. به همین دلیل است که لغو تحریم‌ها برای بخش خصوصی تحت فشار قرار گرفته ایران، فرصت جدیدی محسوب می‌شود به شرط آنکه بتوان از تمام مواهب آن بهره برد. بازگشت به شرایط عادی مشابه آنچه پیش از تحریم‌ها شاهد آن بودیم، هنوز به طور کامل عملی نشده است اما حرکت در مسیری که به زیستن در فضای بدون تحریم می‌انجامد، امیدها را برای بخش خصوصی زنده نگه داشته است. برجام پیام روشنی برای اقتصاد به همراه داشته است که باید در پی تحقق آن بود. همانطور که رئیس‌جمهور محترم در جمع فعالان اقتصادی و در اولین اظهار نظر در مورد اجرای برجام اشاره داشتند، باید به دنبال تحقق آن باشیم که سیاست در ایران دین خود را به اقتصاد بپردازد. در طول چند دهه گذشته عموماً این اقتصاد بوده که به سیاست یارانه داده است. با اجرای

برجام این امیدواری بوجود آمد که سیاست خارجی و داخلی بدهی خود را با اقتصاد تسویه کند. در این راه همچنان نیاز به تلاش سیاسی و دیپلماتیک به نفع اقتصاد احساس می‌شود. همانطور که کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه از اعتبار و کارت‌های سیاسی خود به نفع اقتصاد بهره می‌برند و بزرگان سیاسی در کشورها از اینکه زمینه‌ساز قراردادهای اقتصادی برای کشورشان شوند، واهمه ندارند، در ایران نیز انتظار همراهی سیاسیون برای تحقق خواسته‌های اقتصادی وجود دارد. سیاست‌های اقتصاد مقاومتی که مورد تأکید چندباره مقام معظم رهبری قرار گرفته است، بر درون‌زایی و برون‌گرایی تأکید دارد که مفهوم آن تلاش برای تقویت تولید داخل و استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی به نفع اقتصاد ملی است. اجرای برجام فصل جدیدی برای اقتصاد ایران محسوب می‌شود اما عادی شدن مناسبات بین‌المللی همچنان چالشی پیش روی فعالان اقتصادی است. عدم همراهی مناسب بانک‌های بزرگ اروپایی با بانک‌های داخلی، مانع بزرگی سد راه بهره‌گیری از ثمرات برجام است. حرکت رو به جلو در مناسبات اقتصادی بین‌المللی در پس‌برجام غیرقابل انکار است. انعقاد قراردادهای بزرگ که به تازگی تبلور آن در ورود هواپیمای ایرباس به کشورمان بود، بسیار حائز اهمیت و از ثمرات برجام است اما انعقاد قرارداد در سطح بنگاه‌های کوچک و متوسط و پیوند اینگونه بنگاه‌ها با شرکای خارجی از جمله مهمترین الزامات برای تقویت بنگاه‌های اشتغال‌زا در کشور است. تسهیل در انعقاد قرارداد و همکاری مشترک اقتصادی میان بخش خصوصی ایران و بخش خصوصی سایر کشورها، مهمترین خواسته بخش خصوصی است که با موانعی همچون ارتباطات بانکی مواجه است. به همین دلیل از اهالی سیاست بخصوص مردان پرتلاش در سیاست‌خارجی کشورمان انتظار داریم که عملیات دیپلماتیک خود را که از مذاکرات هسته‌ای، آغاز کرده‌اند، همچنان ادامه

دهند و امضای برجام را پایان مأموریت خود تلقی نکنند. پاسداری از اهداف برجام و لغو کامل تحریم‌ها که در برجام مورد تأکید قرار گرفته، همچنان نیاز به پیگیری دستگاه دیپلماسی کشور دارد. نگاه مثبت و تلاشگرانه وزارت امور خارجه در مسیر ایجاد پیوند میان بخش خصوصی ایران و بخش خصوصی سایر کشورها قابل ستایش است. در دوره یک سال گذشته برای اولین بار بخش خصوصی به پای ثابت سفرهای خارجی ریاست محترم جمهوری و وزیر امور خارجه تبدیل شده است که اتفاق مبارکی است. اینکه سیاست‌مداران رده بالای کشورمان به اهمیت جایگاه بخش خصوصی پی برده‌اند و در سفرهای خود ترجیح می‌دهند فعالان اقتصادی را برای مذاکرات با کشورهای خارجی همراه خود داشته باشند، قابل تقدیر است.

انجام مذاکرات اقتصادی در قالب‌های مختلف طی یک سال گذشته با شتابی قابل توجه همراه بوده است. پذیرش و اعزام هیات‌های تجاری رکوردی کم‌سابقه را برجای گذاشته است. این مذاکرات زمینه‌ساز قراردادهای همکاری‌های مشترک بین‌المللی خواهد بود و نباید به سادگی از کنار آن عبور کنیم. یک دهه قطع ارتباط با دنیا موجب شده تا شناخت کشورها از اقتصاد ایران به حداقل برسد. اشتیاق آنها برای ورود به اقتصاد ایران که ظرفیت‌های بی‌شمار دارد، در تمامی دیدارهای بین‌المللی قابل درک است. تحریم‌های طولانی مدت که تا سال ۹۴ ادامه داشت، امکان شناسایی ظرفیت‌های ایران را برای سرمایه‌گذاران خارجی مسدود ساخته بود بنابراین باید فرصت پذیرش هیات‌های اقتصادی به ایران و اعزام فعالان بخش خصوصی به کشورهای هدف را مغتنم بشماریم تا نقاط پیوند بار دیگر شناسایی شود. اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران در این مدت

با پذیرش و اعزام هیات‌های تجاری فعالیت‌های قابل توجهی داشته است تا بتواند زمینه پیوند فعالان بخش خصوصی ایران و سایر کشورها را فراهم کند. در نه ماه نخست سال ۱۳۹۵ تعداد ۹۷ هیات تجاری از کشورهای اروپایی، آسیایس، آفریقای و عربی پذیرش شده‌اند که در مجموع تعداد ۲۱۰۰ فعال اقتصادی را به پای میز مذاکرات تجاری با فعالان اقتصادی ایرانی کشانده است. این تعداد تنها از طریق اتاق ایران پذیرش شده‌اند در حالی که اتاق‌های شهرستان‌ها از جمله اتاق تهران نیز پذیرای هیات‌های متعدد استانی و ایالتی سایر کشورها بوده‌اند. همچنین اتاق ایران در ده ماهه سال ۱۳۹۵ موفق شده است ۲۰ هیات تجاری را به ۳۸ کشور اعزام کند که برخی از این هیات‌ها در همراهی با مقامات بلندپایه کشور بوده است. در مجموع ۵۱۵ نفر از فعالان اقتصادی کشور در این هیات‌های اعزامی حضور داشته‌اند که به امضای چندین تفاهم‌نامه و سند همکاری منجر شده است. در این مدت همچنین هیات‌های تخصصی برای مذاکرات و همکاری‌ها از سازمان‌هایی چون صندوق بین‌المللی پول، بانک توسعه اسلامی، سازمان ۸ کشور اسلامی درحال توسعه (دی۸)، بانک جهانی، سازمان جهانی تجارت، اتاق‌های بازرگانی اتحادیه اروپا، کمیسیون اتحادیه اروپا و چند سازمان بین‌المللی دیگر در اتاق ایران پذیرش شده‌اند.

این امیدواری در میان فعالان بخش خصوصی ایران وجود دارد که با رفع موانع بانکی و همراهی اهالی سیاست همچنین مسوولان اجرایی کشور، مجموعه مذاکرات بین‌المللی و دیدارهای خارجی نتیجه مطلوب را برای اقتصاد ایران به همراه داشته باشد.



در سال‌های اخیر به‌کرات نام برخی نهادهای جهانی و بین‌المللی شنیده می‌شود که قدرتی فراتر از دولت‌ها داشته و به صورت‌های گوناگون و با ابزارهایی که در دست دارند، بر اقتصاد جهان تأثیرگذار هستند. از جمله این نهادهای بین‌المللی می‌توان از صندوق بین‌المللی پول و همزاد آن، بانک جهانی نام برد که در اکثر بحران‌های مالی جهانی و ملی می‌توان رد پای این نهاد را یافت.

صندوق بین‌المللی پول چیست؟

صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در سال ۱۹۴۴ در یک کنفرانس در برتن وودز نیوهامپشایر ایجاد شد و درحال حاضر، مقر آن در شهر واشنگتن‌دی‌سی است. صندوق بین‌المللی پول در اصل برای ترویج همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی و ارائه وام‌های کوتاه‌مدت به کشورهای عضو طراحی شد، به‌گونه‌ای که آنها بتوانند با سایر کشورها (برای رسیدن به توازن تراز پرداخت‌ها) تجارت کنند.

به گزارش اقتصادآنلاین به نقل از وقایع اتفاقیه ، از زمان بحران بدهی دهه ۱۹۸۰، صندوق بین‌المللی پول نقش نجات کشورها در بحران مالی را (که عمدتا به‌دلیل سفته‌بازی پول در اقتصاد کازینویی جهانی بوده است) با بسته‌های وام ضروری مرتبط با شرایط معین که اغلب به سیاست‌های تعدیل ساختاری ارجاع شده‌اند، برعهده گرفت. صندوق بین‌المللی پول، اکنون مانند یک وام جهانی عمل کرده و اهرم عظیمی را بر اقتصاد بیش از ۶۰ کشور اعمال می‌کند. این کشورها برای دریافت وام، کمک‌های بین‌المللی و حتی کاهش یا لغو بدهی‌های خود مجبور به پیروی از سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول می‌شوند؛ بنابراین صندوق بین‌المللی پول تصمیم می‌گیرد که کشورهای بدهکار به چه میزانی بتوانند منابع خود را بر آموزش، بهداشت و درمان و حفاظت از محیط‌زیست صرف کنند. صندوق بین‌المللی پول، یکی از قدرتمندترین مؤسسات روی زمین است، با این‌همه، هنوز عده زیادی نمی‌دانند که این مؤسسه چگونه کار می‌کند.

برنامه‌های تعدیل ساختاری صندوق بین‌المللی پول، فقرا را تضعیف می‌کند

صندوق بین‌المللی پول – به همراه سازمان تجارت جهانی و بانک جهانی – اقتصاد جهانی را در مسیر نابرابری بیشتر و نابودی محیط‌زیست قرار داده است. سیاست‌های تعدیل ساختاری صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی از طریق ملزم کردن کشورها به قطع هزینه‌های آموزش، بهداشت و درمان، حذف یارانه‌های غذا و حمل‌ونقل، بی‌ارزش کردن پول ملی برای ارزان‌تر شدن صادرات، خصوصی‌سازی دارایی‌های ملی و فریز کردن دستمزدها از بازپرداخت بدهی‌های کشورهای وام‌گیرنده حصول اطمینان می‌کنند. چنین اقداماتی که به‌عنوان سفت کردن کمربندها شناخته شده است، فقر را افزایش و توانایی کشورها را برای توسعه اقتصادهای داخلی نیرومند کاهش داده و به شرکت‌های چندملیتی اجازه می‌دهد کارگران این کشورها را استثمار کنند و محیط‌زیست را مورد بهره‌برداری تخریبی قرار دهند؛ برای مثال یک بسته وام اخیر صندوق بین‌المللی پول برای آرژانتین به کاهش حقوق پزشکان و معلمان گره خورده و کاهش در پرداخت‌های تأمین‌اجتماعی را دنبال می‌کند. صندوق بین‌المللی پول، نخبگان کشورهای جنوب را در برابر نخبگان جهان اول پاسخگوتر کرده تا نسبت به مردم خود؛ در نتیجه در حال تحلیل بردن

۱۰ دلیل مهم مخالفت با صندوق بین‌المللی پول

روند دموکراتیک است.

صندوق بین‌المللی پول در خدمت کشورهای ثروتمند و وال استریت است

برخلاف یک سیستم دموکراتیک که در آن همه کشورهای عضو، رأی برابر دارند، کشورهای ثروتمند تصمیم‌گیری‌های صندوق بین‌المللی پول را به‌واسطه قدرت رأیی که با میزان سهم پول پرداخته‌شده از هر کشور به صندوق بین‌المللی پول تعیین می‌شود، تحت تسلط خود دارند. این سیستمی براساس «یک دلار، یک رأی» بوده و ایالات‌متحده با یک سهم ۱۸ درصدی، بزرگ‌ترین سهامدار این صندوق است. قرارداشتن میزان نامتناسبی از قدرت در دست کشورهای ثروتمند، به معنی آن بوده که منافع بانکداران، سرمایه‌گذاران و شرکت‌های کشورهای صنعتی در صندوق، مقدم بر نیازهای اکثریت فقیر جهان است.

صندوق بین‌المللی پول، یک مدل توسعه اساسا ورشکسته را تحمیل می‌کند

برخلاف روند تاریخی طی‌شده ازسوی کشورهای صنعتی، صندوق بین‌المللی پول کشورهای جنوب را مجبور به اولویت‌دادن به تولید صادراتی بر توسعه اقتصادهای داخلی متنوع این کشورها می‌کند. نزدیک به ۸۰درصد از کودکان دچار سوء‌تغذیه در کشورهای درحال توسعه، در کشورهایی زندگی می‌کنند که کشاورزان آنها مجبور به تغییر تولید از غذا برای مصرف محلی به تولید محصولات صادراتی مقررشده به مقصد کشورهای ثروتمند شده‌اند. همچنین صندوق بین‌المللی پول درحالی مزایایی مانند کاهش اجباری هزینه نیروی کار برای شرکت‌های چندملیتی ارائه کرده که کشورها را ملزم به حذف کمک به صنایع داخلی می‌کند. کسب‌وکارهای کوچک و کشاورزان در چنین شرایطی قادر به رقابت نیستند. کارگران کارگاه‌های بهره‌کشی راه‌اندازی‌شده در مناطق آزاد تجاری ازسوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، دستمزدهای گرسنگی دریافت کرده و در شرایط رقت‌انگیز، زندگی می‌کنند و قادر به تأمین خانواده‌هایشان نیستند. چرخه فقر نه‌تنها حذف نشده بلکه مانند بدهی دولت به صندوق بین‌المللی پول، رشد و تداوم یافته است.

صندوق بین‌المللی پول، یک نهاد پنهانکار و بدون هیچ‌گونه پاسخگویی است

منابع مالی صندوق بین‌المللی پول از پول مالیات‌دهندگان تأمین می‌شود؛ بااین‌حال، در پشت پرده‌ای از محرمانگی و نهانکاری عمل می‌کند. اعضای جوامعی که تحت‌تأثیر این صندوق قرار دارند، در طراحی بسته‌های وام مشارکت ندارند. صندوق بین‌المللی پول برای طراحی سیاست‌ها فقط با گروه برگزیده‌ای از مقامات بانک‌های مرکزی و وزرای دارایی بدون حضور سایر نمایندگان دولت‌ها مانند بخش‌های بهداشت و درمان، آموزش و محیط‌زیست عمل می‌کند. این نهاد تاکنون در برابر فراخوان‌ها برای بازرسی عمومی و ارزیابی مستقل مقاومت کرده است.

سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول، منافع شرکت‌ها را افزایش می‌دهد

کشورها برای افزایش صادرات، تشویق به دادن معافیت‌های مالیاتی و یارانه به صنایع صادراتی می‌شوند. دارایی‌های عمومی، از قبیل جنگل‌ها و صنایع خدمات همگانی دولتی مانند شرکت‌های تلفن، آب و برق به ارزان‌ترین قیمت به سرمایه‌گذاران خارجی فروخته می‌شوند. در گویان یک شرکت چوب آسیایی به نام «باراما»، یک امتیاز انحصاری ورود دریافت کرد که یک‌ونیم برابر کل همه زمین‌هایی بوده که در اختیار جوامع بومی

قرار داده شده بود. باراما همچنین یک معافیت پنج‌ساله مالیاتی نیز دریافت کرد. صندوق بین‌المللی پول، هائیتی را مجبور به گشایش بازارش به روی واردات برنج شدیدا یارانه‌ای از ایالات‌متحده کرده و همزمان هائیتی را از پرداخت یارانه به کشاورزان خود منع کرد. درحال‌حاضر، نزدیک به ۵۰ درصد از برنج مصرفی هائیتی ازسوی یک شرکت ایالات‌متحده به نام برنج اصلی در این کشور فروخته می‌شود.

صندوق بین‌المللی پول به کار گران صدمه می‌زند

صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی مرتبا به کشورها توصیه می‌کنند برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی از طریق تضعیف قوانین کارشان برای مثال، حذف قوانین مذاکرات دسته‌جمعی و سرکوب دستمزدها اقدام کنند. این صندوق با «انعطاف‌پذیری نیروی کار» همچون یک سرود، هوی و هوس شرکت‌ها را برانگیخته و آنها را مجاز به انتقال به مکان‌هایی با ارزان‌ترین دستمزدها می‌کند. طبق گزارش توسعه و تجارت سازمان ملل متحد، کارفرمایان از این «انعطاف‌پذیری» در قوانین کار به‌جای ایجاد شغل، برای بیرون‌انداختن کارگران استفاده می‌کنند. در هائیتی به دولت گفته شد تا یک ماده قانونی در قانون کار خود را که در زمان تورم بالای ۱۰ درصد، افزایش در حداقل دستمزد را اجباری کرده بود، حذف کند. در پایان سال ۱۹۹۷، حداقل دستمزد در هائیتی فقط ۴۰/۲ دلار در روز بود. کارگران در ایالات‌متحده نیز از سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول صدمه می‌بینند زیرا مجبور به رقابت با نیروی کار ارزان و است شمارشده سایر مناطق می‌شوند. سوءمدیریت صندوق بین‌المللی پول در بحران مالی آسیا، کره‌جنوبی، اندونزی، تایلند و کشورهای دیگر را در رکود عمیقی غوطه‌ور کرد که منجر به ایجاد ۲۰۰ میلیون «فقیر جدید» شد. صندوق بین‌المللی پول به کشورها توصیه کرد «راه خروج از بحران خود را در صادرات جست‌وجو کنند.» در نتیجه، هنگامی که فولاد آسیا در ایالات‌متحده ریخته شد، بیش از ۱۲ هزار نفر از کارگران فولاد اخراج شدند.

سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول بیش از همه به زنان صدمه می‌رساند

سیاست‌های تعدیل ساختاری، برای زنان، تأمین نیازهای اساسی خانواده‌هایشان را بسیار دشوارتر می‌کند. در شرایطی که هزینه‌های آموزش به‌دلیل شهریه تحمیل‌شده ازسوی صندوق بین‌المللی پول برای استفاده از خدمات عمومی افزایش می‌یابد، (به‌اصطلاح هزینه‌های استفاده از خدمات)، دختران اولین کسانی هستند که از مدارس بازمی‌مانند. هزینه‌های استفاده‌کنندگان از خدمات در درمانگاه‌های عمومی و بیمارستان‌ها، مراقبت‌های بهداشتی را برای کسانی که بیشتر به آن نیازمند هستند، غیرقابل دسترس کرده است. تغییر جهت کشاورزی به محصولات صادراتی نیز تغذیه اعضای خانواده‌های زنان را دشوارتر می‌کند. هر قدر که مقررات دولت در ارتباط با محل‌های کار به عقب برگشته و سوءاستفاده‌های کارگاه‌های بهره‌کشی افزایش یافته است، زنان مورد استثمار بیشتری قرار گرفته‌اند.

سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول به محیط‌زیست آسیب می‌رساند

وام‌های صندوق بین‌المللی پول و بسته‌های نجات آن، راه را برای بهره‌برداری از منابع طبیعی در کشورهای وام‌گیرنده در مقیاسی عمیقا شوک‌آور هموار می‌کند. صندوق بین‌المللی پول، تأثیرات زیست‌محیطی سیاست‌های وام‌دهی را در نظر نمی‌گیرد و وزارتخانه‌ها و گروه‌های زیست‌محیطی نیز در این سیاست‌گذاری‌ها نقشی ندارند. تمرکز بر رشد صادرات درراستای به‌دست‌آوردن ارز برای بازپرداخت وام‌ها، منجر به ازبین‌رفتن منابع طبیعی و ناپایدارکردن این منابع شده؛ برای مثال، افزایش اتکای ساحل‌عاج بر صادرات کاکائو، منجر به ازبین‌رفتن دوسوم جنگل‌های این کشور شده است.

صندوق بین‌المللی پول، بانکداران ثروتمند را در ایجاد یک مخاطره اخلاقی و بی‌ثباتی بیشتر در اقتصاد آزاد گذاشته است

این صندوق به‌صورت معمول، کشورها را برای مقررات‌زدایی از سیستم‌های مالی تحت فشار قرار می‌دهد. حذف مقرراتی که می‌توانند سفته‌بازی را محدود کنند، سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی کشورهای درحال‌توسعه را به میزان زیادی افزایش داده است. هر روز بیش از ۵٫۱ میلیارد دلار از مرزها عبور می‌کند. بیشتر این سرمایه به‌صورت کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاری شده و کشورها را در هوای سفته‌بازی مالی قرار داده است. بخشی از بحران پزوی سال ۱۹۹۵ مکزیک، نتیجه این سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول بود. هنگامی که حباب ترکید، صندوق بین‌المللی پول و دولت ایالات‌متحده با استفاده از پول مالیات‌دهندگان برای پشتیبانی و سرپانگه‌داشتن نرخ‌های بهره و ارز، به نجات بانکداران وال‌استریت اقدام کردند. این قبیل کمک‌های مالی، سرمایه‌گذاران را تشویق به تداوم شرط‌بندی‌های سفته‌بازانه و مخاطره‌آمیز کرده که در نتیجه، موجب افزایش بی‌ثباتی اقتصادهای ملی می‌شود. صندوق بین‌المللی پول در دوره کمک مالی به کشورهای آسیایی، این دولت‌ها را ملزم به تقبل بدهی‌های لاوصول بانک‌های خصوصی و بنابراین پرداخت عمومی هزینه‌ها و تخلیه و دور کردن باز هم بیشتر منابع از برنامه‌های اجتماعی کرد.

طرح‌های نجات صنظدوق بین‌المللی پول به‌جای حل‌بحران اقتصادی، آن را عمیق‌تر می‌کند

در بحران‌های مالی مانند بحران مکزیک در سال ۱۹۹۵ و همین‌طور کره‌جنوبی، اندونزی، تایلند، برزیل و روسیه در سال ۱۹۹۷، صندوق بین‌المللی پول به‌عنوان قرض‌دهنده در آخرین راه چاره وارد شد. بااین‌حال، طرح‌های نجات صندوق بین‌المللی پول در بحران مالی آسیا، هراس مالی را متوقف نکرد. در عوض، بحران عمیق‌تر شد و به کشورهای بیشتری توسعه یافت. سیاست‌های اعمال‌شده بر شرایط این وام‌ها همچون داروهایی فاسد بودند. اجرای آنها در کوتاه‌مدت سبب اخراج‌ها شده و در بلندمدت توسعه را تحلیل می‌برد. صندوق بین‌المللی پول در کره‌جنوبی با افزایش نرخ بهره، رکودی را سبب شده که منجر به ورشکستگی‌ها و بیکاری بیشتر شد. تحت اصلاحات اقتصادی تحمیلی صندوق بین‌المللی پول، بعد از به‌اصطلاح نجات پزو در سال ۱۹۹۵، شمار مکزیک‌هایی که در فقر شدید زندگی می‌کردند، بیش از ۵۰ درصد افزایش و میانگین ملی حداقل دستمزد، ۲۰ درصد کاهش یافت.





امیرحسین خالقی
دکترای سیاست‌گذاری دانشگاه تهران

گردش نخبگان در اقتصاد بازار

وقتی میلتن فریدمن فقید به چین سفر کرد، او را برای بازدید از یک پروژه ساخت کانال دعوت کردند. اقتصاددان مشهور از چینی‌ها پرسیده بود چرا در این پروژه از بولدوزر و ماشین‌های خاکبرداری استفاده نمی‌کنید و کار را سخت می‌کنید؟ به او پاسخ داده بودند حواسمان به این هست، ولی می‌خواهیم اشتغال بیشتری ایجاد کنیم. فریدمن پاسخ داده بود: فکر کردم می‌خواهید کانال بسازید، در حالی که پروژه واقعی شما ایجاد شغل است، پس بهتر است بیل را از کارگران بگیرید و به هر کدام یک قاشق بدهید، به این شکل شغل بیشتری هم ایجاد می‌شود!

در یک نگاه کلی، با به بازار آمدن نوآوری‌ها، چیزی از بین می‌رود، غریب نیست اگر پیشرفت فناوری و ارائه محصولات تازه برخی مشاغل، شیوه‌های تولید و ابزارهای پیشین را غیرضروری سازد اما از آن سو، چیزی تازه هم پدید می‌آید و جایگزین قبلی می‌شود، آنچه پیش‌تر پرهزینه‌تر و دشوارتر بود، اکنون ارزان‌تر و ساده‌تر انجام می‌شود. این الگوی به بازار آمدن نوآوری‌ها و از بین رفتن کهنه‌ها را تخریب خلاق (یا ویرانگری آفرینشگر) می‌نامند. تخریب خلاق درست همان چیزی است که پیشرفت‌های شگرف دوپست و چند سال اخیر را به بار آورده است، چیزی که ژوف شومپیتر اتریشی آن را ذات سرمایه‌داری و روح زاینده آن می‌داند. شومپیتر که ایده تخریب خلاق را از اندیشه‌های مارکس و پیروان وی وام گرفته بود، با بررسی تاریخی از سال‌های میانه قرن ۱۸ تا میانه‌های قرن ۲۰ نشان داد در واقع با انقلاب‌های گاه و بیگاه روبه‌رو بوده‌ایم که ساختار اقتصادی پیشین را نابود می‌کند و ساختاری تازه را جای آن می‌نشانند، بانی این انقلاب‌ها که از دل نظام اقتصاد موجود برمی‌خیزند، کسی جز کارآفرینان (entrepreneurs) نیستند. کارآفرینان هم به دنبال رانت (rent) و انحصارند و به این انگیزه خطر می‌کنند. اما این نوع رانت کارآفرینانه نه تنها بد نیست بلکه به افزایش ثروت و رفاه جامعه هم کمک می‌کند.

صاحبان سرمایه پیشین جای خود را به تازه از راه رسیده‌ها می‌دهند، کسانی این را مصداقی از «گردش نخبگان» در اقتصاد بازار آزاد دانسته‌اند. در آغاز «تخریب خلاق» در معنایی نه چندان مثبت به کار برده می‌شد، انگار که ترفندی است که سرمایه‌داری با آن از بحران‌های درونی‌اش می‌گریزد و آن را به تأخیر می‌اندازد. اما با شومپیتر تخریب خلاق مفهومی مثبت‌تر به خود گرفت و محرک پیشرفت سرمایه‌داری به شمار آمد. با این حال او هم پیش‌بینی می‌کند که سرانجام سرمایه‌داری را دستاوردها و موفقیت‌هایش از پا در می‌آورد!

این جهش (mutation) را به ویژه در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات (فائو) ملموس‌تر می‌توان دید که شیوه‌های تازه را جایگزین قدیمی‌ترها کرده است. به تازگی از رئیس صنف مشاوران املاک نقل کرده‌اند که او تهدید کرده است برنامه‌نامک (app) «دیوار» را خراب می‌کند زیرا باعث افزایش بیکاری شاغلان این صنف شده است، از منظر صنفی حرف وی ناموجه نیست، ولی این از «بیکار» شدن برخی و «کاردار» شدن



دردسرهای بازنشستگی در مشاغل سخت

سختی کار، خطرات و آسیب‌های جسمی و روحی مشاغل سخت را که کنار بگذاریم، مساله مهم‌تر به تأخیر افتادن موضوع مهم بازنشستگی شاغلان مشاغل سخت است.

در سال‌های گذشته افزایش شمار کسانی که بازنشستگی آنها در این مشاغل به تأخیر می‌افتاد، باعث شد مسئولان برای حل آن متوسل به انجام دو کار عمده شوند: دادن مهلت پرداخت به کارفرمایان برای سهم ۴ درصدی که در قانون مشاغل سخت از سوی کارفرمایان باید پرداخت شود و پرداخت این میزان حق بیمه از سوی تامین اجتماعی در صورت عدم توانایی کارفرمایان. با این کار مسئولان تامین اجتماعی نیز به کمک این دسته از مشاغل آمدند تا مشکل آنها سریع‌تر حل شود اما موضوع مشاغل سخت به گفته مسئولان و به‌ویژه وزیر کار در گرو حمایت‌های دیگری هم هست که از جمله راحت‌تر کردن محیط‌های کاری برای شاغلان و کمک دولت به این دسته از مشاغل و از طرفی تامین امکانات رفاهی توسط تامین اجتماعی برای آنهاست. به گفته وی، مشاغل سخت نوعی مرگ خاموش است و لازم است دولت مداخله بیشتری برای حل مشکلات آنها داشته باشد.

در حال حاضر به گفته مسئولان تامین اجتماعی ۲۰ درصد از مستمری‌بگیران مشمول قانون مشاغل سخت و زیان‌آور هستند که تعداد این افراد را در مجموع بیش از ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر و میزان مستمری پرداخت شده به آنان ۵ هزار میلیارد تومان در سال است.

همانطور که سازمان تامین اجتماعی تعیین کرده، قانون بیمه مشاغل سخت و زیان‌آور به‌طور خلاصه شامل این مزیت است که چون این دسته از رشته‌های شغلی به‌نوعی برای سلامت شاغلان مضر هستند، در خدمات بیمه تامین اجتماعی هر یک سال فعالیت آنان، یک و نیم سال محاسبه می‌شود تا بتوانند پس از بیست سال بازنشسته شده و از ادامه آسیب‌های جسمی آنها جلوگیری شود. مدت زمان این افراد برای بازنشستگی ۲۰ تا ۲۵ سال است و از جمله خطراتی که آنها را تهدید می‌کند، ضعف بینایی، کاهش شنوایی، آسیب‌های جسمی و حرکتی، بروز مشکلات قلبی عروقی و تنفسی، انواع فشارهای عصبی و ... است. با این حال شاغلان مشاغل سخت هنوز برای دریافت سهم خود از بازنشستگی مشکلاتی دارند. یا به دلیل تغییر عناوین شغلی مشمول مزایای بیمه‌ای مشاغل سخت نمی‌شوند یا در ارائه دقیق اطلاعات شغلی خود دقیق عمل نمی‌کنند برای مثال به گفته کارشناسان

بازار کار به دلیل پراکنده بودن سوابق بیمه‌ای، غیرمنظم واریز شدن فهرست حق بیمه‌ها از سوی کارفرمایان، اعمال سلیقه در اجرای قانون، وجود تعاریف متفاوت از مشاغل سخت و زیان‌آور، مغایرت عنوان شغلی و تلاش برای اثبات هویت شغلی همه و همه از مشکلات پیش‌روی بیمه‌شدگان شاغلی است که باعث سرگردانی این دسته از افراد شده است.

عطف شدن قانون به ماسبق

به اعتقاد برخی از کارشناسان حذف برخی از مشاغل از شمار مشاغل سخت نیز باعث به دردسر افتادن افرادی می‌شود که در گذشته تحت عنوان مشاغل سخت کار می‌کردند. به باور آنها قانون نباید عطف به ماسبق شود و اگر قرار است تصمیمی برای حذف یک شغل سخت گرفته شود، باید کارگرانی را دربر گیرد که از امروز استخدام می‌شوند نه کارگری که ۱۹ سال کار کرده و حالا یک سال دیگر می‌خواهد بازنشسته شود. البته برنامه ششم این مزیت را داشت که توانست حذف مشاغل سخت و زیان‌آور را بردارد تا دیگر بندی در این رابطه وجود نداشته باشد.

احمد لطفی‌نژاد، مشاور وزیر کار در این رابطه می‌گوید: در باب مشاغل سخت البته باید گفت قانون یا مقررات تغییری نکرده که به زیان مشمولان این مشاغل تمام شود. با این حال براساس آنچه در قانون وجود دارد، برخی از موارد هست که باعث می‌شود افراد به‌موقع بازنشسته نشوند؛ یک اینکه عناوین شغلی آنها تغییر می‌کند و دیگر اینکه در بررسی‌های آلاینده سنجی آن مشاغل جزو مشاغل سخت به‌شمار نمی‌آیند.

عدم وجود شفافیت در ثبت اطلاعات افراد بیمه شده

وی توضیح می‌دهد در این صورت باید هم در ارائه فهرست افرادی که در این مشاغل مشغول فعالیت هستند، شفافیت صورت گیرد و هم اینکه کسانی که در یک فعالیت مشغول اند، از این نظر که کار آنها جزو مشاغل سخت است یا نه، مورد بررسی قرار گیرند. البته ناگفته نماند مهم‌تر هم این است که خود افرادی که در این حرفه‌ها مشغول اند، بدانند در فهرست‌های بیمه‌ای کار آنها مشمول مشاغل سخت می‌شود یا نه.



گفت و گو با دستفروش آبادانی که شهرتش جهانی شد؛

بدون شک خلاقیت بنیادی‌ترین ظرفیت انسان و اصلی‌ترین عامل شکل‌گیری ارزش به شمار می‌رود که در تمامی زوایای زندگی نقش تاثیرگذار ایفا می‌کند، در این بین افراد خلاق محکومند که دیده شوند و فضاهای بی‌حد و بدون نهایت مجازی که این روزها «مرز» و «جغرافیا» را به شوخی تبدیل کرده‌اند، محلی برای عرضه آنها.

چهره شدن در این فضاهای مجازی گاهی اوقات ارتباط مستقیم و تعاملی به اندازه خلاقیت آدم‌ها دارد؛ 'حسن بغلانی' که تاکید بسیاری دارد او را «حسن برزلی» صدا کنیم، دستفروشی است که این روزها یکی از چهره‌های دنیای مجازی به شمار می‌رود؛ داستان این شهرت او با «کنار خیابان»، «بلندگو»، «تصویربرداری موبایلی»، «اشتراک‌گذاری اینستاگرامی» و البته «خلاقیت» رابطه مستقیم دارد؛ اما شاید مشخصه بارز این گفت و گو تصویر متناقضی بود که از حسن اینستاگرامی تا حسن واقعی دیدم، او وقتی روبرویم نشست، کمتر می‌خندید، تحلیل می‌کرد و پاسخ‌هایی مستدل و وزن‌دار می‌داد.

**** اصل و اصیل آبادانی هستی؟** بله و اجداد نیز آبادانی بودند. **** متولد چه سالی؟** متولد ۱۳۶۰ در ابهرم، ولی نوزاد بودم که به

آبادان برگشتیم و دارای شناسنامه‌ای آبادانی هستیم.

**** یعنی در طول روزهای جنگ هم در آبادان بودی؟**

بله، خاطر من است در سال ۶۳ یا ۶۴ در محله کفیشه و در کوچه سینما بهمنشیر زندگی می‌کردیم، در مجموع، آبادان را برای مدت بسیار کوتاهی ترک کردیم و مجدداً برگشتیم.

**** چرا اینقدر زود و در آن شرایط بحرانی و جنگی به آبادان برگشتید؟**

خاک آبادان دامنگیر است، همین الان هم که این شهر را نگاه کنید با وجود تمامی آثار باقی‌مانده از جنگ و بدی آب و هوا این خاصیت را از دست نداده است، به همین خاطر برگشتیم.

**** یعنی پدرت به واسطه تعلق خاطر به خاک و بوم، خانواده را به منطقه‌ای جنگی منتقل کرد؟**

پدرم در پتروشیمی آبادان شاغل بود و زمان جنگ را کاملاً در آبادان سپری کرد، مادرم به همراه بچه‌ها شهر را ترک کرده بود که بعد از به دنیا آمدن من دوباره به زادگاهش برگشت.

**** در روزهای جنگ چه مدت را در آبادان ماندید؟**

مدتی ماندیم و بعد از آنکه به واسطه‌ی بمباران شدید، سقف خانه‌ی بهمنشیرمان آوار شد، ابتدا به بندر امام و کمپ جنگ‌زده‌های این شهر و پس از آن نیز به جراحی رفته و سال ۷۰ مجدداً به آبادان برگشتیم.

**** چگونه ممکن است کودکی که در روزهای زندگی‌اش برای شادی، جنگ را می‌بیند و سقف خانه بر سر او و خانواده خراب می‌شود، این روزها به شخصیتی تبدیل می‌شود که شوخ‌طبعی و خلاقیت بارزه اصلی وجودی‌اش است؟**

خیلی مهم است که انسان خودش را بپذیرد، در تمامی طول عمرم نقاب نزد و سعی کردم همیشه خودم باشم، همانطور که خدا خلق کرده، همه یک سری حسن‌ها و یک سری بدی‌ها در وجود خود دارند، من نیز با همه این فرازها و فرودها کنار آمدم.

**** یعنی به قول محاوره و خودمانی «به خودت سختی نمی‌دهی»؟**

گریه، خنده، شوخی و عبوس بودن همه جزئی از زندگی هستند و باید در کنارشان زندگی کنیم.

**** با همه‌ی این کنش‌های روزمرگی سازگار شدی؟**

سعی کردم با همه‌ی اینها بسازم و امروزم را زیبا زندگی کنم.

**** ولی آن چیزی که در فضای عمومی نشان می‌دهی، اثری از سختی‌هایی که کشیدی ندارد؟**

سختی‌هایی که کشیدم در آینده نمی‌تواند تاثیر بگذارد، امروز سختی را متحمل شدم و ربطی به فردا ندارد، به دلیل سختی‌ها حسن‌هاییم را فراموش و سرکوب نمی‌کنم، کلمه انسان از انس می‌آید، باید از این حسن خلق برای محبوب شدن بین مردم استفاده کنید، در کل شوخ‌طبعی من ذاتی است.

**** این شوخ‌طبعی از کجا منشا می‌گیرد؛ یعنی ریشه در خانواده‌ها دارد؟**

در بین خانواده هم همین‌طور هستیم، از اخلاق خودم لذت می‌برم و سعی می‌کنم رابطه‌ی اجتماعی مثبتی داشته باشم.

**** این استفاده از جنبه‌های نرم شخصیتی و شوخی‌های زیاد، نوعی بازاریابی کاری محسوب می‌شود؟**

خیر، همیشه اخلاقم این‌طور بوده، ولی در کل در بازار اگر با مردم خوب رفتار شود، مشتری ثابت می‌شوند، کلیبی که از من منتشر شده نیز، خود نقشی در شکل‌گیری آن نداشتیم و این کار روزمره من است. داشتیم فکر می‌کردم که رهگذری ۲ دقیقه از من فیلم گرفته و تا این اندازه باز خورد داشته، اگر بخواهند از زندگی‌ام فیلم بسازند، تولیدی سرتاسر خنده می‌شود.

شوخ‌طبعی، انسانیت و اخلاق خوب نعمتی است که باید به نحو احسن از آن استفاده کرد، حدود ۷ سال است که ازدواج کرده‌ام و یادم نمی‌آید در طول این مدت مشکلی با اعضای خانواده داشته باشم، حتی کارهایی که می‌خواهم برایم انجام دهند را هم با شوخی می‌گویم.

**** پس این شوخ‌طبعی باعث شده که رابطه خوبی با همسر و فرزندان داشته باشی؟**

چهار فرزند دارم، اگر خوش‌اخلاق هستی؛ باید در ابتدا با همسر و فرزندت مهربان باشی، همانگونه که ما در خانه با هم مهربان هستیم؛ در این بین تاثیر ارادت به ائمه نقش بسزایی در روحیه من داشته است.

**** این ارادت چگونه در وجودت شکل گرفته است؟**

در محرم برای امام حسین(ع) مقتل خوانی انجام می‌دهم، علاوه بر آن به کربلا و نجف می‌روم و روضه می‌خوانم.

مصائب اهل بیت را تنها به عشقشان می‌خوانم، دارای تکیه‌ای بزرگ در کنار اردوگاه میثاق هستم و هر ساله در محرم در این محل مراسم برپا می‌کنیم.

این کارها باعث شده خدا روزی‌ام را زیاد کند؛ رزق فقط پول نیست، سلامتی خود و خانواده‌ام هم نوعی روزی هستند، خانواده خیلی شاد و خوبی دارم، در نداری می‌خندیم و در زمان دارا بودن هم به همین صورت هستیم، در کل زندگی قشنگی داریم.

هر شخصی که از بیرون من را می‌بیند حتماً پیش خودش می‌گوید این مرد «جوکر» است ولی من اینگونه به این موضوع نگاه می‌کنم که خداوند چند استعداد به من داده که از آنها به خوبی استفاده می‌کنم.

مثلاً صدای خوبی دارم یا اینکه حتی از آدم‌های بد هم بدم نمی‌آید به عبارتی صاف زندگی می‌کنم، به این نتیجه رسیدم که از بدی‌ها هم می‌توانم خوبی یاد بگیرم و تا تاریکی نباشد قدر روشنائی را نمی‌دانیم.

ما کامل‌ترین موجودات هستیم ولی بعضی از انسان‌ها نمی‌توانند از این همه نعمتی که در اختیارشان قرار داده شده به خوبی سود ببرند. تمامی مقدرات خدا زیبا هستند و هر وقت به این حد باور برسید، همیشه شاد خواهید بود، تا به حال از نداری و مشکلات گریه نکرده‌ام و همیشه سعی داشتیم، شاد باشیم تا همه از در کنارم بودن لذت ببرند.

بزرگ‌ترین ثواب این است که بتوانید یک انسان را بخندانید.

**** به این باور رسیده‌ای که با شهرت بدست آمده از سوی کلیپ‌های اینستاگرامی به فرد محبوبی تبدیل شده‌ای؟**

قبل از این کلیپ‌ها نیز محبوب بودم و در شهر مرا می‌شناختند، این باور را دارم که همه دوستم دارند، زیرا با همه اقشار جامعه خوب برخورد می‌کنم، در این میان برای شاد کردن مردم هم جملاتی به طنز می‌گویم.

*** این گفته‌ها در کلیپ‌های منتشر شده بداهه هستند یا برای ادای آنها از قبل برنامه‌ریزی می‌کنی؟

بداهه بوده و نیازی به فکر کردن ندارند.

***محبوبیتی که در فضای مجازی پیدا کردی شبیه برخی آدم‌های محبوب‌شده که به نوعی بی‌دلیل و بدون منطقی شناخته شده‌اند، نیست، خود تو این تفاوت را چطور تحلیل می‌کنی؟

عقیده دارم همه به خاطر خودم دوستم دارند.

*** حسن بغلانی را این روزها همه به عنوان «دستفروش خلاق» می‌شناسند، با این لقب راحتی؟

بله، بعضی وقت‌ها برای جذب مشتری باید خودت را نشان بدهی و من تنها خودم را نشانمی‌دهم.

*** در صفحه شخصی‌ات در اینستاگرام در مورد فضاهای ورزشی و به ویژه تیم فوتبال صنعت نفت هم صحبت کرده‌ای، قصد داری با توجه به «چهره شدن» در فضاهای مختلف اجتماعی ورود کنی؟

من به مدت ۳سال قهرمان بوکس خوزستان بودم، اظهار نظرم در خصوص فوتبال هم به این خاطر است که این رشته در خون هر آبادانی‌ست.

***می‌گویی ورزشی هستی و البته به عنوان یک شهروند خلاق، اتفاقاتی اخیر تیم فوتبال صنعت نفت را چگونه تحلیل می‌کنی؟

در کل به شدت از فحاشی بدم می‌آید و هر چیزی مراحل قانونی خودش را دارد، فحاشی کردن به حسن هوری اشتباه است و اشتباه‌تر از آن هم واکنش‌هایی بود که او در برنامه‌ی ۹۰ داشت.

*** قصد داری فعالیت‌هایت را در فضای مجازی گسترش دهی؟

خیر،به دنبال این کار نیستم، این فیلم‌ها را نیز خودم نگرفتم و هر رهگذری می‌تواند فیلمبردار و منتشر کننده آن باشد.

***دستفروش خلاق آبادان خود را انسان 'شاد' معرفی کرد، فکر می‌کنی ۱۰ یا ۱۵ سال آینده که به سرانشیبی زندگی بررسی باز هم انسان خوشحالی باشی؟

خوشحالی من مربوط به امروز است، کاری به آینده ندارم، نه اینکه آینده‌نگر نباشم ولی در آینده سیر نمی‌کنم، زیرا از آن خبری ندارم و گذشته را هم دیگر نمی‌توان تغییر داد، به همین دلیل در امروز زندگی می‌کنم، خداوند امروز حق زندگی را به من داده و خوب نیست که بخاطر فردا و پس فردایی که در دستم نیست شادی‌ام را خراب کنم.

*** خودت را شخصیتی اخلاق‌مدار و شاد معرفی کردی در حالی که شرایط شغلی‌ات (دستفروشی)

ممکن است منجر به ناراحتی برخی از همشه‌ریانت بشود.

نماینده‌ی دست‌فروشان خیابان امام خمینی (ره) آبادان هستم و نشست‌هایی نیز در این خصوص با مسئولان داشتم تا این مشکل حل شود.

*** پیشنهاد انتقال دستفروشان به 'بازار شب' را چطور می‌بینی؟

من و آقای خادمی از موسسان این بازار بودیم که خیلی هم ضرر کردیم، مشکلات شهر آبادان دستفروش‌ها نیستند.

*** یعنی با ساماندهی دستفروشان موافق نیستی؟

ساماندهی خوب است ولی ما از مهم، مهم‌تر هم داریم، من نماینده‌ی ۲۴۰ دستفروش هستم، در بین این‌ها افرادی هستند که هر کدام دو فروشنده دارند که در بین آن فروشنده‌ها افرادی با مدرک لیسانس برای دستفروشان کارگری می‌کنند.

*** در این بین به خاطر وجود آمدن این بی‌نظمی شهری، به عابر پیاده و مغازه‌دار هم حق می‌دهی؟

بله، ولی عابر پیاده را خود دستفروشان به اینجا کشیدند.

*** یعنی معتقدی که دستفروشان جذابیت این منطقه هستند؟

بله، ما یک هفته نبودیم، مغازه‌دارها اعتراض کردند که دستفروش‌ها را برگردانید؛ مغازه‌های ما پاخور ندارند.

روزی پدری با دخترش آمد و قیمت ماتویی را پرسید؛ من هم گفتم ۳۵ تومان که سه رنگ از آن را انتخاب کرد، به او گفتم هر مانتو ۳۰ هزار تومان ولی او در نهایت ۳۲ هزار تومان بابت هر مانتو داد، چند قدم که دور شدند با چشمانی پر اشک برگشت و گفت من مانتو را در یک مغازه ۱۳۰ تومان قیمت کردم، سه دختر دارم و با این حقوق ناچیز نمی‌توانستم برای هر سه آنها لباس بخرم و داشتم شرمندگی فرزندانم می‌شدم که این مانتو را پیش شما دیدم. با شنیدن این حرف‌ها خیلی از کارم راضی شدم؛ اصلا دستفروشی برایم عیب و عار نیست.

نماینده ۲۴۰ دستفروش هستم

پیش از انتشار کلیپ‌ها

نیز محبوب بودم

محدودیت ابزارهای توسعه تجارت فرامرزی

کشورهای چین، امارات متحده عربی، عراق، ترکیه و جمهوری کره عمده‌ترین مشتریان انواع محصولات ایرانی به شمار می‌روند که مجموعاً حدود ۷۰ درصد محصولات و کالاهای غیرنفتی را از نظر وزنی و حدود ۶۵ درصد این محصولات را از نظر ارزش دلاری خریداری کرده‌اند.

در فهرست واردات انواع محصولات و کالاهای غیرنفتی نیز نام کشورهایی مانند چین، امارات، جمهوری کره و ترکیه که جزو عمده‌ترین خریداران محصولات ایرانی به شمار می‌روند، به ثبت رسیده است که به همراه آلمان جزو عمده‌ترین کشورهای طرف معامله فهرست وارداتی ایران به شمار می‌روند و سهمی معادل ۶۰ درصد از نظر ارزش دلاری و حدود ۴۲ درصد از نظر وزنی را در این بازار از آن خود کردند و مابقی ۱۲۸ کشور صادرکننده انواع محصولات به ایران مجموعاً حدود ۵۸ درصد از نظر وزنی و ۴۰ درصد از نظر ارزش دلاری سهامدار بازار وارداتی ایران هستند. یکی از اهداف دولت در سال‌های اخیر، توسعه صادرات غیرنفتی بوده است. این هدف در برخی دولت‌های گذشته نیز مطرح بوده اما به دلیل مسائل

متعددی مانند وابستگی دولت به درآمدهای نفتی، این مهم هیچگاه به صورت شایسته محقق نشده است. ظاهراً عزم دولت در توسعه صادرات غیرنفتی جدی است اما مشکلات دیگری نیز از طرف بخش خصوصی مطرح می‌شود. اما چرا مبادلات ایران محدود به همین چند کشور آسیایی است و چرا با توجه به اینکه مدتی است از توافق برجام می‌گذرد، نتوانسته‌ایم بازارهای صادراتی خود را گسترش دهیم؟

مجیدرضا حریری، نایب رئیس اتاق ایران و چین: روابط بانکی اصلاح شود

۵ شریک اول تجاری ما در طی شش سال اخیر که تحریم‌ها شدت پیدا کرده و روابط بانکی ما محدود شده، شرکای آسیایی ما یعنی چین، امارات، کره، ترکیه و هند بودند. ۷۶ درصد از سهم صادرات ما مربوط به این کشورهاست و علت اصلی این موضوع عدم رابطه بانکی مناسب با جهان است. در حالی که ما نمی‌توانیم از طریق ال‌سی از بانک‌های مختلف دنیا خرید کنیم اما با این کشورها می‌توانیم روابط بانکی داشته باشیم. در عرض ۱۰ ماه اخیر که تغییرات جزئی در بانک‌های اروپایی پیش آمده، به همین نسبت هم تغییرات در مبادی واردات ما صورت گرفته است. کشورهای اروپایی ای که قبل از برجام در حوزه بازارهایی که ما از آنها کالا می‌خریم، نقش‌شان نزدیک به صفر شده بود، در یک سال اخیر پررنگ‌تر شده‌اند. به محض اینکه ما بتوانیم روابط بانکی واضح و مشخصی به شکل قانونی داشته باشیم، قاعدتاً می‌توانیم مبادی ورودی کالا را متنوع‌تر کنیم و برای تامین نیازهای داخلی به بازارهای متنوع‌تر دسترسی داشته باشیم. درباره صادرات اشکال اصلی این است که عمدتاً صادرکننده مواد خام و انرژی هستیم؛ بیش از ۶۰ درصد از ما را صادرات مواد



محمدحسین بر خوردار، فعال اقتصادی: هنوز باز کردن ال‌سی شفاف نیست

علت اینکه مبادلات ما تنها به چند کشور آسیایی محدود می‌شود، بحث بانکی است. هنوز باز کردن ال‌سی شفاف نشده است، به همین دلیل مجبوریم با کشورهایی که در دوران تحریم کار می‌کردیم، هنوز هم کار کنیم. راه‌حل این است که دولتمردان از جمله وزارت امور خارجه و وزارت اقتصاد در کشورهای اروپایی مذاکراتی داشته باشند و آنها را قانع کنند. مبادلات اروپایی‌ها با آمریکا آنقدر بالاست که اروپایی‌ها وحشت دارند که مبادا مورد تحریم‌های آمریکا قرار بگیرند.

ازاینرو با وجود اینکه خودشان هم آمادگی این را ندارند که با آمریکایی‌ها همکاری کنند چون در آنجا اقتصاد، اقتصاد خصوصی است و نه دولتی، این مساله زمان می‌برد؛ همانطور که تا به حال زمان برده است. مطابق با توافقنامه‌ای که ۱+۵ با ایران داشت، قرار بود این عملیات به صورت خودکار انجام شود ولی چون شرکت‌ها، شرکت‌های خصوصی هستند، هنوز هم وحشت دارند که مورد غضب آمریکا قرار بگیرند.

اولیه خام، میعانات، پتروشیمی، گاز، سنگ آهن و مواد معدنی تشکیل می‌دهد. قاعدتاً خریداران اینگونه مواد در دنیا خریداران متنوعی نیستند. کشورهایی می‌توانند خریدار مواد اولیه و انرژی باشند که در حال صنعتی شدن هستند که عمدتاً چین و هند و کره بوده‌اند که هم‌اکنون هم بازارهای صادراتی ما هستند. این کشورها بازارهای فروش مواد اولیه ما هستند و شاکله صادرات غیرنفتی ما را هم همین کشورها تشکیل می‌دهند. بخش دیگری از صادرات ما به دو کشور عراق و افغانستان است که این دو کشور به دلیل همسایگی می‌توانند بازارهای مناسبی باشند ولی بازارهای پایدار نیستند. لزوم تنوع بازار، چه درباره خرید کالا و چه درباره فروش کالا، مستلزم رابطه سیاسی مناسب با همه جای دنیاست. بازارهایی که هم‌اکنون داریم، بازار کشورهای است که با آنها رابطه سیاسی مستحکم‌تری داریم. تجارت فرامرزی به‌شدت تحت‌تأثیر دیپلماسی است. براساس تحریم دسترسی ما به بازارهای بین‌المللی کوتاه است؛ چه درباره خرید و چه فروش. یک تجارت فرامرزی پویا و بالنده، مستلزم دسترسی به ابزار مدرن است مانند سیستم بانکی، حمل‌ونقل و بیمه مناسب که به دلیل تحریم، ما در این چند ابزار تجارت فرامرزی دچار محدودیت‌ها و معذوریت‌هایی هستیم.

مهمترین مسائل اقتصادی سال ۲۰۱۷ از نگاه فوربس

سال گذشته این موقع سرمایه گذاران نگرانی وقوع رکود در آمریکا بودند، در حالیکه ارز چین تحت فشار نزولی شدیدی قرار گرفته بود و هراس از فرود سخت دومین اقتصاد بزرگ جهان، سرمایه گذاران را فراگرفته بود. این وحشت در آغاز سال ۲۰۱۶ به حدی رسید که شاخص اس اند پی ۵۰۰ بیش از ۱۰ درصد در ۲۰ روز نخست سال سقوط کرد با اینهمه در روزهای پایانی سال شاخص های بزرگ وال استریت در رکورد بالایی قرار دارند. در حال حاضر یک احیای جهانی هماهنگ در جریان است که سرمایه گذاران را نسبت به دورنمای اقتصادی آمریکا و جهان در سال ۲۰۱۷ خوش بین ساخته است. برآورد می شود رشد تولید ناخالص داخلی آمریکا در نیمه دوم سال به ۲۶ درصد در مقایسه با ۱۰۱ درصد در نیمه اول، تسریع شود. بازارها انتظار دارند بسته تدبیر مالی بزرگی در سال ۲۰۱۷ تصویب شده و رشد اقتصاد و تورم آمریکا را بالا ببرد. انتظار می رود رشد تولید ناخالص داخلی آمریکا از ۱۶ درصد در سال ۲۰۱۶ به حدود ۲۰۲ درصد در سال ۲۰۱۷ تسریع شود.

با توجه به خوش بینی که با نزدیک شدن به پایان سال وجود دارد، پایگاه اینترنتی فوربس به بررسی موضوعات اصلی پرداخته که سرمایه گذاران باید در سال ۲۰۱۷ به آنها توجه کنند.

دلار قوی

انتظار برای رشد قوی تر اقتصاد و افزایش سریعتر نرخهای بهره در آمریکا نسبت به اروپا و ژاپن، ارزش دلار را به بالاترین سطح در ۱۴ سال اخیر رسانده است. دلار قوی احتمالاً بر فعالیت تولید و رشد صادرات آمریکا در سال آینده تاثیر منفی خواهد گذاشت.

این مسئله از این جهت مشکل آفرین است که تولیدکنندگان

آمریکایی از اواخر سال ۲۰۱۴ در رکود بوده اند در حالیکه دونالد ترامپ

در تبلیغات انتخاباتی وعده داده است مشاغل تولیدی بیشتری را به آمریکا بازگرداند. دلار قوی ممکن است مانع روند احیای تولید و صادرات شود.

همچنین دلار قوی ممکن است آسیب قابل توجهی به برخی از اقتصادهای بازار نوظهور وارد کند. بازارهای نوظهور سطح بالایی از بدهی به دلار آمریکا دارند که در صورت افزایش ارزش دلار، پرداخت آنها دشوارتر خواهد شد. این امر ممکن است به موج ورشکستگی شرکتهای بازارهای نوظهور منتهی شود که شرایط مالی اقتصادهای نوظهور را وخیم تر کرده و روند نزولی ارزهای آنها را که در حال حاضر هم بسیار ضعیف شده اند، تشدید می کند.

چین

نگرانی سرمایه گذاران نسبت به اقتصاد چین با نزدیک شدن به روزهای پایانی سال ۲۰۱۶ تخفیف پیدا کرده است و به نظر می رسد رشد اقتصادی چین تحت تاثیر تسهیل سیاستها و مقررات رگولاتوری در بازارهای املاک و وام دهی، تثبیت شده است. چین بار دیگر شاهد رشد دو رقمی قیمت مسکن و رشد وام دهی بوده است. شاخص قیمت مسکن نوساز ۷۰ شهر چین در نوامبر نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۱۰۵ درصد رشد کرد که سریع ترین نرخ رشد سال به سال این شاخص از سال ۲۰۱۰ بود. از سوی دیگر شاخص فاینانسینگ چین که رشد اعتبار این کشور را نشان می دهد، بر مبنای سالانه ۱۵۹ درصد رشد کرد که سریع ترین رشد فاینانس چین از سال ۲۰۱۳ بود.

اما در واقع ناترازی اقتصادی چین وخیم شده است. افزایش بدهی شرکتهای به عنوان سهمی از اقتصاد، تسریع روند خروج سرمایه و ضعف فزاینده یوان به

مشکلات سیستماتیک در چین اشاره دارد. در حالیکه چین اهرمهای سیاستی زیادی دارد که می تواند بکار گیرد، اما ناترازیها نگران کننده می شود. ریسک اختلافات تجاری با دولت جدید آمریکا یا مناقشه در دریای چین جنوبی به این ریسک اضافه می شوند و به راحتی می توان دید که چگونه مشکل چین ممکن است به سرعت به مشکل اقتصاد آمریکا و بازارها تبدیل شود.

افزایش نرخ های بهره

انتظارات برای رشد قوی تر اقتصاد و تورم آمریکا، تحت تاثیر انتظارات برای تدابیر مالی بوده که با استقراض دولت تامین می شوند. دورنمای مذکور بازار اوراق قرضه را تحت فشار قرار داده و بازه اوراق خزانه ۱۰ ساله آمریکا یک درصد از سطح اواخر سپتامبر رشد کرده است.

تصمیم بانک مرکزی آمریکا برای افزایش نرخ بهره مینا در ماه جاری و پیامی که به بازارها مخابره کرد تا منتظر سه دور افزایش نرخهای بهره در سال ۲۰۱۷ باشند، بازار اوراق قرضه را از ادامه روند تحکیم سیاست پولی مطلع ساخته است. آمارها نشان می دهد دولت های خارجی بیشتری اوراق خزانه آمریکا را فروخته و بر فشار بر بازده افزوده اند.

پیش بینی می شود بازده اوراق خزانه ۱۰ ساله پیش از پایان سال ۲۰۱۷ به بالای سه درصد صعود کند و ممکن است تا پایان سال ۲۰۱۸ در ۳۹۸ درصد قرار گیرد.

این مسئله برای بازار مسکن از نظر فروش و رشد قیمت مشکل آفرین خواهد بود زیرا قدرت خرید مصرف کننده کاهش پیدا می کند. مصرف کنندگان به نرخهای بهره پایینتر عادت کرده اند بنابراین افزایش نسبتاً اندک نرخها ممکن است تاثیر بیش از حدی بر تقاضای مصرف کننده و استقراض داشته باشد.

افزایش قیمت ها

بانک مرکزی آمریکا از زمان رکود کبیر بواسطه کاهش کم سابقه نرخ بهره و دو برنامه تسهیل مقداری پول، با تورم منفی و تورم اندک مقابله کرده است. در چند سال اخیر رشد کند اقتصاد آمریکا و جهان و ریزش قیمت انرژی از اواسط سال ۲۰۱۴، تورم قیمت را پایین تر از سطح معمول نگه داشته است. اما تصمیم اوپک برای کاهش تولید نفت و قویتر شدن رشد جهانی تا حدودی، تورم اندک اندک به سطح متعادلش برمی گردد. در آمریکا افزایش قیمت بیش از حد برای بهداشت و درمان، مسکن و خدمات به تورم قیمت بالاتر را هدایت می کنند.

رشد اندک بهره وری در آمریکا به فشارهای قیمت افزوده است زیرا هزینه های نیروی کار با روند سریعی رشد می کند. شرکتهای ناچار خواهند بود با افزایش قیمت های محصولاتشان یا متحمل شدن ضرر در درآمد، واکنش نشان دهند. اگر درآمد شرکتهای لطمه ببیند، قیمت های سهام هم ضربه خواهد بود و ورشکستگی شرکتهای به دلیل بدهی ممکن است افزایش پیدا کند.

ریسک های ژئوپلیتیکی

ریسک های ژئوپلیتیکی و تنش در جهان بالاتر از حد معمول باقی ماند. بریگزیت، احتمال فروپاشی منطقه یورو، جنبش های سیاسی عوام گرایانه در فرانسه و آلمان، مناقشه با ایران و کره شمالی، مناقشه مستقیم با روسیه در سوریه یا چین در دریای چین جنوبی از جمله این ریسکها هستند. هر کدام از این کاتالیزورها قابلیت ایجاد یک وحشت مالی و شوک اقتصادی در سراسر جهان را دارند.



USCIB
UNITED STATES COUNCIL FOR
INTERNATIONAL BUSINESS

پیش بینی آینده قدرت صنعتی ایران و جهان

شورای رقابت پذیری آمریکا با همکاری موسسه تحقیقاتی دیلویت

گزارش منتشر شده بیانگر وضعیت نامساعد ایران در میان کشورهای برتر صنعتی است. در ارزیابی های صورت گرفته در سال ۲۰۱۶ ایران رتبه ۶۷ را در میان کشورهای برتر صنعتی به خود اختصاص داد که در مقایسه با رتبه کشورهای ترکیه، مالزی و عربستان می توان گفت عدم تناسب وضعیت ایران به لحاظ دسترسی مناسب به عوامل تولیدی و رقابت پذیری نامناسب تولید صنعتی موجب شد تا ایران در این جایگاه قرار گیرد. جایگاه نامساعد ایران در میان کشورهای برتر صنعتی در حالی است که براساس این گزارش ایران دهمین کشور غنی به لحاظ ذخایر طبیعی و پنجمین کشور به لحاظ تعداد دانشجویان مهندسی است (همتراز با ایالات متحده و بالاتر از ژاپن و تایوان) است، با این حال سهم ایران به لحاظ تولید و صادرات جهانی کمتر از ۰/۵ درصد است. در این خصوص سه عامل «سهم ناچیز از ارزش ستانده صنعتی، اتکای عمده صادرات صنعتی بر مزیت های طبیعی و سهم ناچیز کالاهای با فناوری بالا در صادرات صنعتی» عمده دلایلی است که این جایگاه را برای ایران رقم زده است. مشکلات در کسب و کارها یکی دیگر از دلایلی است که به عنوان مهم ترین چالش های اقتصاد ایران برشمرده می شود. در این خصوص می توان به کمبود دسترسی به منابع مالی، افزایش هزینه های ناشی از فرآیندهای زمانبر و هزینه بر گمرکی و محدودیت های جذب سرمایه گذاری و فناوری اشاره کرد.

در این گزارش علاوه بر فهرست کشورهای برتر صنعتی نقش فناوری پیشرفته در ظهور مجدد قدرت های صنعتی به عنوان یکی از عوامل اصلی اثرگذار در بازگرداندن کشورهای آمریکا، آلمان، ژاپن و انگلیس به زمره ۱۰ کشور برتر یاد شده است. عاملی که به کارگیری فناوری های پیشرفته و اهتمام در تولید محصولات پیچیده را به همراه داشته است.

از سوی دیگر در این گزارش پیش بینی شده که روند رو به نزول



دو کشور برزیل و روسیه از مجموعه های کشورهای BRIC در زمینه رقابت پذیری صنعتی ادامه یابد. همچنین هند نیز به واسطه نآرامی های سیاسی و تاخیر در اجرای پروژه های زیرساختی با وقفه در رشد اقتصادی مواجه شده است، هرچند انتظار می رود جایگاه هند با تکیه بر نرخ رشد اقتصادی این کشور (نرخ رشد ۶ درصدی) بهبود یابد.

در این گزارش به ظهور پنج قدرت جدید آسیایی نیز اشاره شده است. کشورهای تایلند، مالزی، هند، اندونزی و ویتنام پنج کشوری هستند که پیش بینی می شود طی ۵ تا ۱۵ سال آینده به جمع ۱۵ کشور برتر ملحق شوند و به واسطه هزینه پایین نیروی کار، صنایع کارخانه ای چابک، ساختار جمعیتی مناسب و رشد اقتصادی در قالب یک چین جدید ظاهر شوند.

در مجموع براساس این گزارش ۱۲ مولفه استعداد، سیاستها و زیرساخت های نوآوری، مزیت هزینه ای، سیاست های انرژی، زیرساخت های فیزیکی، چارچوب قانونی، بهره وری نیروی کار، شبکه تامین کنندگان، زیرساخت های آموزشی، نظام اقتصادی - تجاری - مالی و مالیاتی، جذابیت بازارهای محلی و نظام بهداشت از جمله عملکردهای رقابت پذیری صنعتی عنوان شده است.

Deloitte

نوآوری شاه کلید ورود به اقتصاد مدرن است

«جدیدترین دستگاه مکنده آلودگی های محیطی با فناوری جدید اختراع شد، دانشمندی اتریشی سریع ترین دستگاه سنجش چک پول تقلبی را اختراع کرد. برزیل از دستگاه خرمکوب پیشرفته برای توسعه صنعت کشاورزی رونمایی کرد و...»

این خبرها و خبرهایی مشابه، نمونه اطلاعاتی هستند که بسیاری از ما روزانه در نشریات اقتصادی مطالعه می کنیم. اما اگر کمی دقیق تر به این خبرها نگاه کنیم، متوجه می شویم اهمیت این نوع خبر، در نوآوری، خلاقیت و متفاوت بودن است. در واقع هر روز، همگام با پیشرفت فناوری و تکنولوژی، کشورهای مختلف جهان در تلاشند تا اقتصاد خود را پیشرفت دهند.

بر همین اساس است که نوآوری در اقتصاد از اهمیت بسزایی برخوردار است. اما سنجش میزان نوآوری اقتصادی در سطح جهان کار ساده ای نیست. سازمان بین المللی تعیین رده بندی نوآوری اقتصادی در

جهان (GII) هر سال با انتشار فهرستی مشخص می کند کدام کشورها نوآورتر هستند و کدام یک در وضعیتی ضعیف و شکننده قرار دارند.

از تحولات سیاسی تا مناسبات بین الملل

سازمان GII برای تعیین سطح عملکرد کشورها از فیلترهایی بسیار پیچیده استفاده می کند که ۸۲ شاخص اصلی را شامل می شود. بیش از ۱۸۲ کشور مشمول این مقیاس می شوند و در نهایت کارنامه کشورها به ترتیب موفقیت و عدم موفقیت تنظیم می شود. با توجه به گستره وسیع شاخص های این سنجش، نمی توان هیچ ایرادی به نتایج این رده بندی گرفت. اما جالب است که بخش بزرگی از نتایج این تقسیم بندی با نوع سیاست ها و روابط دیپلماتیک کشورها همبستگی معناداری دارد.

این همان موضوعی است که این روزها بسیاری از کارشناسان اقتصادی را نگران کرده است. تحولات اخیر ایالات متحده و تصمیم گیری های عجیب و غریب ریاست جمهوری این کشور باعث شده برخی از فعالان اقتصادی معتقد باشند دونالد ترامپ در حکم ترمزی



برای نوآوری های اقتصادی کشورش عمل کند.

این مسئله به ویژه از این جهت حائز اهمیت است که بدانیم بخش بزرگی از جامعه دانشگاهی و هیأت علمی برترین مراکز تحصیلی آمریکا را مهاجران تشکیل می دهند. این همان زنگ خطری است که خبر از احتمال به خطر افتادن رتبه چهارمی ایالات متحده در رده بندی می دهد. اما فارغ از موضوع سیاست های خارجی، برای بررسی سطح نوآوری کشورها شاخص های مهم دیگری نیز وجود دارد. پژوهشگران دانشکده اقتصاد کرنل معتقدند بخشی از نوآوری های اقتصادی به مناسبات سیاسی و بخشی دیگر به استراتژی هایی مرتبط است که دولت های مختلف برای رسیدن به قله های موفقیت اتخاذ می کنند. به عبارت دیگر تصمیم گیری های سیاسی به تنهایی بار موفقیت اقتصادی را به دوش نمی کشد و مسیری که برای رسیدن به اهداف مدنظر دولت هاست از اهمیت ثانویه قابل توجهی برخوردار است.

این طرز فکر به شکلی کاملاً مشخص با شعار سال گذشته GII همخوانی دارد. شعار: برد با نوآوری جهانی است؛ علم و نوآوری بیشتر و مشارکت قدرتمند تر دولت ها. این شعار که جهت گیری صلح آمیزی دارد، در تلاش است تا مفهومی مشترک را به کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه جهان ارسال کند. پیام روشن است؛ هراندازه کیفیت روابط دیپلماتیک و مناسبات بین الملل میان کشورهای مختلف افزایش پیدا کند، نرخ نوآوری اقتصادی دستخوش موفقیت چشمگیرتری خواهد شد.

دست به دست هم برای موفقیت

جدیدترین گزارش GII حکایت از آن دارد که نرخ موفقیت اقتصادی کشورهایی که تعاملات اقتصادی متعددی دارند، به شکل معناداری بیش از دیگران است. بسیاری از کشورهای توسعه یافته بخش بزرگی از اقبال اقتصادی خود را مرهون به کارگیری منابع انسانی مهاجری هستند که برای تحصیل یا کار جذب کرده اند.

این نیروهای مهاجر با به دوش کشیدن بخشی مهم از بار نیروی انسانی، فرصتی مناسب برای رشد کشورهای پذیرنده فراهم می کنند. افزون بر اینها، باز گذاشتن مرزهای تکنولوژی و دانش موضوع مهم دیگری است که در عصر دیجیتال به توسعه اقتصادی کشورها کمک می کند. به بیانی واضح تر اگر واردات تکنولوژی همراه با تعلیق و توقف تکنولوژی داخلی نباشد، بخشی مهم از نردبان پیشرفت تشکیل خواهد شد. اغلب کشورهای توسعه یافته، روزگاری به واردات تکنولوژی از همسایگان و رقبا وابستگی داشتند. این واردات زمینه را برای الگوگیری و خلق فرصت هایی جدید فراهم کرد. از سوی دیگر اغلب کشورهای توسعه یافته رکورددار همکاری های بین الملل در بخش های مختلف فناوری، صنعت، تولید و تجارت هستند؛ همکاری هایی که بر پایه مناسبات دیپلماتیک و با هدف گسترش همکاری های بلند مدت شکل می گیرند.

شاید بر همین اساس است که برخی از کارشناسان اقتصاد خاورمیانه

معتقدند بسیاری از کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته این منطقه برای رشد و پیشرفت اقتصادی نیازمند یک رنسانس اقتصادی بزرگ هستند. رها کردن استراتژی های ضعیف و تکراری، ارتقای سطح روابط بین الملل و کانال زدن بین اقتصاد های غرب و شرق از مهم ترین نکاتی هستند که می توانند به این کشورها کمک کنند. فرانسیس گری، مدیر ارشد سازمان بین المللی مالکیت معنوی (WIPO) معتقد است بسیاری از کشورهای در حال توسعه حوزه آفریقا و آسیا به عللی ساده و تاسف بار از ارتقای سطح نوآوری اقتصادی باز می مانند. یکی از مهم ترین علت های این موضوع، عدم توجه به ایده هایی است که توسط قشر جوان و کمتر شناخته شده جامعه مطرح می شود؛ ایده هایی که در صورت توجه و پشتیبانی مادی و معنوی، فرصتی مناسب برای رشد خواهند داشت. اما متأسفانه با توجه به مشکلات مختلف کشورهای کمتر توسعه یافته، این ایده ها یا در نطفه خفه خواهند شد یا به دیگر کشورها صادر می شوند و به نام قدرت های جهانی ثبت می شوند. این همان معضلی است که باعث می شود بسیاری از کشورها به رغم دارا بودن شرایط لازم برای ارتقای سطح، همچنان درجا بزنند یا رشد چشمگیری را تجربه نکنند. کارآفرینان اقتصاد آفرینند

براساس پژوهش انجام شده توسط دانشگاه لوند (Lund Uni-iversity)، کار آفرینان نقشی بسیار حیاتی در احیای اقتصادهای رو به افول ایفا می کنند. این پژوهش که طی یک بازه زمانی ۱۰ ساله (از ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴) به طول انجامیده، نتایجی جالب توجه دارد؛ نتایجی که نشان می دهد حمایت از کارآفرینان اروپایی چرخ نوآوری در بسیاری از صنایع مادر اتحادیه اروپا را روغن کاری کرده است. برای مثال صندوق های حمایت از کارآفرینان و جوایزی که به نوآوران عرصه صنعت اهدا می شوند با یک تیر چندین نشان اقتصادی را هدف قرار می دهند. اهدای جوایز و حمایت های مالی، نه تنها به اعتماد به نفس شرکت های نوپا کمک می کند، بلکه کارآفرینان را در عرصه بین الملل صاحب وجهه و اعتبار قابل قبول تری می کند. بخش مهمی از حمایت کارآفرینان نیز می تواند با مبانی دانش محور مرتبط باشد. همسو شدن سازمان های نوظهور و صاحب سبک با بودجه های دولتی، در پیشبرد اهداف مورد نظر آنان تاثیرگذار است. به بیانی واضح تر، حتی اگر نوآوری و خلاقیت های یک سازمان یا مجموعه اقتصادی در بخش داخلی حمایت نشود آمیدی به شناخته شدنش در بازارهای مهم بین المللی و اقبال در عرصه جهانی نخواهد بود.

بنابراین اگر کشورهای در حال توسعه انتظار دارند وارد فهرست ستاره های نوآوری شوند و از فهرست ذخیره ها و سطح پایین ها ارتقا پیدا کنند، باید به کارآفرینان نگاهی حمایتگر داشته باشند.

مبادله بازاریابی زیاده‌تر ۱۳۹۶



شرکت صنایع قهوه پارت سازان (مولتی کافه) به عنوان بزرگترین تولیدکننده قهوه فوری در خاورمیانه و تنها کارخانه تولیدی در ایران با تکنولوژی انحصاری، تولید خود را از ابتدای سال ۱۳۸۸ با صرف هزینه ای بالغ بر ۳۵ میلیون دلار آغاز نموده است.

این شرکت با تولید انواع مختلف محصولات قهوه با کیفیت و طعم عالی و قیمت رقابتی توانسته است با بهره گیری از ماشین آلات پیشرفته و نیروی انسانی متخصص خود ضمن دستیابی به حداکثر ظرفیت تولید، حجم قابل توجهی از محصولات خود را به کشورهای اروپایی نظیر آلمان، انگلستان، روسیه، لهستان، ترکیه، یونان، ارمنستان، بلغارستان و کشورهای سوریه، عراق، افغانستان، سنگال و مکزیک صادر نماید که این حجم صادرات نشان از کیفیت بهینه قهوه های تولیدی و رعایت استانداردهای بین المللی در فرآیند تولید قهوه فوری را به دنبال دارد. ظرفیت تولید بالا، تحویل به موقع کالا، ارائه بسته بندی های متنوع، کیفیت برتر با توجه به ذائقه های مختلف و تنوع محصولات را می توان به عنوان بخشی از مزایای مولتی کافه نسبت به رقیب در نظر گرفت.

مولتی کافه در راستای تدوین چشم اندازهای بلندمدت برای مجموعه خویش در بی دست یابی به سهم عمده ای در بازار داخلی و همچنین بازار کشورهای منطقه و جهان می باشد.



آینده عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی در دوران ترامپ

WORLD TRADE ORGANIZATION

اندیشکده «شورای آتلانتیک» در مطلبی در زمینه امکان پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی (WTO) نوشت: توافق اتمی ایران و قدرت های جهانی که در یک سال گذشته به طور کامل اجرا شد، امیدهایی را برانگیخت که ایران شاید به آرزوی دیرینه اش در پیوستن به سازمان تجارت جهانی برسد. این کشور در سال ۱۹۹۶ این کار را آغاز کرد اما با مخالفت های آمریکا و دیگر اعضای این سازمان مواجه شد. ۹ سال بعد این سازمان مجدداً با رسیدگی به تقاضای ایران در این زمینه موافقت کرد و در سال ۲۰۰۵ ایران عضو ناظر این سازمان شد. بر اساس این گزارش، کشورها باید برای عضویت در سازمان تجارت جهانی، تجارت و راهبردهای خود را با قوانین این سازمان وقف دهند. ایران تا سال ۲۰۰۹ موارد مورد نیاز چون امور حقوقی و جزئیات مقررات را برای عضویت فراهم کرد اما تنش با جامعه بین المللی به خاطر برنامه اتمی و اعمال تحریم ها بر اقتصاد این کشور، تلاش های ایران برای پیوستن به این سازمان را متوقف کرد. البته در سال ۲۰۱۵ این تنش سرانجام حل و منتهی به برجام گشت.

بر این اساس، گشایش ایجاد شده بین ایران و جامعه بین الملل در حل مسئله هسته ای موید این بود که عضویت این کشور در سازمان تجارت جهانی با اجماع محکمی از سوی جهان مواجه می شود اما ایران هنوز با مشکلات عمده حقوقی داخلی و موانع اجتماعی برای تجارت آزاد تحت قوانین سازمان تجارت جهانی مواجه است و تحلیلگران و مقام های ایرانی از عضویت این کشور در سازمان یاد شده به طوری که در آینده نزدیک برای ایران نافع باشد، مطمئن نیستند.

اندیشکده آتلانتیک در ادامه با پرداختن به مواضع اتحادیه اروپا و آمریکا در این زمینه نوشت: «فدریکا موگرنی» رییس سیاست خارجی اتحادیه اروپا از پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی حمایت می کند اما گروهی از قانونگذاران دو حزب عمده سیاسی آمریکا سال گذشته کاخ سفید را در مخالفت با پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی تحت فشار گذاشتند و عنوان کردند که این امر موجب محدودیت در توانایی آمریکا در وضع تحریم هایی علیه ایران در آینده می شود. در خاتمه این مطلب آمده است: «دونالد ترامپ» رییس جمهور منتخب نیز به شدت از توافق اتمی ایران انتقاد کرده و بسیاری از مشاوران او نیز دیدگاه منفی درباره ایران دارند. با چنین وضعیتی پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی به این زودی ها میسر نخواهد شد.



دفتر فروش: تهران، خیابان گاندی، خیابان سوم، پلاک ۱۳ تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۷۰۲۰۰
 دفتر مرکزی و کارخانه: مشهد، کیلومتر ۳۲ بزرگراه آسیایی تلفن: ۰۵۱-۲۲۴۶۶۲۱۸-۲۱
 پیامک: ۸۵۹۱ ۲۰۰۰ | @multicafeinfo | @multicafeinfo | www.multicafe.info





فرش مشهد

صنایع ماندگار

تندیس برند برتر صنایع ایران

تنها برند فرش ماشینی برگزیده از

نخستین جشنواره نام نشان ایرانی

www.MASHADCARPET.com

